



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیهما صابغین

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



سیمای امام مهدی
شرکلام معصومان

محمد مهدی حاتری پور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جمال بی مثال

نویسنده:

محمد مهدی حائری پور

ناشر چاپی:

آینده روشن

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	جمال بی مثال
۱۱	مشخصات کتاب
۱۲	اشاره
۱۸	فهرست
۲۸	مقدمه
۳۲	بخش اول: امام شناسی
۳۲	اشاره
۳۴	فصل اول: ضرورت وجود امام
۳۴	اشاره
۴۱	نکته هایی از روایات
۴۱	علت نیاز به امام
۴۲	امام به انتخاب خدا
۴۳	امام، مظهر لطف الهی
۴۴	امام ظاهر یا غائب
۴۷	فصل دوم: ضرورت شناخت امام
۴۷	اشاره
۵۰	نکته هایی از روایات
۵۰	اهمیت شناخت امام
۵۱	مفهوم امام شناسی و جایگاه آن
۵۲	مصدق امام کیست؟
۵۳	فصل سوم: روایات دوازده امام
۵۳	اشاره
۵۴	روایات

۵۷	نکته هایی از روایات
۵۷	پیامبر و مسئله جانشینی او
۵۷	جایگاه عترت پیامبر
۵۸	کشتی نوح و باب حطه
۶۰	معرفی امامان توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۶۱	بخش دوم: مهدی شناسی
۶۱	اشاره
۶۳	فصل اول: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن
۶۳	اشاره
۶۶	نکاتی درباره آیه شریفه و روایات ذیل آن
۷۲	نکاتی درباره آیه شریفه و روایات ذیل آن
۷۵	توضیحی درباره جایگاه آیه
۷۷	نکاتی پیرامون آیه شریفه و روایات آن
۸۱	فصل دوم: حسب و نسب شریف امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۸۱	اشاره
۸۸	نکته هایی درباره روایات
۹۳	فصل سوم: اسم و کنیه و شمایل امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۹۳	اشاره
۹۵	نکته هایی از روایات
۹۹	فصل چهارم: سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۹۹	اشاره
۱۰۴	نکته هایی درباره روایات
۱۰۴	عمل براساس قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۱۰۶	عدالت در سطح مسئولان و مردم
۱۰۷	علم و دانش گسترده در زمان ظهور
۱۰۸	امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و استفاده از قهر و خشنونت

۱۰۹	امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امیر مهر و مهرورزی
۱۱۱	فصل پنجم: خصائص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۱۱	اشاره
۱۱۷	نکته هایی از روایات
۱۲۵	بخش سوم: غیبت و انتظار
۱۲۵	اشاره
۱۲۷	فصل اول: ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۲۷	اشاره
۱۲۸	روایات
۱۳۶	نکته هایی از روایات
۱۳۶	آدله ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۴۱	راز پنهانی ولادت مهدی
۱۴۵	شبهات بی اساس درباره ولادت و پاسخ آنها
۱۵۰	نتیجه گیری
۱۵۲	فصل دوم: غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۵۲	اشاره
۱۵۵	نکته هایی از روایات
۱۵۵	سابقه غیبت
۱۵۶	چگونگی غیبت
۱۵۷	وظیفه ما در غیبت
۱۵۷	غیبت و ظهور
۱۶۰	فصل سوم: علت غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۶۰	اشاره
۱۶۰	روایات
۱۶۳	نکته هایی از روایات
۱۶۳	سزای از اسرار الهی

۱۶۴	غیبت، سنت الهی
۱۶۵	غیبت، سپر جان امام
۱۶۷	آزادی از بیعت طاغوت ها
۱۷۰	فصل چهارم: آثار و برکات امام غائب
۱۷۰	اشاره
۱۷۱	روایات
۱۷۴	نکته هایی از روایات
۱۷۴	ضرورت حجت، ظاهر یا غائب
۱۷۵	خورشید پشت ابر
۱۷۶	امام غائب و هدایت باطنی
۱۷۷	امام غائب و لطف و هدایت آشکار
۱۷۸	امام غائب و هدایت با واسطه
۱۸۰	فصل پنجم: طول عمر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۸۰	اشاره
۱۸۳	نکته هایی از روایات
۱۸۳	طول عمر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سنتی الهی
۱۸۳	طول عمر در امت های پیشین
۱۸۳	پیش بینی طول عمر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۸۶	فصل ششم: اهمیت انتظار فرج و جایگاه منتظران
۱۸۶	اشاره
۱۹۰	نکته هایی از روایات
۱۹۰	جایگاه انتظار
۱۹۱	جایگاه منتظر
۱۹۲	وظایف منتظران
۱۹۶	بخش چهارم: ظهور
۱۹۶	اشاره

۱۹۸	فصل اول: جهان پیش از ظهور
۱۹۸	اشاره
۲۰۰	نکته هایی از روایات
۲۰۰	اشاره
۲۰۱	ضرورت حجت الهی برای ساماندهی امور
۲۰۱	مؤمنان و اوضاع جهان پیش از ظهور
۲۰۲	ترسیم روایات از جهان پیش از ظهور
۲۰۶	فصل دوم: علائم ظهور
۲۰۶	اشاره
۲۱۱	نکته هایی از روایات
۲۱۱	مفهوم علامت و علائم ظهور
۲۱۱	برداشت نادرست از روایات علائم
۲۱۲	دسته بندی علائم ظهور
۲۱۲	علائم حتمی ظهور
۲۱۴	سایر علائم ظهور
۲۱۷	فصل سوم: وقت ظهور
۲۱۷	اشاره
۲۱۷	روایات
۲۱۹	نکته هایی از روایات
۲۱۹	مخفی بودن زمان ظهور
۲۲۰	علت پنهان بودن زمان ظهور
۲۲۱	خطر هلاکت و سقوط
۲۲۳	فصل چهارم: برکات ظهور امام مهدی علیه السلام
۲۲۳	اشاره
۲۲۸	نکته هایی از روایات
۲۲۸	اشاره

- ۲۲۸ شکوفایی عقل و کمال اخلاقی
- ۲۲۹ حکومت و دین جهانی
- ۲۳۰ عدالت جهانی در همه بخش ها
- ۲۳۱ امنیت همگانی در همه حوزه ها
- ۲۳۲ صفا و صمیمیت و همدلی مردم
- ۲۳۳ ریشه کن شدن فقر از جامعه بشری
- ۲۳۴ تعهد و مسئولیت پذیری افراد
- ۲۳۵ پیشرفت علمی و رشد ارتباطات
- ۲۳۷ سخن پایانی
- ۲۳۹ کتابنامه
- ۲۴۳ درباره مرکز

جمال بی مثال

مشخصات کتاب

جمال بی مثال / حائری پور، محمد مهدی؛ ۱۳۴۸ -

سیمای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کلام معصومان علیهم السلام / محمد مهدی حائری پور - قم: انتشارات مؤسسه آینده روشن، پژوهشکده مهدویت، ۱۳۹۳.

ISBN ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۰۷۳ - ۴۵ - ۴

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتاب نامه.

۱. امام شناسی، ۲. مهدی شناسی، ۳. غیبت و انتظار، ۴. ظهور - الف. انتشارات مؤسسه آینده روشن. پژوهشکده مهدویت. ب. عنوان.

۷/۴۳۶/۶۸۹BP۵۵۰/۳

ب ۱۳۹۳

جمال بی مثال؛ سیمای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کلام معصومان علیهم السلام

نویسنده: محمد مهدی حائری پور

حروف نگار: ناصر احمد پور

صفحه آرا: علی قنبری

طرح جلد: اکبرزاده

ناشر: مؤسسه آینده روشن

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

بها: ۱۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۴-۴۵-۵۰۷۳-۶۰۰-۹۷۸

مرکز پخش: قم، خیابان صفاییه، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۸۴۰۹۰۲

توضیح: شعر پشت جلد از غلام حسین یوسفی (ناقوس) می باشد.

همه حقوق برای ناشر محفوظ است

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

جمال بی مثال

سیمای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کلام معصومان علیهم السلام

محمد مهدی حائری پور

این تلاش ناچیز را به محضر مولای کریم که میزبان بزرگ عالم وجود است تقدیم می‌کنم و نیز به حضور مادر بزرگوارش حضرت فاطمه زهرا علیها السلام که بزرگ منتظر و چشم به راه اوست و چشم ما در دو عالم به عطای اوست.

ای نگار نازنین فاطمه

یادگار آخرین فاطمه

نام زهرا بهر قرآن شد نگین

نام تو نقش نگین فاطمه

فهرست

مقدمه ۱۳

بخش اول: امام شناسی

فصل اول: ضرورت وجود امام ۱۹

نکته هایی از روایات ۲۵

علت نیاز به امام ۲۵

امام به انتخاب خدا ۲۶

امام، مظهر لطف الهی ۲۷

امام ظاهر یا غائب ۲۸

فصل دوم: ضرورت شناخت امام ۳۱

نکته هایی از روایات ۳۴

اهمیت شناخت امام ۳۴

مفهوم امام شناسی و جایگاه آن ۳۵

مصدق امام کیست؟ ۳۶

فصل سوم: روایات دوازده امام ۳۷

روایات ۳۸

نکته هایی از روایات ۴۱

پیامبر و مسئله جانشینی او ۴۱

جایگاه عترت پیامبر ۴۱

کشتی نوح و باب حطّه ۴۲

معرفی امامان توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۴۴

بخش دوم: مهدی شناسی

فصل اوّل امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن ۴۷

نکاتی درباره آیه شریفه و روایات ذیل آن ۵۰

نکاتی درباره آیه شریفه و روایات ذیل آن ۵۶

توضیحی درباره جایگاه آیه ۵۹

نکاتی پیرامون آیه شریفه و روایات آن ۶۱

فصل دوم: حسب و نسب شریف امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۶۵

نکته هایی درباره روایات ۷۲

فصل سوم: اسم و کنیه و شمایل امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۷۷

نکته هایی از روایات ۷۹

فصل چهارم: سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۸۳

نکته هایی درباره روایات ۸۸

عمل براساس قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۸۸

عدالت در سطح مسئولان و مردم ۹۰

علم و دانش گسترده در زمان ظهور ۹۱

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و استفاده از قهر و خشنونت ۹۲

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امیر مهر و مهرورزی ۹۳

فصل پنجم: خصائص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۹۵

نکته هایی از روایات ۱۰۱

بخش سوم: غیبت و انتظار

فصل اوّل: ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۱۱

روایات ۱۱۲

نکته هایی از روایات ۱۲۰

ادّله ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۲۰

راز پنهانی ولادت مهدی ۱۲۴

شبهات بی اساس درباره ولادت و پاسخ آنها ۱۲۸

نتیجه گیری ۱۳۳

فصل دوم: غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۳۵

نکته هایی از روایات ۱۳۸

سابقه غیبت ۱۳۸

چگونگی غیبت ۱۳۹

وظیفه ما در غیبت ۱۴۰

غیبت و ظهور ۱۴۰

فصل سوم: علّت غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۴۳

روایات ۱۴۳

نکته هایی از روایات ۱۴۶

سزای از اسرار الهی ۱۴۶

غیبت، سنّت الهی ۱۴۷

غیبت، سیر جان امام ۱۴۸

آزادی از بیعت طاغوت ها ۱۵۰

فصل چهارم: آثار و برکات امام غائب ۱۵۳

روایات ۱۵۴

نکته هایی از روایات ۱۵۷

ضرورت حجّت، ظاهر یا غائب ۱۵۷

خورشید پشت ابر ۱۵۸

امام غائب و هدایت باطنی ۱۵۹

امام غائب و لطف و هدایت آشکار ۱۶۰

امام غائب و هدایت با واسطه ۱۶۱

فصل پنجم: طول عمر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۶۳

نکته هایی از روایات ۱۶۶

طول عمر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سنتی الهی ۱۶۶

طول عمر در امت های پیشین ۱۶۶

پیش بینی طول عمر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۶۶

فصل ششم: اهمیت انتظار فرج و جایگاه منتظران ۱۶۹

نکته هایی از روایات ۱۷۳

جایگاه انتظار ۱۷۳

جایگاه منتظر ۱۷۴

وظایف منتظران ۱۷۵

بخش چهارم: ظهور

فصل اول: جهان پیش از ظهور ۱۸۱

نکته هایی از روایات ۱۸۳

ضرورت حجت الهی برای ساماندهی امور ۱۸۴

مؤمنان و اوضاع جهان پیش از ظهور ۱۸۴

ترسیم روایات از جهان پیش از ظهور ۱۸۵

فصل دوم: علائم ظهور ۱۸۹

نکته هایی از روایات ۱۹۳

مفهوم علامت و علائم ظهور ۱۹۳

برداشت نادرست از روایات علائم ۱۹۳

دسته بندی علائم ظهور ۱۹۴

علائم حتمی ظهور ۱۹۴

سایر علائم ظهور ۱۹۶

فصل سوم: وقت ظهور ۱۹۹

روایات ۱۹۹

نکته هایی از روایات ۲۰۱

مخفی بودن زمان ظهور ۲۰۱

علت پنهان بودن زمان ظهور ۲۰۲

خطر هلاکت و سقوط ۲۰۳

فصل چهارم: برکات ظهور امام مهدی ۷۲۰۵

نکته هایی از روایات ۲۱۰

شکوفایی عقل و کمال اخلاقی ۲۱۰

حکومت و دین جهانی ۲۱۱

عدالت جهانی در همه بخش ها ۲۱۲

امتیت همگانی در همه حوزه ها ۲۱۳

صفا و صمیمیت و همدلی مردم ۲۱۴

ریشه کن شدن فقر از جامعه بشری ۲۱۵

تعهد و مسئولیت پذیری افراد ۲۱۶

پیشرفت علمی و رشد ارتباطات ۲۱۷

سخن پایانی ۲۱۹

کتابنامه ۲۲۱

مهدویت، حقیقت نابی است که ریشه در همه ادیان الهی و توحیدی دارد و ظهور مهدی و نظام عدل گستر او قله آمال و آرزوهای انبیاء و اولیاء و پیروان راستین ایشان بوده است. برای معرفی چهره درخشان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کتاب های فراوانی نوشته شده است ولی بررسی ابعاد مختلف شخصیت آن بزرگوار از دیدگاه معصومین علیهم السلام لطف دیگری دارد. در مجموعه ای که پیش روی شماست تلاش گردیده که در موضوعات مختلف مربوط به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف گزیده ای از روایات پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام او جمع آوری شود و با عباراتی سلیس و روان ترجمه شود و آن گاه نکاتی که از آن روایات قابل استخراج است به اختصار بیان گردد. به این ترتیب مجموعه حدیثی حاضر نسبت به مجموعه های مشابه از امتیازات ذیل برخوردار است ان شاء الله:

۱. کتاب های حدیثی دیگر یا جامع همه موضوعات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام نیست و یا اگر از جامعیت برخوردار است به خاطر

آوردن روایات فراوان مجموعه بسیار مفصّلی را تشکیل داده است که از حوصله بیشتر افراد جامعه بیرون است و مجموعه حاضر سعی کرده بین جامعیت و اختصار جمع کند تا کاری مفید برای همه طبقات و اصناف باشد.

۲. بیشتر مجموعه های حدیثی که تاکنون چاپ شده است یا به زبان عربی و بدون ترجمه فارسی است و یا به عکس تنها به ترجمه فارسی اکتفا شده است و متن عربی روایات که متن اصلی کلام معصومین علیهم السلام است آورده نشده و به همین دلیل برای همه سلیقه ها مقبول واقع نشده است.

۳. مهم تر این که گرچه بعضی از مجموعه های حدیثی همراه با ترجمه فارسی تدوین گردیده ولی از هرگونه توضیح و بیانی درباره روایات خالی است حال آن که در موارد متعدّد، حتی ترجمه فارسی روایات، مطلب را برای خواننده آن _ به ویژه آنها که مطالعات کافی درباره امامت و مهدویت نداشته اند _ واضح نمی کند و همین امر سبب کاهش انگیزه و شوق برای مطالعه کتاب ایجاد می کند. در مجموعه حاضر علاوه بر متن عربی و ترجمه فارسی، در هر بخش، نکاتی درباره روایات بیان گردیده که هم نوعی جمع بندی و نتیجه گیری از روایات است و هم نقطه های مبهم روایات را تا حدّی روشن کرده است و بیان آنها به صورت نکته های جداگانه و کوتاه به یادگیری و حفظ و نگهداری آنها کمک فراوان می کند. (ضمناً در پایان

هر نکته شماره روایت مرتبط با آن نکته بیان شده است)

۴. مجموعه حاضر، روایاتی است که از کتاب های معتبر نزد شیعه و اهل سنت گردآوری شده است و تلاش شده است که در هر بخش پس از دیدن اکثر روایات مربوط به آن بخش، بهترین و روان ترین روایات که در کتاب های معتبر حدیثی آمده است آورده شود تا برای مخاطبان مختلف قابل استفاده باشد.

با تشکر فراوان از استاد بزرگوار و گرامی حضرت حجت الاسلام والمسلمین پورسیدآقایی (دام عزه) که بانی این کار و راهنما و مشوق ما بوده اند.

محمد مهدی حائری پور

قم مقدس _ بهار ۱۳۹۳ (شعبان ۱۴۳۵)

ص: ۱۷

بخش اول: امام شناسی

اشاره

فصل اول: ضرورت وجود امام**اشاره**

یکی از مسائل مهم اعتقادی مسأله نیاز به امام حق است که جانشینی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را برعهده دارد. در کتاب های اعتقادی فریقین مسأله نیاز به امام برای جامعه اسلامی از بدیهیات شمرده شده است و آن چه مورد اختلاف و محل بحث و نزاع بوده خصوصیات امام و میزان در شناخت او و مقدار و کیفیت اختیارات او بوده است، به اعتقاد شیعه «امام» مقام و منزلتی دارد که براساس آن دنیا و آخرت مردم را تأمین می کند و او علاوه بر ریاست دنیوی، بر دین و دیانت مردم نیز امام است و به تعبیر بالاتر او حجت خدا در میان خلق است که به سبب او دین داری میسر خواهد بود و بدون او حجت خدا بر مردم تمام نخواهد شد. همان گونه که بدون پیامبر و کتاب آسمانی حجت الهی بر مردم تمام نخواهد گردید. با این بیان، زمین از امام حق خالی نخواهد بود امامی که حلال و حرام الهی را بیان کرده و راه

مستقیم الهی را نشان می دهد.

درباره این موضوع روایات بسیاری موجود است که چند نمونه آن

را می آوریم:

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

به درستی که خداوند بزرگ تر از آن است که زمین را بدون امام عادل واگذارد. (۱)

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر [از] مردم تنها دو نفر [باقی] باشد هر آینه یکی از آنها

«امام» خواهد بود، و نیز فرمود: آخرین کسی که می میرد امام است تا کسی بر خدا دلیل نیاورد که خدا او را بدون حجّت واگذاشته است. (۲)

۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

همیشه این گونه بوده که برای خداوند در زمین حجّتی بوده که حلال و حرام را می شناسانده و مردم را به سوی راه خدا می خوانده است. (۳)

۱- عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «قَالَ إِنَّ اللَّهَ أَجَلٌ وَأَعْظَمُ مِنْ أَنْ يَتْرُكَ الْأَرْضَ بِغَيْرِ إِمَامٍ عَادِلٍ.» (کافی، ج ۱، کتاب الحجّه، باب ان الارض لاتخلو من حجّه، ح ۶)

۲- عن ابی عبدالله علیه السلام: «لَوْ كَانَ النَّاسُ رَجُلَيْنِ لَكَانَ أَحَدُهُمَا الْإِمَامَ وَقَالَ إِنَّ آخِرَ مَنْ يَمُوتُ الْإِمَامُ لِنَلَّا يَحْتَجُّ أَحَدٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنَّهُ تَرَكَهُ بِغَيْرِ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَيْهِ.» (کافی، ج ۱، کتاب الحجّه، باب انه لولم یبق فی الارض الارجلان...، ح ۳)

۳- عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «مَا زَالَتِ الْأَرْضُ إِلَّا وَ لِلَّهِ فِيهَا الْحُجَّةُ يُعَرِّفُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَيَدْعُو النَّاسَ إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ.» (کافی، ج ۱، کتاب الحجّه، باب ان الارض لاتخلو من حجّه، ح ۳)

۴. امام باقر علیه السلام فرمود:

زمین از وجود مردی از ما [اهل بیت علیهم السلام] که حق را بشناسد

خالی نمی ماند پس آن گاه که مردم چیزی در حق بیفزایند

گوید: افزودند و اگر چیزی از آن کم کنند گوید: کاستند و اگر حق را بیاورند تصدیقشان کند و اگر چنین نباشد حق از باطل شناخته نگردد. (۱)

۵. جمعی از اصحاب امام صادق علیه السلام نزد او بودند و در میان آنها هشام بن حکم که جوان نوری بود. امام فرمود:

هشام گزارش نمی دهی که با عمرو بن عبید چه کردی و چگونه با او سؤال و جواب کردی؟ ... هشام گفت: گفتم ای مرد دانش مند من غریبم اجاز می دهی سؤالی کنم؟ گفت آری پرس. گفتم: آیا شما چشم دارید؟ گفت: پسر جان این چه سؤالی است چیزی که به چشم خود می بینی سؤال ندارد! گفتم پرسش همین گونه است. گفت: پرس اگر چه سؤال تو احمقانه است! گفتم: شما چشم دارید؟ گفت آری دارم. گفتم: با آن چه می کنی؟ گفت: با آن رنگ ها و اشخاص را می بینم. گفتم: بینی داری؟ گفت: آری. گفتم: با آن چه می کنی؟ گفت: با آن استشمام می کنم. گفتم: دهان داری؟ گفت: آری. گفتم: با آن چه می کنی؟ گفت: مزه ها را با آن می چشم. گفتم: گوش داری؟ گفت: آری. گفتم: با آن چه می کنی؟ گفت: با آن صداها را

۱- عن الحسن بن ابی حمزه الثمالی عن ابیه قال سمعت ابا جعفر و هو یقول: «لَنْ تَخْلُوَ الْمَأْرُضُ إِلَّا وَ فِيهَا رَجُلٌ مِّنَّا يَعْرِفُ الْحَقَّ فَإِذَا زَادَ النَّاسُ فِيهِ قَالَ قَدْ زَادُوا وَ إِذَا نَقَصُوا مِنْهُ قَالَ قَدْ نَقَصُوا وَ إِذَا جَاءُوا بِهِ صَدَقَهُمْ وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ كَذَلِكَ لَمْ يَعْرِفِ الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ». (کمال الدین، ج ۱، باب ۲۲، ح ۱۲، ص ۴۲۲)

می شنوم. گفتم: قلب هم داری؟ گفت: آری! گفتم: با آن چه می کنی؟ گفت: هر آن چه به این اعضا و حواس من وارد می شود با قلبم آنها را تشخیص می دهم! گفتم: آیا وجود این جوارح موجب بی نیازی از قلب نیست؟! گفت: نه. گفتم: چگونه ترا از قلب بی نیازی نیست و حال آن که این جوارح و حواس صحیح و سالم است؟! گفت: پسر جان وقتی این اعضا و حواس در چیزی که ببینند یا بچشند یا بشنوند تردید کنند در تشخیص آن به قلب مراجعه می کنند تا یقین پابرجا شود و شک از بین برود! گفتم: پس خداوند قلب را برای رفع شک و تردید حواس قرار داده؟! گفت: آری. گفتم: حتماً باید قلب باشد و گرنه برای حواس، یقین پیدا نمی شود؟! گفت: آری. گفتم: ای ابامروان (۱) خدای تبارک و تعالی حواس تو را بی امام رها نکرده و برای آنها امامی گماشته که ادراک او را تصحیح کند و در مورد شک، یقین به دست آورد و همه این مردم را در شک و سرگردانی و اختلاف و گذاشته و امامی برای آنها معین نکرده تا آنها را از شک و حیرت برگرداند؟! ... گفت: در اینجا خاموش ماند و پاسخی نداد! (۲) و (۳)

۱- این کنیه عمرو بن عبید است که طرف بحث هشام بوده است.

۲- پس در پایان روایت آمده که وقتی عمرو بن عبید دانست که او هشام به حکم است از او تقدیر کرد و بر جای خود نشاند و امام صادق علیه السلام از هشام پرسید؟ چه کسی این استدلال را به تو آموخت؟ هشام گفت: اینها مطالبی بود که از شما یاد گرفتم و تنظیم کردم. حضرت فرمود: به خدا این حقیقتی است که در صحف ابراهیم و موسی نوشته شده است.

۳- عن یونس بن یعقوب قال: «كَانَ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ مِنْهُمْ حُمْرَانُ بْنُ أَعْيَنَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ النُّعْمَانِ وَ هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ وَ الطَّيَّارُ وَ جَمَاعَةٌ فِيهِمْ هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ وَ هُوَ شَابٌّ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا هِشَامُ أَلَا تُخْبِرُنِي كَيْفَ صَبَّغْتَ بَعْمُرَ بْنَ عَبِيدٍ وَ كَيْفَ سَأَلْتَهُ فَقَالَ هِشَامُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي أُجِلُّكَ وَ أَسْتَحْيِيكَ وَ لَا يَعْمَلُ لِسَانِي بَيْنَ يَدَيْكَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ إِذَا أَمَرْتُكُمْ بِشَيْءٍ فَاَفْعَلُوا قَالَ هِشَامُ بَلَّغْنِي مَا كَانَ فِيهِ عَمْرُو بْنُ عَبِيدٍ وَ جُلُوسُهُ فِي مَسْجِدِ الْبَصْرَةِ فَعَظَّمَ ذَلِكَ عَلَيَّ فَخَرَجْتُ إِلَيْهِ وَ دَخَلْتُ الْبَصْرَةَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَأَتَيْتُ مَسْجِدَ الْبَصْرَةِ فَإِذَا أَنَا بِحَلْقِهِ كَبِيرِهِ فِيهَا عَمْرُو بْنُ عَبِيدٍ وَ عَلَيْهِ شَمْلَةٌ سَوْدَاءٌ مُتَرَارًا بِهَا مِنْ صُوفٍ وَ شَمْلَةٌ مُرْتَدِيًا بِهَا وَ النَّاسُ يَسْأَلُونَهُ فَاسْتَفْرَجْتُ النَّاسَ فَأَفْرَجُوا لِي ثُمَّ قَعَدْتُ فِي آخِرِ الْقَوْمِ عَلَى رُكْبَتِي ثُمَّ قُلْتُ أَيُّهَا الْعَالِمُ إِنِّي رَجُلٌ غَرِيبٌ تَأْذَنُ لِي فِي مَسْأَلِهِ فَقَالَ لِي نَعَمْ فَقُلْتُ لَهُ أَلَيْكَ عَيْنٌ فَقَالَ يَا بَنِي أَيْ شَيْءٍ هَذَا مِنَ السُّؤَالِ وَ شَيْءٌ تَرَاهُ كَيْفَ تَسْأَلُ عَنْهُ فَقُلْتُ هَكَذَا مَسْأَلَتِي فَقَالَ يَا بَنِي سَلْ وَ إِنْ كَانَتْ مَسْأَلَتُكَ حَمَقَاءَ قُلْتُ أَجِبْنِي فِيهَا قَالَ لِي سَلْ قُلْتُ أَلَيْكَ عَيْنٌ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فَمَا تَصْبِغُ بِهَا قَالَ أَرَى بِهَا الْأَلْوَانَ وَ الْأَشْخَاصَ قُلْتُ فَلَيْكَ أَنْفٌ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فَمَا تَصْبِغُ بِهِ قَالَ أَشْمٌ بِهِ الرَّائِحَةَ قُلْتُ أَلَيْكَ فَمَ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فَمَا تَصْبِغُ بِهِ قَالَ أَذُوقُ بِهِ الطَّعْمَ قُلْتُ فَلَيْكَ أُذُنٌ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فَمَا تَصْبِغُ بِهَا قَالَ أَسْمِعُ بِهَا الصَّوْتَ قُلْتُ أَلَيْكَ قَلْبٌ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فَمَا تَصْبِغُ بِهِ قَالَ أُمَيِّزُ بِهِ كُلَّ مَا وَرَدَ عَلَيَّ هَذِهِ الْجَوَارِحِ وَ الْحَوَاسِّ قُلْتُ أَوَلَيْسَ فِي هَذِهِ الْجَوَارِحِ غَنَى عَنِ الْقَلْبِ فَقَالَ لَا قُلْتُ وَ كَيْفَ ذَلِكَ وَ هِيَ صَبَّغَتْ سَلِيمَةَ قَالَ يَا بَنِي إِنْ الْجَوَارِحَ إِذَا شَكَّتْ فِي شَيْءٍ سَمِعَتْهُ أَوْ رَأَتْهُ أَوْ ذَاقَتْهُ أَوْ سَمِعَتْهُ رَدَّتْهُ إِلَى الْقَلْبِ فَيَسْتَيْقِنُ الْيَقِينَ وَ يُبْطِلُ الشَّكَّ قَالَ هِشَامُ فَقُلْتُ لَهُ فَإِنَّمَا أَقَامَ اللَّهُ الْقَلْبَ لِشَكِّ الْجَوَارِحِ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ لَا بُدَّ مِنَ الْقَلْبِ وَ إِلَّا لَمْ تَسْتَيْقِنِ الْجَوَارِحُ قَالَ نَعَمْ فَقُلْتُ لَهُ يَا أَبَا مَرْوَانَ فَاللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَثْرُكْ جَوَارِحَكَ حَتَّى جَعَلَ لَهَا إِمَامًا يُصَبِّغُ لَهَا الصَّحِيحَ وَ يَتَّقِنُ بِهِ مَا شَكَّ فِيهِ وَ يَثْرُكُ هَذَا الْخَلْقَ كُلَّهُمْ فِي حَيْرَتِهِمْ وَ شَكِّهِمْ وَ اخْتِلَافِهِمْ لَا يُقِيمُ لَهُمْ إِمَامًا يَرُدُّونَ إِلَيْهِ شَكَّهُمْ وَ حَيْرَتَهُمْ وَ يُقِيمُ لَكَ إِمَامًا لِيَجْوَازِحَكَ تَرُدُّ إِلَيْهِ حَيْرَتَكَ وَ شَكَّكَ قَالَ فَسَيَكْتُ وَ لَمْ يَقُلْ لِي شَيْئًا.» (اصول کافی، ج ۱، کتاب الحجّه، ح ۳،

۶. ابی حمزه گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم:

آیا زمین بدون امام می ماند؟ فرمود: اگر زمین بدون امام باشد، هر آینه فرو می رود. (۱)

۷. امام کاظم علیه السلام فرمود:

۱- عن ابی حمزه قال: قلت لابی عبدالله علیه السلام: «أَتَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ قَالَ لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ.» (كافی، ج ۱، كتاب الحجّة، باب أن الارض لاتخلو من حجّه، ح ۱۰)

خداوند از زمان وفات حضرت آدم علیه السلام، هرگز زمین را بدون امام وانگذاشته است. امامی که به وسیله او [مردم] به خدا هدایت می گردند و او همان حجت [خدا] بر بندگان است که هر که او را وانهد گم راه شده و هر که پیرویش کند نجات یافته است. این [نصب امام] حقی بر خداوند است. (۱)

۸. امام سجاد علیه السلام فرمود:

از زمان خلقت آدم علیه السلام زمین از حجت خالی نبوده است؛ یا [حجت] آشکار و شناخته شده و یا حجت پنهان و پوشیده و تا قیام قیامت زمین از حجت خالی نخواهد ماند و اگر چنین نبود خداوند عبادت نمی شد. (۲)

۹. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

آیا سخن خدای بزرگ را نشنیدید که می فرماید: ای مؤمنان اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول او را و اطاعت کنید اولی الامر از خود را؟ آیا این دستور تا روز قیامت نیست؟ آیا نمی اندیشید که از زمان آدم علیه السلام تا زمان امام گذشته [ابومحمد العسکری علیه السلام] که درود خدا بر او باد [خداوند تعالی برای شما پناه گاه هایی قرار داد که به آنها پناهنده شوید و نشانه هایی گذاشت که به آنها هدایت شوید؟! [به گونه ای که] هرگاه علمی

۱- عن الامام موسى بن جعفر عليه السلام قال: «ما ترك الله عز وجل الأرض بغير إمام قط منذ قبض آدم عليه السلام يهتدي به إلى الله عز وجل وهو الحجة على العباد من تركه ضلّ ومن لزمه نجا حقاً على الله عز وجل». (كمال الدين، ج ۱، ص ۲۲۲، باب ۲۲، ح ۳)

۲- عن علي بن الحسين عليه السلام: «لم تخل الأرض منذ خلق الله آدم من حجه لله فيها ظاهر مشهور أو غائب مستور ولا تخلو إلى أن تقوم الساعة من حجه لله فيها ولو لا ذلك لم يعبد الله». (كمال الدين، ج ۱، ص ۲۰۷، ح ۲۲، باب ۲۱)

نهان شد علم دیگری آشکار گردید و اگر ستاره ای غروب کرد ستاره ای دیگر درخشید و چون خدای تعالی ابو محمد علیه السلام را قبض روح کرد پنداشتید که او رابطه بین خود و خلقتش را قطع کرده است؟ هرگز چنین نبوده و تا روز قیامت چنین نخواهد بود تا آن روز که امر خدای تعالی ظاهر شود در حالی که آنان (مشرکان) ناخشنود باشند. (۱)

نکته هایی از روایات

علت نیاز به امام

۱. بدیهی است که انسان ها به جود آمده اند تا با انجام اوامر الهی به کمال و قرب الهی برسند و در این مسیر نیاز به راهنما دارند و به همین جهت خداوند رسولان را فرستاده است و نیز به همین دلیل لازم است امامان هدایت در میان مردم باشند و خداوند هیچ گاه این نیاز را بی پاسخ نگذاشته است. (حدیث ۱ و ۳)

۲. اعضای بدن انسان گرچه سالم باشند در انجام وظایف خود بی نیاز از قلب (و عقل) نیستند، جامعه انسانی نیز اگرچه از عقل سالم و رشد یافته برخوردار باشد بی نیاز از هدایت های امام نیست زیرا انسان

۱- و فی توفیق له علیه السلام قال: «أَمَا مَا سَمِعْتُمْ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ)؛ هَيْلٌ أَمْرٌ إِلَّا بِمَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ لَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَ لَكُمْ مَعَاقِلَ تَأْوُونَ إِلَيْهَا وَ أَعْلَامًا تَهْتَدُونَ بِهَا مِنْ لَدُنْ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى أَنْ ظَهَرَ الْمَاضِي أَبُو مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كُلَّمَا غَابَ عِلْمٌ بَدَأَ عِلْمٌ وَ إِذَا أَفَلَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ فَلَمَّا قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَدْ قَطَعَ السَّبَبَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَلْقِهِ كَلَّا مَا كَانَ ذَلِكَ وَ لَا يَكُونُ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ وَ يَظْهَرَ أَمْرُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ هُمْ كَارِهُونَ». (کمال الدین، ج ۲، ص ۲۴۱، باب ۴۵، ح ۸)

سراسر فقر و نیاز است و مسیر او پرخطر و طولانی و مقصد او قرب الهی است. (حدیث ۵)

۳. همان طور که قلب (و عقل) انسان به عنوان مرکز تصمیم گیری و شناخت و آگاهی است و بدون آن ممکن است اعضا و جوارح به خطا بروند و در تشخیص، اشتباه کنند؛ امام عادل به عنوان رئیس جامعه بشری، میزان حق است که به وسیله او مرز حق و باطل شناخته می شود و نیز نگهبان حریم حق است تا باطلی به آن راه نیابد. (حدیث ۵)

۴. امام عالم ترین امت به دین و حلال و حرام الهی است اگر او نباشد خطر تحریف و کم و زیادی دین و معارف الهی وجود دارد ولی او وظیفه دارد که اگر انحرافی پدید آمد موضع بگیرد و از انحراف امت جلوگیری کند؛ چنان که امام حسین علیه السلام در مقابل انحرافات، قیام کرد. (حدیث ۳ و ۴)

امام به انتخاب خدا

با توجه به جایگاه امام که باید معصوم از گناه و خطا باشد تا بتواند معیار و میزان حق قرار گیرد، هیچ کس جز خداوند که عالم به غیب است نمی تواند مصداق امام را در جامعه معرفی کند. (حدیث ۱ و ۵ و ۹) چون عصمت امری است که بر همگان مخفی و نامعلوم است و نیز این که در آینده چه خواهد شد بر کسی جز خدا آشکار نیست؛ به روایت زیر توجه کنید:

سعد بن عبدالله قمی گوید: از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیدم که چرا مردم نمی توانند امامشان را خود برگزینند؟ آن حضرت پرسید: مرادت امام صالح اصلاح گر است یا پیشوای ناشایست فسادانگیز؟ گفتم: مرادم مقتدای صالح اصلاح گر است.

امام فرمود: با توجه به این که کسی نمی داند که در خاطر دیگری از اندیشه صلاح و فساد چه می گذرد، آیا ممکن است، مردم کسی را برگزینند که اندیشه فساد در سر دارد؟ گفتم: آری! فرمود: به همین دلیل انتخاب امام به مردم واگذار نشده است و این همان علتی است که با برهان بر تو اقامه کردم تا عقلت به اطمینان برسد. (۱)

امام، مظهر لطف الهی

۱. یکی از راه ها برای لزوم نصب امام از سوی خدا، توجه به صفات کمال الهی است. خداوند عادل و حکیم و لطیف است، او خدایی است که ذره ای ظلم در ساحت قدس او راه ندارد و هرگونه بیهودگی و لغو از او دور است و نهایت لطف و رحمت را نسبت به بندگان خود دارد؛ بنابراین به مقتضای عدالت و حکمت و لطف بی نهایتش، مردم را بدون امام و پیشوایی که هدایت گر آنها به سوی کمال مطلق باشد نمی گذارد (همه احادیث شاهد این مطلب است).

۲. امام عادل، حجت خدا در میان خلق است بنابراین در همه

۱- قال سعد بن عبدالله القمی: «فَأَخْبَرَنِي يَا مَوْلَايَ عَنِ الْعِلَّةِ الَّتِي تَمْنَعُ الْقَوْمَ مِنْ اخْتِيَارِ إِمَامٍ لِنَفْسِهِمْ قَالَ مُضِيلِحٌ أَوْ مُفْسِدٌ قُلْتُ مُضِيلِحٌ قَالَ فَهَلْ يَجُوزُ أَنْ تَقَعَ خَيْرُهُمْ عَلَى الْمُفْسِدِ بَعْدَ أَنْ لَا يَعْلَمَ أَحَدٌ مَا يَخْطُرُ بِبَالِ غَيْرِهِ مِنْ صَيْلِحٍ أَوْ فَسَادٍ قُلْتُ بَلَى قَالَ فَهِيَ الْعِلَّةُ وَ أوردَهَا لَكَ بِبُرْهَانٍ يَنْفَادُ لَهُ عَقْلُكَ». (كمال الدين، ج ۲، ص ۲۰۲)

زمان ها و برای همه امت ها باید امامی باشد تا حجت خدا بر خلق تمام گردد و کسی بر خدا دلیل نداشته باشد، به همین جهت آخرین نفر که می میرد «امام» خواهد بود همان گونه که اولین نفر از انسان ها پیامبر بود (= حضرت آدم علیه السلام) و در این صورت عذری برای کسی باقی نمی ماند! (حدیث ۲ و ۷ و ۸ و ۹)

۳. از مطالعه اسلام و ادیان الهی از آغاز خلقت، معلوم می شود که نصب امام و حجت الهی در میان خلق، سنتی قطعی و حتمی بوده است به گونه ای که هر گاه حجتی از دنیا رفته است، حجت دیگری به جای او قرار گرفته است و این جریان تا زمان امام عسکری علیه السلام ادامه یافته است. (حدیث ۹)

امام ظاهر یا غائب

۴. با توجه به ضرورت وجود امام در هر زمان و با توجه به این که نصب امام و حجت سنتی جاری در زمان بوده است به گونه ای که هیچ گاه زمین از حجت الهی (پیامبر یا جانشین او) خالی نبوده است، بنابراین اگر در زمانی از زمان ها، امام ظاهر و آشکاری نباشد بدون تردید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، غائب و پوشیده است ضمن این که روایات فراوان مبنی بر غیبت حجت های الهی موجود است و نیز به طور خاص، غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات فراوان مطرح شده است. (۱) (حدیث ۹ و ۸)

۵. این که در آیه «اولی الامر»، بدون قید زمان به اطاعت اولی الامر

۱- در مبحث غیبت و علت آن بخشی از این روایات خواهد آمد.

فرمان داده شده است، می‌رساند که اولی الامر در هر زمانی وجود دارد و مردم هر عصر و زمان باید از او اطاعت کنند. حال اگر در میان افراد موجود و ظاهر، کسی که شایسته این مقام باشد وجود نداشته باشد معلوم می‌شود که مصداق «اولی الامر» امامی است که از نظرها غائب است چون غیبت حجّت خدا امری بی سابقه نیست و فراوان اتفاق افتاده است. (حدیث ۹)

فصل دوم: ضرورت شناخت امام

اشاره

از نظر عقل و نقل مسئله معرفت و شناخت جایگاه بسیار مهمی دارد و آدمی بدون معرفت به جایی نخواهد رسید بلکه هدف از خلقت، معرفت و شناخت است. آیات قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام در این موضوع، صریح و روشن است. در بحث معرفت، ابتدا معرفت خدا و شناخت صفات و اسماء حسناى او مطرح است و پس از آن شناخت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خلفای برحق او مراد است.

برای آشنایی با میزان اهمیت معرفت امام و جانشین برحق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بعضی از روایات را در این جا می آوریم:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

هر کس بمیرد در حالی که امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است. (۱)

۱- قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً». (کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۹؛ اعلام الوری، ص ۴۱۵؛ بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۶۸؛ شرح المقاصد، ج ۵، ص ۲۳۹؛ ینابیع الموده، ج ۳، ص ۳۷۲)

۲. از امام علی علیه السلام سؤال شد:

کمترین چیزی که آدمی به سبب آن گمراه خواهد بود چیست؟ فرمود: این که نشناسد کسی را که خدا امر به اطاعت از او کرده و ولایتش را واجب دانسته و او را حجت در زمین و شاهد بر خلق خویش قرار داده. پرسیدند: ای امیرالمؤمنین آنها کیانند؟ فرمود: کسانی که خداوند آنها را در کنار خود و پیامبرش قرار داده و فرموده: ای گروه مؤمنان از خدا و رسول اطاعت کنید و نیز از اولی الامر از میان خود. راوی گوید: پس من سر حضرت را بوسیدم و گفتم: برایم (مطلب را) روشن ساختی و گره از کارم گشودی و هر شکی در دلم بود از میان بردی! (۱)

۳. امام کاظم علیه السلام: [راوی گوید]

از آن حضرت درباره آیه «و چه کسی گمراه تر است از آن که هوای خود را پیروی کرده بدون هدایتی از سوی خدا» سؤال شد. فرمود: مراد کسی است که دین خود را رأی خود قرار داده بدون این که امامی از پیشوایان هدایت را برگزیده باشد. (۲)

۱- عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قُلْتُ لَهُ: «مَا أَذْنَى مَا يَكُونُ بِهِ الرَّجُلُ ضَالًّا قَالَ أَنْ لَا يَعْرِفَ مَنْ أَمَرَ اللَّهُ بِطَاعَتِهِ وَفَرَضَ وَوَلَّيْتَهُ وَجَعَلَهُ حُجَّتَهُ فِي أَرْضِهِ وَشَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ قُلْتُ فَمَنْ هُمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ الَّذِينَ قَرَنَهُمُ اللَّهُ بِنَفْسِهِ وَنَبِيِّهِ فَقَالَ: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ) (سورة نساء، آیه ۵۹) فَقَالَ فَقَبَّلْتُ رَأْسَهُ وَ قُلْتُ أَوْضَحْتَ لِي وَفَرَّجْتَ عَنِّي وَ أَذْهَبْتَ كُلَّ شَكٍّ كَانَ فِي قَلْبِي». (معانی الاخبار، ب ۴۲۹، ح ۴۵، ص ۳۹۴)

۲- عَنْ ابْنِ أَبِي نَصِيرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «فِي قَوْلِهِ تَعَالَى (وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ) (سورة قصص، آیه ۵۰) قَالَ يَعْنِي مَنْ اتَّخَذَ دِينَهُ رَأْيَهُ بَغَيْرِ إِمَامٍ مِنْ أَيْمَمِهِ الْهُدَى». (غیبت نعمانی، ب ۷، ح ۷، ص ۱۷۹)

۴. امام صادق علیه السلام :

امام نشانه ای است میان خدا و خلقش، پس هر که او را بشناسد مؤمن خواهد بود و هر که او را انکار کند کافر خواهد بود. (۱)

۵. امام صادق علیه السلام :

ای یحیی هر که شبی را بدون معرفت امام زمانش بسر برد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است. (۲)

۶. امام حسین علیه السلام :

ای مردم به راستی که خدای بلندمرتبه بندگان را خلق نکرد مگر برای این که او را بشناسند پس چون او را شناختند، عبادتش کنند، پس چون او را عبادت کردند به سبب آن از عبادت غیر او بی نیاز گردند. پس مردی به آن حضرت گفت: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پدر و مادرم فدای شما باد، معرفت و شناخت خدا چیست؟ امام فرمود: این که اهل هر زمانی، امام زمان خود را بشناسند، همان که اطاعت او برایشان واجب است. (۳)

۱- عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «الْإِمَامُ عَلَّمَ فِيمَا بَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ بَيْنَ خَلْقِهِ فَمَنْ عَرَفَهُ كَانَ مُؤْمِنًا وَ مَنْ أَنْكَرَهُ كَانَ كَافِرًا». (کمال الدین، ب ۳۹، ح ۹؛ بحار الانوار، ج ۱۰، ح ۳۲، ص ۷۹)

۲- عن یحیی بن عبدالله عن ابی عبدالله علیه السلام أنه قال: «يَا يَحْيَى بْنَ عَبْدِ اللَّهِ مَنْ يَأْتِ لَيْلَهُ لَمَّا يَعْرِفُ فِيهَا إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً». (غیبت نعمانی، ص ۸۰؛ بحار الانوار، ج ۱۰، ح ۸، ص ۷۱)

۳- عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «خَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَيَّدُوهُ فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَتَعَنُوا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ قَالَ مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ». (بحار الانوار، ج ۱۰، ح ۲۲، ص ۷۴؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۹)

نکته هایی از روایات

اهمیت شناخت امام

۱. در روایات معصومین علیهم السلام نکات مهمی درباره اهمیت شناخت امام مطرح شده است که بعضی از آنها عبارتند از:
 - الف. «معرفت امام» مسئله ای است که به اصل دیانت انسان برمی گردد به گونه ای که بدون آن، حیات معنوی انسان، تباہ می شود. (حدیث ۱)
 - ب. «مرگ جاهلی»، نشانه زندگی جاهلانه است زیرا مرگ، عصاره حیات است. بنابراین آن که امام عصر خود را نشناسد و ولایت او را نپذیرد زندگی جاهلانه دارد و از حیات انسانی بی بهره است گرچه حیات حیوانی دارد. (۱)
 - ج. نیاز به امام و هدایت او، از هر نیاز دیگر بالاتر است به گونه ای که سزاوار نیست انسان. حتی شبی را بدون معرفت و اعتقاد به امام حق به صبح برساند، به همین دلیل امامان، نسبت به فوری بودن آن نیز هشدار داده اند. (حدیث ۵)
 - د. هدف خلقت، معرفت خدا و عبودیت خالص برای اوست و راه خداشناسی و بندگی او آن گونه که شایسته اوست، پذیرفتن ولایت امام معصوم علیه السلام است و اوست که خداوند را به درستی معرفی می کند و راه بندگی او را به شایستگی نشان می دهد. پس هر کس امام زمان خود را نشناسد هدف خلقت را گم کرده و زندگی دنیوی و اخروی خود را باخته است. (حدیث ۶)

مفهوم امام شناسی و جایگاه آن

۲. با توجه به اهمیت معرفت امام، لازم است که مقصود از آن به درستی تبیین شود:

از آیات و روایات معلوم می شود که معرفت امام، مراتبی دارد که هر کدام آثار و برکاتی دارد؛ گرچه شناخت امام به حسب و نسب و نام و لقب، لازم و ضروری است ولی کافی نیست و آن چه مهم است شناخت امامت و جایگاه بلند آن در دین است یعنی امام را بشناسی به این که حجّت خدا و جانشین بر حق پیامبر است و خود را ملتزم به اطاعت کامل و تسلیم مطلق در برابر او بدانی و این اطاعت را عین اطاعت پیامبر و خداوند بدانی! (۱) (حدیث ۲ و ۳ و ۴ و ۶)

۳. مقصود از «امام» همان کسی است که خداوند اطاعتش را واجب کرده و او را حجّت در زمین و شاهد بر خلق قرار داده است. (حدیث ۲) او نشانه خداست که در میان مردم قرار داده (حدیث ۴) و کسی که او را نشناسد و به راه او نرود گرفتار هواهای نفسانی گشته به گمراهی قطعی و حتمی گرفتار می شود. (حدیث ۳ و ۴)

۴. مقصود از «اولی الامر» _ مطابق روایات _ همان امام و جانشین پیامبر است. جایگاه او در این آیه چنان معرفی شده که اطاعت از او در

۱- برای شناخت امام و جایگاه او دو منبع بسیار خوب قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام است. برای نمونه می توانید به اصول کافی، ج ۱ «کتاب الحجّه» بنگرید و نیز به «زیارت جامعه کبیره» (در مفاتیح الجنان) و شرح آن در کتاب ادب فنای مقرّبان از «آیت الله جوادی آملی» مراجعه کنید.

ردیف اطاعت خدا و رسول قرار گرفته است و همانند آنها، باید به صورت مطلق و در همه فرمان‌ها مورد اطاعت قرار گیرد و این دلیل عصمت و پاکی اوست. (۱) (حدیث ۲)

مصدق امام کیست؟

۵. در آیه ۵۹ نساء امام را به عنوان «اولی الامر» معرفی کرده است ولی این که این عنوان بر چه اشخاصی پس از پیامبر منطبق می‌گردد، در روایات نبوی صلی الله علیه و آله و سلم بیان گردیده است. چون «امام» در جایگاه اولی الامر کسی جز «معصوم» نیست؛ نمی‌تواند به وسیله مردم انتخاب شود بنابراین، خداوند آنها را برمی‌گزیند و به وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به مردم اعلام می‌کند. (حدیث ۲)

۱- ر.ک: به المیزان، علامه طباطبایی، ذیل آیه ۵۹ سوره نساء؛ نیز تفسیر کبیر از امام فخر رازی شافعی، ذیل همان آیه.

فصل سوم: روایات دوازده امام

اشاره

مهم ترین مسئله اّمت اسلامی پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، مسئله جانشینی آن حضرت بوده است. گروه هایی از مسلمین گمان می کنند که پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و سلم دربارهٔ خلافت بعد از خود سخنی نفرموده است و این امر مهمّ را به اّمت و تصمیم آنها براساس مشورت عمومی، وا گذاشته است! ولی شیعه معتقد است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در موارد فراوان و در مناسبت های مختلف و در اجتماعات کوچک و بزرگ، نسبت به خلافت و خلفای بعد از خود سخن گفته بلکه به تعداد آنها و نیز اشخاص آنها تصریح کرده و همه خلفای پس از خود را نام برده است. شاهد بر این ادّعا روایات فراوانی است که در کتاب های مسلمین اعم از شیعه و سنی بیان گردیده است. بخشی از این روایات، مورد قبول همهٔ مسلمین و در حدّ تواتر (۱) است و در کتب صحاح (۲) نقل

۱- «تواتر» یعنی راویان یک حدیث به قدری زیادند که به درستی حدیث، یقین پیدا می شود.

۲- کتب صحاح، شش کتاب حدیثی اهل سنّت است که نزد آنها مورد قبول است و مهم ترین آنها صحیح بخاری و صحیح مسلم است.

شده است. در این جا چند نمونه از آن روایات را بیان کرده و بررسی خواهیم کرد:

روایات

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:

همیشه اسلام عزیز خواهد بود تا آن زمان که دوازده خلیفه باشند. جابر بن سمره (راوی) می گوید:

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سخنی گفت که من نشنیدم؛ به پدرم گفتم: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چه فرمود؟
گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: همه آنان از قریش خواهند بود. (۱)

۲. ابوسعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نماز اول را برای ما اقامه کرد و سپس رو به ما کرده و فرمود:

ای گروه یاوران من! به راستی که مثل اهل بیت من در میان شما مثل کشتی نوح و باب حطه در بنی اسرائیل است. پس به اهل بیت من و امامان از نسل من چنگ بزنید! که در این صورت هرگز گمراه نخواهید شد!

سؤال شد: ای رسول خدا! امامان بعد از شما چند نفرند؟

۱- عن جابر بن سمره عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال: «لَا يَزَالُ هَذَا الْأِسْلَامُ عَزِيزًا إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً ثُمَّ قَالَ كَلِمَةً لَمْ أَفْهَمَهَا فَقُلْتُ لِأَبِي مَا قَالَ فَقَالَ قَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ». (منتخب الاثر، ج ۱، ح ۱۹، ص ۲۶ به نقل از صحیح مسلم) و مانند این روایت در سنن ابی داود و سنن ترمذی و المعجم الکبیر طبرانی و مسند احمد بن حنبل که همه از کتاب های معتبر اهل سنت است، آمده است. برای ملاحظه روایات ر.ک: به منتخب الاثر ج ۱، ص ۱۹ به بعد.

فرمود: دوازده نفر از اهل بیت من (یا فرمود) از عترت من. (۱)

۳. از امیرالمؤمنین علی علیه السلام سؤال شد که:

مقصود از «عترت» در این سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چیست؟ «به درستی من دو چیز گران بها در میان شما (= امت اسلامی) به جا می گذارم: کتاب خدا و عترتم را». علی علیه السلام فرمود: یعنی من و حسن و حسین و نه امام از فرزندان حسین علیهم السلام که نهمین آنها مهدی ایشان است. اینان از کتاب خدا جدا نخواهند شد و کتاب خدا هم از آنها جدا نمی شود تا آن گاه که در کنار حوض، بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد شوند. (۲)

۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:

من سرور پیامبرانم و علی ابن ابیطالب علیه السلام سرور اوصیاء پیامبران و به راستی که جانشینان من پس از من دوازده نفرند که اولین آنها علی ابن ابیطالب علیه السلام و آخرین آنها قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (۳)

۱- عن ابی سعید الخُدَری قال: صَلَّى بنا رسول الله صلاه الاوی ثم اقبل بوجهه الکریم علینا فقال صلی الله علیه و آله و سلم: «معاشر اصحابی انّ مثل اهل بیتی فیکم مثل سفینه نوح و باب حطّه فی بنی اسرائیل، فتمسکوا باهل بیتی و الأئمه الراشدين من ذریتی فانکم لن تضلّوا ابداً فقیل یا رسول الله کم الأئمه من بعدک؟ فقال: اثنا عشر من اهل بیتی (اوقال) من عترتی.» (منتخب الاثر، ج ۱، ح ۶۶، ص ۴۸؛ به نقل از کفایه الاثر)

۲- سئل أمير المؤمنين عليه السلام عن معنى قول رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «إني مَخْلَفٌ فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي من العتره فقال أنا و الحسن و الحسين و الأئمه التسعه من ولد الحسين تاسعهم مهدبهم و قائمهم لا يفارقون كتاب الله و لا يفارقهم حتى يردوا على رسول الله عليه السلام حوضه.» (منتخب الاثر، ح ۲۴۳، ص ۱۶۲) این حدیث در منتخب الاثر از کتاب غیبت فضل بن شاذان نقل شده و البته مانند آن در کتاب های حدیثی دیگر مانند عیون اخبار الرضا، کمال الدین، اثبات الهداه، بحار الانوار و اعلام الوری روایت گردیده است.

۳- عن عبدالله بن عباس قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «أنا سيّد النبیین و علی بن ابی طالب سيّد الوصیین و إنّ أوصیائی بعیدی اثنا عشر أولهم علی بن ابی طالب و آخرهم القائم عليه السلام.» (منتخب الاثر، ج ۱، ح ۱۵۴، ص ۱۰۵ از باب دوم؛ به نقل از فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۳)

۵. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:

امامان پس از من دوازده نفرند اولین آنها تو هستی ای علی! و آخرین آنها قائم است که خداوند به دست او مشرق و مغرب زمین را فتح خواهد کرد. (۱)

۶. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:

به راستی که وصی و خلیفه پس از من علی بن ابیطالب علیه السلام است و پس از او دو سبط من حسن و سپس حسین و پس از ایشان نه نفر از نسل حسین، امامان ابرار.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خواسته شد که همه آنها را نام ببرد آن حضرت ادامه دادند:

پس از حسین فرزندش علی و پس از علی فرزندش محمد و پس

۱- عَنْ عَلِيٍّ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «الْأَيُّمَةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْلَهُمْ أَنْتَ يَا عَلِيُّ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيَّ يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا». (منتخب الاثر، ج ۱، ح ۱۵۵، ص ۱۰۶ از باب دوم به نقل از ینابیع الموده، ب ۹۴، ص ۴۹۲؛ کمال الدین، ج ۱، ب ۲۴، ح ۳۵، ص ۲۸۲). عن ابن عباس قال: قدم يهودى على رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يقال له نعشل فقال له: يا محمد... فاخبرنى عن وصيك من هو؟... فقال نعم ان وصيى و الخليفة من بعدى على بن ابى طالب عليه السلام وبعده سبطاى الحسن ثم الحسين يتلوه تسعه من صلب الحسين ائمه ابرار، قال يا محمد فسمهم لى. قال نعم، اذا مضى الحسين فابنه على، فاذا مضى على فابنه محمد، فاذا مضى محمد فابنه جعفر، فاذا مضى جعفر فابنه موسى، فاذا مضى موسى فابنه على، فاذا مضى على فابنه محمد ثم ابنة على ثم ابنة الحسن ثم الحجة بن الحسن، فهذه اثنا عشر ائمه عدد نقباء بنى اسرائيل... (منتخب الاثر، ج ۱، ص ۱۶۸؛ نقلاً عن فرائد السمطين، ج ۲، ص ۱۳۲، ب ۳۱، ح ۴۳۱)

از محمد فرزندش جعفر و پس از جعفر فرزندش موسی و پس از موسی فرزندش علی و پس از علی فرزندش محمد و پس از محمد فرزندش علی و پس از علی فرزندش حسن و پس از او حجت بن الحسن؛ پس ایشان دوازده امام هستند به تعداد نقباء بنی اسرائیل .

نکته هایی از روایات

پیامبر و مسئله جانشینی او

۱. به گواهی روایات فراوان، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بارها درباره سرنوشت اسلام و مسلمین بعد از خودش، بیانات روشن گرانه ای فرموده و امر امت را مهمل و مجمل نگذاشته است.

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پیوسته نگران امت خود و اسلام عزیز برای

زمان پس از خود بود به همین دلیل مسلمین را به پیوستن و پیروی کردن از کسانی توصیه کرد که آنها را از خطر گمراهی حفظ کنند. (روایت ۲ و ۳)

جایگاه عترت پیامبر

۳. از این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همواره به پیروی و اطاعت مطلق از اهل بیت علیهم السلام امر می فرمود، معلوم می شود که آنها همگی افرادی عالم و صالح بوده بلکه برگزیدگان امت در هر زمان بوده اند. (روایت ۲)

۴. در حدیث مشهور و مقبول ثقلین، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اهل بیت و عترت خود را در ردیف قرآن کریم قرار داده و تصریح کرده است که هیچ گاه بین اینان و قرآن جدایی نخواهد بود و این هم آهنگی و

همراهی همیشگی بین قرآن و عترت، نشانه عصمت و پاکی عترت است یعنی همان گونه که قرآن مصون از هر باطل و خطایی است، امامان و جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز معصوم از گناه و خطا هستند و اگر احتمال خطا در رفتار یا گفتار آنها وجود داشت شایسته نبود که در کنار قرآن و هم سنگ و هم وزن آن باشند. (روایت ۳)

۵. عدم جدایی قرآن و عترت این پیام بزرگ را دارد که هر جا قرآن سخن از مؤمنان و مجاهدان و صالحان گفته است عالی ترین مصادیق و نمونه های آنها، عترت پیامبرند و هر جا اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رهنمودی داده اند پرده از یک حقیقت قرآنی برداشته اند زیرا که ایشان بهترین مفسران قرآنند بلکه خود قرآن ناطق اند. (روایت ۳)

۶. همتایی قرآن، فضیلتی مخصوص اهل بیت و عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و همان طور که اگر کسی _ هر که باشد _ برخلاف قرآن حرکت کند یا سخنی بگوید محکوم به بطلان است، هر کسی در مقابل فردی از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار گیرد و سخنی یا اقدامی برخلاف آنها داشته باشد باطل است، به عبارت روشن تر، عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم محور و مدار «حق» هستند (۱) و حق با آنها شناخته می شود. (روایت ۳)

کشتی نوح و باب حطه

۷. در روایات بسیار که در کتاب های شیعه و سنی آمده است:

۱- چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره امام علی علیه السلام فرمود: «عَلَيْهِ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ يَدُورُ حَيْثُمَا دَارَ»؛ یعنی علی با حق است و حق با علی است و حق بر مدار علی می چرخد. (بحار الأنوار، ج ۳۰، ص ۳۵۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اهل بیت خود را به «کشتی نوح» و «باب حطه» بنی اسرائیل تشبیه فرموده است و ویژگی این دو آن است که هرکس به سوی آنها رفته حتماً نجات یافته است زیرا به تصریح قرآن، آنها که بر کشتی نوح سوار شدند نجات یافتند و آنها که سوار نشدند _ حتی پسر نوح _ به عذاب الهی هلاک گردیدند. (۱) «باب حطه» نیز دری است از درهای «بیت المقدس» که هرکس از آن وارد می شد گناهانش بخشیده می شد زیرا خداوند چنین دستور داده و اراده کرده بود و آنها که از انجام فرمان خدا در ورود از این در، تخلف کردند به عذاب سختی گرفتار شدند: (۲) (روایت ۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

آگاه باشید که مثل اهل بیت من در میان شما چونان کشتی نوح است در میان قومش! هر که بر آن درآمد نجات یافت و هر که از آن روی گردانید غرق شد! (۳)

و نیز فرمود:

مثل اهل بیت من در میان شما هم چون باب حطه است در میان بنی اسرائیل! هر که از آن داخل شود آمرزیده شود! (۴)

۱- ر.ک: سوره هود، آیات ۳۶ _ ۴۹.

۲- سوره بقره، آیات ۵۸ _ ۵۹؛ تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۶۷ _ ۲۷۰.

۳- عن ابی ذر قال: «سمعت النبی صلی الله علیه و آله و سلم یقول: الاِنَّ مَثَلُ اَهْلِ بَيْتِي فِي اُمَّتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ فِي قَوْمِهِ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ». (المستدرک علی الصحیحین، ۳، ۴۷۲۰، ص ۱۶۳؛ کمال الدین، ح ۵۹، ص ۲۳۹)

۴- عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «انَّمَا مَثَلُ اَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ مَثَلُ بَابِ حِطَّةٍ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ مَنْ دَخَلَهُ غُفِرَ لَهُ». (المعجم الاوسط، ۶، ۵۸۷۰، ص ۸۵؛ المعجم الصغیر، ۲، ص ۲۲؛ الصواعق المحرقة، ص ۱۵۲)

معرفی امامان توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۸. برای این که از هر گونه خطا و انحراف در شناسایی خلفا و جانشینان پیامبر، اجتناب شود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بارها دربارهٔ ویژگی ها و نام و لقب و حسب و نسب و قوم و تبار امامان پس از خود سخن فرمودند، بنابراین افرادی مثل بنی امیه و بنی عباس _ گرچه به ظاهر منصب خلافت را اشغال کردند _ هرگز مصداق روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیستند زیرا هیچ یک از آن ویژگی ها در اینان یافت نشده است! تعداد خلفای یادشده بیش از دوازده تن بوده و از قریش نبوده اند و اعمال آنها در موارد زیادی برخلاف قرآن و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بوده است و به همین دلیل پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم هوش مندانه به خطر آنها برای اسلام و مسلمین هشدار داده است:

وای بر این امت از سلاطین جبّار! چگونه می کشند و اطاعت کنندگان را می ترسانند مگر آنها که آشکارا آنها را اطاعت کنند! مؤمن پرهیزکار با زبان [و در ظاهر] با آنها سازگاری می کند ولی در دل از اینان فرار کرده و دوری می جوید! پس آن گاه که خداوند اراده کند که اسلام را عزیز گرداند هر جبّاری را نابود می سازد و او بر هر آن چه اراده کند تواناست [و بر این که] امتی را پس از فساد، اصلاح فرماید. (۱)

۱- عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال: «وَيُجَحِّدُ هَذِهِ الْأُمَّةَ مِنْ مُلُوكِ جَبَابِرِهِ كَيْفَ يَمُتُونَ وَيُخِيفُونَ الْمُطِيعِينَ إِلَّا مَنْ أَظْهَرَ طَاعَتَهُمْ فَالْمُؤْمِنُ التَّقِيُّ يُصَانِعُهُمْ بِلِسَانِهِ وَيَفِرُّ مِنْهُمْ بِقَلْبِهِ فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يُعِيدَ الْأِسْلَامَ عَزِيزًا فَصَمَّ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى مَا يَشَاءُ أَنْ يُضِلِّحَ أُمَّةً بَعِيدَ فَسَادِهَا». (المعجم الاحاديث الامام المهدي، ج ۱۰، ح ۱، ص ۱۵ به نقل از صفة المهدي)

ص: ۴۵

بخش دوم: مهدی شناسی

اشاره

فصل اول: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

اشاره

مهدویت حقیقتی است که قرآن کریم به عنوان قانون اساسی اسلام به آن پرداخته است زیرا که مهدویت هم از ابتدای خلقت عالم به عنوان غایت و هدف نهایی از خلقت انسان و بعثت انبیاء مطرح بوده است و هم به عنوان مهم ترین موضوع در آینده جهان، با سرنوشت انسان ها گره خورده است. اما چون قرآن کریم در معرفی افراد و گروه ها همیشه به صراحت عمل نکرده است، بعضی گمان کرده اند که این حقیقت نورانی در قرآن نیامده است حال آن که شیوه قرآن در بیان معارف و واقعیت های عالم در بسیاری از موارد، بیان ویژگی ها و اوصاف است. برای مثال در مسئله ولایت و خلافت بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که ضرورت آن امری بدیهی و مورد قبول همه مسلمین است، فراوان سخن گفته ولی در همه جا برای ذکر مصداق ولی و جانشین بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از شیوه بیان اوصاف و ویژگی ها استفاده کرده است. مانند آیه ۵۵ از سوره مائده و یا آیه ۵۹ از سوره نساء.

بنابراین وقتی با دقت به آیات قرآن نگاه می‌کنیم در می‌یابیم که هر جا از آینده اسلام و بشریت سخن گفته و بزرگی‌هایی از حکومت امام مهدی علیه السلام را مطرح کرده است؛ زیرا که آن چه از اوصاف در این زمینه بیان کرده است جز بر دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قابل انطباق نیست. این حقیقتی است که روایات فراوانی از شیعه و سنی پشتوانه آن است. در این بخش بعضی از آن آیات و روایات را می‌آوریم:

قال تعالى: «وَعَيَّدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»

(۱)

«خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که حتماً آنان را در زمین خلیفه (خود) گرداند همان گونه که کسانی که پیش از آنان بودند جانشین (خود) قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و ترس آنها را به ایمنی مبدل گرداند (تا) مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید، آنانند که نافرمانند.»

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

تأویل این آیه هنوز نیامده است و اگر قائم ماقیام کند پس از این، هر که او را درک کند تأویل این آیه را خواهد دید و هر آینه دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم به هر کجا شب می‌رسد خواهد رسید تا آنجا که

مشرکی بر سطح زمین نخواهد ماند همان گونه که خداوند فرموده: مرا عبادت می کنند و هیچ شرکی به من نمی ورزند. (۱)

۲. امام سجاد علیه السلام آیه مذکور را تلاوت کرده و فرمود:

ایشان (که در آیه به آنها وعده داده شده) به خدا سوگند شیعیان ما اهل بیت هستند. خداوند با آنها چنین خواهد کرد به دست مردی از ما (اهل بیت علیهم السلام) و او مهدی این امت است و او همان کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (درباره اش) فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد خداوند آن روز را چنان طولانی خواهد کرد که مردی از اهل بیت من به ولایت برسد او هم نام من است که زمین را از عدل و قسط پر می کند همان گونه که از جور و ظلم پر شده باشد. (۲)

۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

خدایا آن چه به ما وعده فرمودی به انجام رسان به راستی که تو وعده را تخلف نکنی! راوی گوید: پرسیدم: مولای من کجاست (و کدام است) وعده خدا؟ فرمود: سخن خدای بلندمرتبه که فرموده: خداوند به مومنان از شما و آنها که اعمال شایسته انجام

۱- عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «إِنَّهُ لَمْ يَجِئْ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا سَيِّرِي مَنْ يَدْرِكُهُ مَا يَكُونُ مِنْ تَأْوِيلِ هَذِهِ الْآيَةِ وَ لَيُبَلِّغَنَّ دِينُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم مَا بَلَغَ اللَّيْلُ حَتَّى لَا يَكُونَ شِرْكٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ كَمَا قَالَ اللَّهُ: يَعْبُدُونِي لَا يَشْرِكُونَ بِي شَيْئاً». (مجمع البيان، ذیل آیه ۳۹ انفال؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۲۴، ب ۳۲، ف ۲۱، ح ۴۱۶)

۲- عن الامام زين العابدين عليه السلام انه قرأ الايه و قال: هم والله شيعتنا اهل البيت يفعل الله ذلك بهم على يدي رجل منا و هو مهدى هذه الامه و هو الذي قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم، لو لم يبق من الدنيا الا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يلي رجل من عترتي اسمه اسمي يملأ الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً. (مجمع البيان، ذیل آیه؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۲۵، ب ۳۲، ف ۲۱، ح ۴۲۲)

دادند وعده داده که ایشان را در زمین خلیفه گردانند. (۱)

۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

روی زمین خانه ای از سنگ و خاک و پشم نمی ماند مگر این که خداوند اسلام را در آن داخل می کند. (۲)

نکاتی درباره آیه شریفه و روایات ذیل آن

یک. خداوند در این آیه برای آینده اسلام و مسلمین، خبر از جامعه ای داده است که مسلمین در آن حاکم بوده و دین اسلام همه جهان را فرا خواهد گرفت و هیچ ترس و نگرانی برای امت اسلامی نخواهد بود بلکه در همه جا با امنیت کامل به سر خواهند برد.

دو. نتیجه برپایی جامعه ای با خصوصیات مذکور در آیه، آن است که عبادت واقعی خدا محقق خواهد شد و زمین از عبادت های شرک آلود پاک خواهد شد چنان که این معنا از فراز «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (۳) استفاده می شود.

۱- عن الصادق عليه السلام: اللهم انجز لنا ما وعدتنا انك لا تخلف الميعاد، قال: قلت: يا سیدی فاین وعد الله؟ قال: قول الله عزوجل: وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم فی الارض. (اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۸۱، ب ۳۲، ف ۵۹، ح ۷۶۴؛ بحار، ج ۵۱، ص ۶۴، ب ۵، ح ۶۵)

۲- روی سلیم بن عامر عن المقداد بن اسود (قال) سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم يقول: لا يبقى على ظهر الارض بيت حجر ولا مدر ولا وبر الا ادخله الله كلمه الاسلام.... (تفسیر الماوردی، ج ۴۰، ص ۱۱۸؛ مجمع الزوائد، ج ۶، ص ۱۴_ البرهان (ذیل آیه)؛ به نقل از جوامع الجامع _ تفسیر قرطبی ذیل آیه)

۳- سوره نور، آیه ۵۵.

سه. لازمه عبادت خدا بدون هر گونه شرکی، حاکمیت اسلام بر همه زمین و خلیفه شدن برگزیده ترین فرد از میان اهل اسلام بر همه ارض و استقرار امتیت در همه زمینه های حیات فردی و اجتماعی است؛ پس محدود کردن معنی آیه به زمان چهار خلیفه پس از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم وجهی ندارد. (۱) در روایتی بلند از امام صادق علیه السلام فرازهای این آیه بیان گردیده و تحقق آنها به زمان ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منوط گردیده است و در ادامه این گونه آمده است:

مفصل (راوی روایت) گوید: گفتم ای پسر رسول خدا، این نواصب معتقدند که این آیه (یعنی آیه ۵۵ سوره نور) درباره (خلافت) ابوبکر و عمر و عثمان و علی علیه السلام نازل شده (و از دوران آنها خبر می دهد). حضرت فرمود: خدا دل های ایشان را هدایت نکند! چه زمانی بوده که دین مورد رضایت خدا و رسول (یعنی اسلام) تثبیت گردیده همراه آن امنیت در میان امت گسترده شده و نگرانی از دل های ایشان رخت بسته و هر گونه شک و تردیدی از سینه مسلمین برطرف شده؟ در زمان کدامین نفر از خلفای سه گانه و یا در خلافت علی علیه السلام؟! حال آن که در همان ایام (بعضی از) مسلمین مرتد گشته و فتنه ها و آشوب هایی برپا گردید و جنگ هایی میان کفار و مسلمین رخ داده است. (۲)

- ۱- برخی از علمای اهل سنت گفته اند که مراد از آیه دوران خلافت خلفای راشدین و امام علی علیه السلام است.
- ۲- «قَالَ الْمُفَضَّلُ فَقُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ النَّوَاصِبَ تَزْعُمُ أَنَّ هَذِهِ الْآيَةَ نَزَلَتْ فِي أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ وَعُثْمَانَ وَعَلِيٍّ قَالَ لَا يَهْدِي اللَّهُ قُلُوبَ النَّاصِبِينَ مَتَى كَانَ الدِّينُ الَّذِي ارْتَضَاهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مَتَمَكَّنًا بِانْتِشَارِ الْأَمْنِ فِي الْأُمَّةِ وَذَهَابِ الْخَوْفِ مِنْ قُلُوبِهَا وَارْتِفَاعِ الشَّكِّ مِنْ صُدُورِهَا فِي عَهْدِ أَحَدٍ مِنْ هَؤُلَاءِ وَفِي عَهْدِ عَلِيٍّ عَمَّا ارْتَدَادِ الْمُسْلِمِينَ وَالْفِتْنِ الَّتِي كَانَتْ تَتَوْرُ فِي أَيَّامِهِمْ وَالْحُرُوبِ الَّتِي كَانَتْ تَنْشُبُ بَيْنَ الْكُفَّارِ وَبَيْنَهُمْ.» (تفسیر کنز الدقائق، ج ۹، ص ۳۱۹، ذیل آیه شریفه؛ به نقل از کمال الدین و تمام النعمه)

چهار. آن چه در این آیه بیان گردیده از حکومت نهایی صالحان بر زمین و جهانی شدن دین اسلام، حقیقتی است که در آیاتی دیگر از قرآن نظیر آیه ۲۳ سوره توبه و ۲۸ سوره فتح و ۹ سوره صفّ به صراحت آمده است و بارها بشارت داده است که وارث زمین، بندگان شایسته خواهند بود (مانند انبیاء/۱۰۵) و عاقبت از آن متقین خواهد بود (مانند اعراف/۱۲۸). روشن است که حمل آیه بر معنایی که در

قرآن نظائری دارد بهتر است از محدود کردن آن به یک معنی بدون شاهد و دلیل!

پنج. علاوه بر شواهدی که از متن آیه و آیات دیگر استفاده می شود، روایات فراوانی از اهل بیت علیهم السلام رسیده که تأویل آیه را مربوط به روزگار ظهور مهدی علیه السلام دانسته است. این روایات از امام سجاد و امام باقر و امام صادق علیهم السلام نقل شده و در تفاسیری روایی نظیر البرهان، نورالثقلین و صافی آمده است.

شش. در تفاسیر اهل سنت هم طبق بعضی از اقوال صحابه، کلمه «الارض» به بلاد عرب و عجم تفسیر شده و به روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم استناد گردیده است که طبق آن اسلام در آینده همه دنیا را خواهد گرفت و هیچ خانه ای نمی ماند مگر این که اسلام به آن داخل می گردد.

این حدیث خبر از جهانی شدن اسلام می دهد که به اتفاق مسلمین در روزگار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود و در ذیل آیه ۳۳ سوره توبه خواهد آمد.

آیه دوم. قال تعالی: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (۱)

ترجمه: او خدائی است که رسولش را با هدایت و آئین حق فرستاد تا (در نهایت) آن (آئین حق) را بر همه آئین ها پیروز گرداند هرچند مشرکان کراهت داشته باشند.

درباره آیه فوق روایات فراوان از شیعه و سنی آمده است که چند نمونه می آوریم:

۱. امام صادق علیه السلام درباره آیه بالا فرمود:

به خدا سوگند تأویل این آیه هنوز نازل نشده است و تأویل آن نخواهد آمد مگر آن گاه که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند. پس وقتی او قیام کند. هیچ کافر و مشرکی نسبت به خدا و امام نمی ماند مگر این که از ظهور او نگران و ناراحت خواهد بود به گونه ای که اگر کافر یا مشرکی در دل سنگی (پنهان) باشد آن سنگ خبر دهد که ای مومن در دل من کافری وجود دارد مرا بشکن و

او را بکش! (۲)

۱- سوره توبه، آیه ۳۳.

۲- عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ فَقَالَ وَاللَّهِ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدَ وَلَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجَ الْقَائِمُ عَ إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِإِلَّهِ الْعَظِيمِ وَلَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّىٰ لَوْ كَانَ كَافِرٌ أَوْ مُشْرِكٌ فِي بَطْنٍ صَخْرَةٍ لَتَعَالَتْ يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَكَسِرْنِي وَاقْتُلْنِي. (نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۰۸ «ذیل آیه»؛ به نقل از کمال الدین)

۲. امیرالمؤمنین علیه السلام درباره آیه فوق پرسید:

آیا تا کنون اسلام بر سایر ادیان غلبه یافته؟ در پاسخ گفتند: آری! فرمود: هرگز (چنین نشده است) قسم به خدائی که جانم در دست اوست (چنان جهان را خواهد گرفت) که روستایی نمی ماند مگر این که گواهی به کلمه توحید هر صبح و شام در آن داده می شود! (۱)

۳. امام باقر علیه السلام فرمود:

قائم از ما (اهل بیت علیهم السلام) یاری شده به رُعب است و تأیید شده به نصرت الهی؛ زمین برای او پیچیده می شود و گنج ها برای او آشکار می گردد. حاکمیت او به شرق و غرب زمین می رسد و خداوند به دست او دین خود را بر همه ادیان چیره می سازد گرچه مشرکان ناراحت باشند پس (در زمان او) ویرانه ای نمی ماند مگر آن که آباد می شود و روح خدا عیسی بن مریم (از آسمان) پایین می آید و پشت سر او نماز می خواند. (۲)

این ها کلمات نورانی اهل بیت پیامبر علیهم السلام است که بهترین مفسران قرآن کریم اند ولی در میان صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و تابعین آن ها نیز کسانی

۱- عَنْ عَبَّاسِ بْنِ رَبِيعٍ أَنَّهُ سَمِعَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ الْآيَةَ أَظْهَرَ ذَلِكَ بَعِيدُ قَالُوا نَعَمْ كَلَّا وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى لَا يَبْقَى قَرْيَةٌ إِلَّا وَ نُودِيَ فِيهَا بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ بُكْرَةً وَ عَشِيًّا.» (مجمع البيان، ذیل آیه ۹ صف)

۲- عن الباقر عليه السلام يقول: «القائم منا منصور بالرعب مؤيد بالنصر تطوى له الأرض و تظهر له الكنوز يبلغ سلطانه المشرق و المغرب و يظهر الله عز وجل به دينه على الدين كله و لو كره المشركون فلا يبقى في الأرض خراب إلا قد عمر و ينزل روح الله عيسى ابن مريم فيصلي خلفه.» (نورالثقلين، ج ۳، ص ۱۰۹، ح ۱۲۴ «ذیل آیه»)

هستند که آیه مورد بحث را به زمان ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تفسیر کرده اند که چند نمونه را می آوریم:

۱. ابوهریره که از اصحاب پیامبر و راویان معروف اهل سنت است در توضیح آیه فوق گفته است:

این وعده ای است از خداوند به این که اسلام را بر همه ادیان برتری خواهد داد.

و سدی که از مفسران بزرگ است گفته: این رویداد هنگام قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است (در آن هنگام) کسی نمی ماند مگر این که به اسلام در آید یا جزیه دهد. (۱)

۲. سعید بن جبیر از بزرگان تابعین و دانشمندان والامقام و از اصحاب امام سجاد علیه السلام در تفسیر آیه فوق گفته است مقصود از آیه مهدی علیه السلام است که از خاندان فاطمه علیها السلام می باشد. (۲)

۳. جابر درباره این آیه گفته است:

این وعده خدا نخواهد مگر این که هیچ یهودی و نصرانی نمی ماند و هیچ دینی نخواهد بود مگر اسلام (و چنان امتیاتی خواهد بود) که گوسفند از گرگ و گاو از شیر و آدمی از مار احساس امنیت می کند... و آن وقت است که عیسی بن مریم علیه السلام فرود آید. (۳)

و البته روشن است که مراد از زمان نزول عیسی علیه السلام همان زمان ظهور

۱- التفسیر الکبیر، ج ۱۶، ص ۴۰.

۲- بحار، ج ۱۵، ص ۹۸، ح ۳۸.

۳- الدر المنثور، ج ۴، ص ۱۶۱ (ذیل آیه ۳۳ سوره توبه)

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است زیرا که این مطلب مورد قبول همه مسلمین است که عیسی علیه السلام همزمان با ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرود می آید.

نکاتی درباره آیه شریفه و روایات ذیل آن

یک. این آیه شریفه که در سه جای قرآن آمده به صراحت از جهانی شدن دین اسلام و غلبه آن بر همه ادیان خبر داده است و غلبه کامل اسلام بر همه ادیان به معنی چیرگی دین اسلام در همه ابعاد است و چون متعلق اراده خداوند است حتماً واقع خواهد شد.

دو. مراد از غلبه اسلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر سایر ادیان تنها پیروزی از جهت منطوق و استدلال نیست بلکه غلبه ظاهری و حاکمیت اسلام بر جهان را بیان می کند چنان که در آیات دیگر هم «ظَهَرَ» به معنی غلبه ظاهری به کار رفته است (۱) (مثل آیه ۲۰ سوره کهف و آیه ۸ سوره توبه)

سه. کراهت مشرکین که در آیه مطرح شده زمانی به اوج می رسد که اسلام را دین حاکم بر جهان بدانند و این می رساند که مراد از غلبه اسلام در آیه غلبه ای کامل و فراگیر است.

چهار. گذشته از ظاهر آیه، از روایات نیز غلبه ظاهری اسلام بر همه ادیان استفاده می شود. چون سخن از نابودی شرک در همه نقاط عالم و از بین رفتن همه مشرکان و کافران مطرح شده است که جز با غلبه ظاهری اسلام چنین اتفاقی نخواهد افتاد.

۱- تفسیر نور، ج ۵، ص ۵۱. (ذیل آیه ۳۳ سوره توبه)

پنج. در روایات متعددی از اهل بیت علیهم السلام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این گونه خوانده شده است: او همان کسی است که خداوند به سبب او دینش را بر همه ادیان غلبه خواهد داد. این تعبیر همان است که در آیه شریفه مطرح گردیده و می‌رساند که زمان تحقق این بشارت، همان زمان حاکمیت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (روایت ۳)

شش. در بعضی از روایات آمده است که تحقق این آیه زمانی است که هیچ کس نمی‌ماند مگر این که اسلام می‌آورد. بلکه همه مظاهر کفر و شرک مانند صلیب و خنزیر نابود می‌گردد و امتیّت مطلق همه جا و همه کس را فرا می‌گیرد. اینها اموری است که تا کنون محقق نشده و در سایه غلبه ظاهری اسلام بر همه ادیان و در عصر حاکمیت ولیّ خدا (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) محقق خواهد شد.

آیه سوم: قوله تعالی «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضُّعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. وَنُكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ». (۱)

ترجمه: و ما اراده کرده ایم که بر مستضعفان در زمین منت نهاده و آنها را پیشوایان و وارثان قرار دهیم و در زمین به ایشان قدرت داده و از ناحیه آنها به فرعون و هامان و لشکریان آنها نشان دهیم آنچه را که از آن بیم داشتند.

در توضیح و تفسیر این آیه نیز روایات فراوانی وارد شده است که بعضی از آنها را می‌آوریم:

۱. امام علی علیه السلام فرمود:

هر آینه دنیا پس از چموشی و سرکشی، مانند شتری که از دادن شیر به دوشنده اش خودداری می کند و آن را برای بچه اش نگه داری می کند، به ما روی خواهد آورد. پس امام این آیه را تلاوت فرمود: «ونرید ان نمّن... الوارثین». (۱)

۲. امام علی علیه السلام درباره آیه بالا فرمود:

مقصود از این مستضعفان، خاندان پیامبرند که سرانجام خداوند مهدی ایشان را پس از تلاش و کوشش آنها برمی انگیزد؛ پس به وسیله او آنان را عزیز کرده و دشمنانشان را خوار می گرداند. (۲)

۳. امام سجاد علیه السلام فرمود:

قسم به آن خدائی که محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به حق برانگیخت تا بشارت دهنده و بیم دهنده باشد همانا خوبان ما اهل بیت و پیروان آنها به منزله موسی و پیروانش هستند و دشمنان ما اهل بیت و پیروانش به منزله فرعون و پیروانش. (۳)

۱- عن علی امیرالمؤمنین علیه السلام قال: «لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَيَّ وَلَدِهَا وَ تَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ: وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَيَّ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ». (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹)

۲- عن علی امیرالمؤمنین علیه السلام فی قوله: «وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَيَّ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ قَالَ هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيُعِزُّهُمْ وَ يُدِلُّ عَدُوَّهُمْ». (الغیبه للطوسی، ص ۱۱۳)

۳- و عن علی بن الحسین علیه السلام قال: «وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا إِنَّ الْأَبْرَارَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ شِيَعَتَهُمْ بِمَنْزِلَةِ مُوسَى وَ شِيَعَتِهِ وَ إِنَّ عَدُوَّنَا وَ شِيَعَتَهُمْ بِمَنْزِلَةِ فِرْعَوْنَ وَ أَشْيَاعِهِ». (مجمع البیان، ذیل آیه شریفه)

۴. صدوق رحمه الله از حکیمه خاتون نقل کرده:

چون هفت روز از تولد قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف گذشت نزد پدرش امام عسگری علیه السلام آمدم، سلام کردم و نشستم. امام فرمود: فرزندم (مهدی) را نزد من بیاور و من چنین کردم... سپس امام عسگری فرمود: فرزندم! سخن بگو! فرمود: گواهی می دهم که معبودی جز الله نیست و سپس بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام و امامان پاک درود فرستاد تا این که به نام پدرش _ حضرت عسگری علیه السلام _ رسید و متوقف شد و سپس این آیات را تلاوت فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ... مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ» (۱)

توضیحی درباره جایگاه آیه

در آیات قبل از آیه مورد بحث سخن از استکبار فرعون و ظلم و جنایت او نسبت به گروهی از ساکنان مصر یعنی بنی اسرائیل است. او با کشتن پسران و زنده نگه داشتن دختران و زنان آنها می خواست قومی ضعیف و ناتوان ایجاد کند زیرا که بر اساس پیش گوئی کاهنان، از حاکمیت بنی اسرائیل و نابودی خود و دستگاه استکباریش بیم داشت

۱- باسناد الصدوق الی حکیمه قالت: «فَلَمَّا كَانَ يَوْمُ السَّابِعِ جِئْتُ وَ سَلَّمْتُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ فَقَالَ هَلُمِّي إِلَيَّ ابْنِي فَجِئْتُ بِسَيْدِي وَ هُوَ فِي الْخِرْقَةِ فَفَعَلَ بِهِ كَفَعَلْتَهُ الْأُولَى ثُمَّ أَدْلَى لِسَانَهُ فِي فِيهِ كَأَنَّمَا يُغَدِّدِيهِ لَبْنًا أَوْ عَسِيًّا ثُمَّ قَالَ تَكَلَّمْ يَا بَنِي فَقَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ تَنَّى الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ عَلَى الْأَيْمَةِ حَتَّى وَقَفَ عَلَى أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نَمُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِي فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ...» (كمال الدين، ص ۴۲۵، ب ۴۲، ح ۱؛ به نقل از نور الثقلين، ج ۵، ص ۳۱۱)

و آیات ۵ و ۶ سوره قصص خبر از اراده الهی داده است که برخلاف خواست فرعون، می خواهد مستضعفان را بر مستکبران پیروز گردانیده و آنها را از انواع نعمت های خود بهره مند سازد.

نکته مهم در این آیات این است که اراده الهی بر نابودی فرعون و غلبه بنی اسرائیل بر او به گونه ای بیان شده که نشان می دهد این یک جریان کلی و قاعده عمومی و سنت جاری در تاریخ است و اختصاص به قوم و ملت خاصی _ مثل بنی اسرائیل _ ندارد زیرا اولاً سیاق موجود در آیه که افعال به کار رفته ی در آن به صیغه مضارع است می رساند که این اراده، مقطعی و موضعی نبوده بلکه مستمر و دنباله دار است و همه زمان ها را فرا می گیرد و ثانیاً در آیه دوم از همین سوره فرموده «تَتْلُوا عَلَيْكُمْ مِنْ نَبَأِ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (۱) یعنی «ما بخشی از سرگذشت موسی و فرعون را برای (آگاهی) گروهی که ایمان می آورند، به درستی بر تو می خوانیم» و این می رساند که خداوند جریان مشکلات و مصائب موسی و بنی اسرائیل و فضای سخت زندگی آن ها را بیان می کند که تسلائی برای پیامبر و یاران او باشد و هم با توجه به فرجام نیکوی آن ها، بشارتی باشد که آن ها نیز به آینده ای بنگرند که همان اراده الهی درباره مسلمانان تحقق پیدا کند.

آن چه این برداشت را تقویت می کند وجود دو دسته آیات و

روایات است:

الف. مسئله حاکمیت مستضعفان بر زمین نه تنها در این آیه که در آیات متعدد و با عبارات گوناگون بیان شده است:

قال تعالی: «وَأَوْزَنَّا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُشْتَبَهُ عَفْوَ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا...» (۱)

و قال تعالی: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ وَلَنُسَكِّنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ» (۲)

و قال تعالی: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (۳)

و نیز سوره نور آیه ۵۵ و سوره یونس آیه ۱۳ و ۱۴.

ب. روایات فراوان از پیامبر و اهل بیت علیهم السلام موجود است که این آیات را بر امامان اهل بیت علیهم السلام هم چون امام علی علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیهما السلام تطبیق کرده است و در واقع حکومت اهل بیت علیهم السلام و ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را مصداق این آیات دانسته است که بخشی از این روایات را نقل کردیم.

نکاتی پیرامون آیه شریفه و روایات آن

۱. مطابق آیه، خداوند درباره مستضعفان پنج امر را اراده

۱- سوره اعراف، آیه ۱۳۷.

۲- سوره ابراهیم، آیه ۱۳ _ ۱۴.

۳- سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

فرموده است:

آنان را مشمول نعمت های خود قرار دهد و وارثان حکومت جباران گرداند و حکومتی قوی و پابرجا به آنها عطا کند و آنها را پیشوایان گردانیده و آن چه دشمنانشان از آن می ترسیدند به آنها (یعنی دشمنان) نشان دهد.

۲. اراده خداوند برتر از اراده غیر اوست و همان طور که در گذشته عملی گردیده است در آینده تاریخ نیز به عمل خواهد پیوست چنان که خود فرموده است: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ

كُنْ فَيَكُونُ». (۱)

۳. «مَنْت» به معنی نعمت سنگین است و دو گونه است: فعلی و قولی، و در آیه مقصود مَنْت فعلی است به معنی بخشیدن نعمت بزرگ به ایشان و آن چه قبیح است مَنْت قولی است یعنی بازگو کردن نعمت به قصد تحقیر طرف مقابل، چنان که در قرآن فرموده: «يَمُنُونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا...» (۲) و (۳)

۴. با توجه به مجهول بودن فعل «استضعفوا» مراد از «مستضعف» در آیه کسانی هستند که به ضعف کشیده شده اند و طاغوت آنها را به بند کشیده نه این که خود به این امر تن داده باشند.

۵. نه تنها فرعون که همه جباران تاریخ سعی می کردند که نیروها

۱- سوره یس، آیه ۸۲.

۲- سوره حجرات، آیه ۱۷.

۳- المیزان، ذیل آیه ۵ سوره قصص؛ به نقل از: مفردات راغب اصفهانی.

فعال جامعه را از کار بیندازند. فرعون مردان را می کشت و امروز با انواع وسائل مخدر روحیه مردی و مردانگی را می کشند و سعی می کنند تا به هر وسیله مثل فحشا و سرگرمی های ناسالم مانع پیش رفت معنوی و علمی ملت ها شوند.

۶. از روایات می فهمیم که قیام جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مصداق کامل اراده خداوند برای پیروزی مستضعفان بر مستکبران است که قبلاً نمونه محدودتر از آن در حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه و پیش از آن در بنی اسرائیل رخ داده است.

۷. ابن ابی الحدید معتزلی شارح نهج البلاغه در توضیح کلام امام علی علیه السلام آورده است:

به اعتقاد شیعه این آیه وعده خدا به ظهور امام غائبی است که در آخرالزمان مالک همه زمین می گردد و علمای ما (اهل سنت) می گویند که این آیه وعده خداوند به ظهور یک امام است که بر همه ممالک مسلط خواهد شد و لازمه این وعده آن نیست که آن امام هم اکنون موجود باشد. (۱)

بنابراین در اصل تطبیق آیه بر ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اتفاق نظر است و اختلاف در ولادت آن امام است.

۸. شرط برقراری حکومت مستضعفان، تلاش و کوشش و صبر و پایداری مومنان است چنان که در روایت امام علی علیه السلام آمده بود که پس از تلاش آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم مهدی آنها ظهور خواهد کرد و آنها را عزیز

۱- شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۹-۲۰، ص ۲۴، حکمت ۲۰۵.

خواهد ساخت. چنان که بنی اسرائیل هم زمانی حاکم شدند که به رهبری موسی علیه السلام صف واحدی تشکیل دادند و در راه خدا استقامت کردند چنان که خداوند فرمود: «... وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا...» (۱)

تذکر مهم: ما در این جا تنها به ۳ آیه از آیات مربوط به مهدویت پرداختیم ولی آیات در این موضوع بسیار فراوان است که علاقه مندان می توانند به کتاب «المحجّه فی ما نزل فی القائم الحجّه» (۲) و یا کتاب «معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» (۳) مراجعه کنند.

۱- سوره اعراف، آیه ۱۳۷.

۲- این کتاب تألیف علامه بحرانی رحمه الله است که حاوی ۱۲۰ آیه است.

۳- این کتاب تألیف گروهی از مولفان و محققان قرآنی است که حاوی ۲۶۵ آیه است.

فصل دوم: حسب و نسب شریف امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

صدها روایت از کتب فریقین دلالت دارد که مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و از فرزندان پاک و مطهر اوست و در همین دسته از احادیث، پدران و اجداد آن حضرت یک به یک بیان گردیده و نسب شریف او را به پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ختم کرده است (۱) به گونه ای که هیچ فردی چنین نسب شریف و درخشانی ندارد.

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

او مردی از عترت من است. او براساس سنت من می جنگد همان گونه که من براساس وحی جنگیدم. (۲)

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

مردی از اهل بیت من قیام می کند. نام او شبیه نام من است و

۱- ر.ک: به منتخب الاثر، ص ۱۲۵-۲۱۶.

۲- عن عائشه عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم: «هو رجل من عترتی یقاتل علی سنتی کما قاتلت انا علی الوحی». (الفتن، ج ۵، ص ۱۹۹؛ عقد الدرر، ص ۱۶)

خُلِقَ و خوی او همان خُلِقَ من است. زمین را از عدل و قسط پر می کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. (۱)

۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

به راستی که علی ابن ابیطالب علیه السلام امام امت من است و پس از من جانشین من بر امت است و از فرزندان او قائم منتظر است که خداوند به سبب او زمین را از عدل و قسط پر خواهد کرد همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. قسم به آن خدایی که مرا به حق، بشارت دهنده قرار داد به راستی آنها که در زمان غیبت او بر اعتقاد به او استوار بمانند از کبریت سرخ کمترند! [در این هنگام] جابر بن عبدالله انصاری برخاست و خطاب به پیامبر گفت: ای رسول خدا آیا برای قائم از فرزندان شما غیبتی خواهد بود؟ فرمود: آری قسم به پروردگرم. هر آینه خدا به سبب غیبت [او] اهل ایمان را تمحیص می کند و کافران را نابود خواهد کرد. ای جابر به درستی که این امر از امر خداست و سرّی از اسرار اوست. دانش آن از بندگان پیچیده شده؛ بپرهیز از شک در آن که شک در امر خدا کفر است. (۲)

۱- و عن ابن مسعود عن النبي صلى الله عليه و آله و سلم: «يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي وَ خُلِقَهُ خُلُقِي يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا». (المعجم الكبير، ج ۱۰، ح ۱۰۲۲۹؛ كنز العمال، ۱۴، ص ۲۷۳)

۲- عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم: «عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِمَامٌ أُمَّتِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْهِمُ بَعْدِي وَ مِنْ وُلْدِهِ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الَّذِي يَمْلَأُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا إِنَّ الثَّابِتِينَ عَلَى الْقَوْلِ بِهِ فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ لَمَاعَزُ مِنَ الْكِبْرِيَةِ الْمَأْخَمِ فَقَامَ إِلَيْهِ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ لِلْقَائِمِ مِنْ وُلْدِكَ غَيْبَةٌ فَقَالَ إِي وَ رَبِّي وَ لِيَمْحَصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَمْحَقَ الْكَافِرِينَ يَا جَابِرُ إِنَّ هَذَا لَأَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ مَطْوِيُّ عَنْ عِيَادِهِ فَيَأْتَاكَ وَ الشَّكُّ فِي أَمْرِ اللَّهِ فَهُوَ كُفْرٌ». (فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۳۵؛ ينابيع الموده، ص ۴۲۴؛ كمال الدين، ج ۱، ص ۲۸۷)

۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

مهدی از خاندان من است و از فرزندان فاطمه علیها السلام. (۱)

۵. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

از آن دو _ حسن و حسین علیهما السلام _ مهدی این امت متولد خواهد شد. (۲)

۶. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

دنیا تمام نمی گردد مگر این که مردی از نسل حسین علیه السلام به امر [سرپرستی و امامت] امت من قیام خواهد کرد. او دنیا را پر از عدالت می کند همان گونه که از جور پر شده باشد. گفتیم: کیست او ای رسول خدا؟ فرمود: او نهمین نفر از نسل حسین علیه السلام است. (۳)

۷. از زید بن علی بن الحسین علیه السلام روایت شده که گفت:

۱- عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «الْمَهْدِيُّ مِنْ عِثْرَتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ». (سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۴۲۸۴)
 ۲- عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «يُولَدُ مِنْهُمَا _ يَعْنِي الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ _ مَهْدِيَّ هَذِهِ الْأُمَّةِ». مخفی نیست که چون مادر بزرگوار امام باقر علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام دختر امام حسن مجتبی علیه السلام است، امامان ما از امام باقر صلی الله علیه و آله و سلم تا امام دوازدهم از نسل امام حسن و امام حسین علیهما السلام هستند، همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از این حقیقت خبر داده است که خود یک خبر غیبی است و از نشانه های نبوت او. (منتخب الاثر، ج ۲، ص ۱۵۳)

۳- عن زين بن ثابت عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ بِأَمْرِ أُمَّتِي رَجُلٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا. قُلْنَا: مَنْ هُوَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ؟ قَالَ: هُوَ التَّاسِعُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ». (كفایه الاثر، ص ۹۷، ب ۱۲، ح ۳)

نزد پدرم علی بن الحسین علیه السلام بودم که جابر بن عبدالله انصاری بر او داخل شد و در حالی که با پدرم سخن می گفت برادرم محمد [الباقر] از یکی از حجره ها بیرون آمد و جابر به سوی او خیره شد سپس برخاست و به سوی او رفت و گفت:

ای پسر! جلو بیا و او پیش آمد سپس گفت: برو، پس او رفت. پس جابر گفت: شمائل [این پسر] مانند شمائل پیامبر خداست که درود خدا بر او و خاندان او باد. (سپس گفت:) ای پسر نام تو چیست؟ فرمود: محمد. گفت: فرزند چه کسی (هستی)؟ فرمود: علی بن الحسین بن ابیطالب. گفت: پس تو «باقر» هستی. زید گوید: پس جابر بر او افتاد و سر و دستان او را [محمد الباقر] بوسید. سپس گفت: ای محمد، به درستی که رسول خدا _ که درود خدا بر او و آل او باد _ بر تو سلام می رساند. محمد فرمود: بر رسول خدا برترین سلام ها باد و بر تو ای جابر که سلام او را به من ابلاغ کردی. سپس جابر به مصلائی خود بازگشته و شروع به سخن گفتن با پدرم (علی بن الحسین علیه السلام) کرد و چنین می گفت: به راستی که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به

من فرمود: ای جابر، وقتی فرزندم باقر را دیدی سلام مرا

به او برسان همانا او هم نام من و شبیه ترین مردم به من است. دانش او دانش من و حکم او حکم من است. هفت تن از فرزندان او، امینان و معصومان هستند، امامان نیک و هفتمین آنها مهدی ایشان است که زمین را از عدل و قسط پر می کند همان طور که از ظلم و جور پر شده باشد سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این آیه را تلاوت فرمود: «و آنها را پیشوایانی قرار دادیم که به

امر ما هدایت می کنند و انجام نیکی ها را به آنها وحی کردیم و نیز اقامه نماز و پرداخت زکات را و آنها برای ما

عبادت کنندگان بودند». (۱)

۸. امام صادق علیه السلام فرمود:

هر که به همه امامان از پدران و فرزندان من اقرار کرده و

معتقد باشد ولی از میان فرزندان من، مهدی را انکار کند مثل آن است که همه انبیا الهی را پذیرفته ولی منکر پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم گردیده باشد. راوی گوید: ای مولای من، مهدی کیست؟ فرمود: پنجمین نفر از فرزندان هفتمین امام، شخص او از دیدگان شما غائب می گردد و نام بردن او بر شما جایز نیست. (۲)

۱- عن زین بن علی علیه السلام قال: «كنت عند ابي علي بن الحسين عليه السلام اذ دخل عليه جابر بن عبد الله الانصاري فبينما هو يحدثه اذ خرج اخي محمد من بعض الحجر، فاشخص جابر ببصره نحوه، ثم قام اليه فقال: يا غلام اقبل، فاقبل ثم قال: ادبر، فادبر. فقال: شمائل شمائل رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم . ما اسمك يا غلام؟ قال: محمد. قال: ابن من؟ قال: علي بن الحسين بن ابي طالب. قال: انت اذا الباقر. قال: فانكبت عليه و قبل رأسه و يديه. ثم قال: يا محمد ان رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم يقرئك السلام . قال: علي رسول الله افضل السلام و عليك يا جابر بما ابلغت السلام . ثم عاد الى مصلاه فاقبل يحدث ابي و يقول: ان رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم قال لي يوماً: يا جابر، اذا ادركت ولدي الباقر فاقرأه مني السلام ، فانه سمى و اشبه الناس بي، علمه علمي و حكمه حكمي، سبعة من ولده امناء معصومون، ائمة ابرار و السابع مهديهم الذي يملأ الدنيا قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً ثم تلا رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم . (وَجَعَلْنَاهُمْ اُمَّةً يَهْتَدُونَ بِاَمْرِنَا وَاَوْحَيْنَا اِلَيْهِمْ فَعَلِ الْخَيْرَاتِ وَاِقَامِ الصَّلَاةِ وَاِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ) (سورة انبياء، آية ۷۳) (بحار الانوار، ج ۳۶، ب ۴۱، ح ۲۳۰، ص ۳۶۰؛ كفايه الاثر، ب ۴۰، ح ۳۰۳، ص ۳۰۱)

۲- عن الصادق عليه السلام : «مَنْ أَقَرَّ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَحَدَ الْمُهَدِيَّ كَانَ كَمَنْ أَقَرَّ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَحَدَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم تُبُوَّتُهُ فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَنْ الْمُهَدِيُّ مِنْ وُلْدِكَ قَالَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ يَغِيبُ عَنْكُمْ شَخْصُهُ وَ لَا يَحُلُّ لَكُمْ تَسْمِيَّتَهُ». (كمال الدين، ج ۲، ب ۳۹، ح ۵۴، ص ۴۱۰ و نیز در ب ۳۳۸-۳۳۳)

۹. امام رضا علیه السلام فرمود:

هر که پیش از قیام قائم ما، تقیه را ترک کند از ما نیست. به آن حضرت گفته شد: ای فرزند رسول خدا، قائم از شما [خاندان] کیست؟ فرمود: چهارمین نفر از فرزندانم پسر سرور کنیزان، خدا به سبب او زمین را از هر ظلم و جور پاک خواهد ساخت و او همان است که مردم در ولادت او شک می کنند و او همان است که پیش از قیام خود، غیبت خواهد داشت. (۱)

۱۰. امام جواد علیه السلام فرمود:

... به درستی که قائم از ما [اهل بیت علیهم السلام] همان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که در زمان غیبت او باید منتظر او باشند و در زمان ظهورش از او اطاعت کنند و او سومین نسل از فرزندان من است. قسم به خدایی که محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به پیامبری برانگیخت و ما را به امامت اختصاص داد هر آینه چنین است که اگر از (عمر) دنیا نمانده باشد مگر یک روز، حتماً خدا آن یک روز را چنان طولانی گرداند که در آن [مهدی] قیام کند پس زمین را از قسط و عدل پر کند همان گونه که از جور و ظلم پر شده باشد و همانا خداوند تبارک و تعالی امر [فرج] او را در شبی اصلاح خواهد کرد همان گونه که امر [نبوت] کلیم خود موسی علیه السلام را اصلاح کرد آن گاه که او رفت تا برای خاندان خود آتشی بگیرد [و بیاورد] پس در حالی برگشت

۱- عن الرضا عليه السلام: «... فَمَنْ تَرَكَ التَّقِيَةَ قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَلَيْسَ مِنَّا - قِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ مِنْ الْقَائِمِ مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ قَالَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدِهِ الْإِمَامِ يُطَهَّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَ يُقَدِّسُ بِهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ وَ هُوَ الَّذِي يَشُكُّ النَّاسُ فِي وِلَادَتِهِ وَ هُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ...». (كمال الدين، ج ۲، ب ۳۵، ح ۵، ص ۳۷۱؛ اثبات الهداه، ج ۳، ب ۳۲، ف ۵، ح ۱۷۲، ص ۴۷۷)

که رسول و پیامبر بود. سپس فرمود: برترین کارهای شیعیان ما انتظار فرج است. (۱)

۱۱. امام هادی علیه السلام فرمود:

به راستی که امام پس از من فرزندیم حسن خواهد بود و پس از او فرزندش قائم همان که زمین را از قسط و عدل پر می کند همان گونه که از جور و ظلم پر شده باشد. (۲)

۱۲. محمد بن عثمان عمروی [نائب دوم امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] نقل

کرده است:

شنیدم از پدرم [عثمان بن سعید، نائب اول حضرت] که گفت از امام عسکری علیه السلام سؤال شد و حال آن که من حاضر بودم. سؤال درباره روایتی بود که از پدران بزرگوار حضرت نقل شده که: همانا زمین از حجت خدا بر خلق خالی نمی ماند تا روز قیامت و این که هر کس بمیرد و حال آن که امام زمان خود را نشناخته است به مرگ جاهلیت مرده است. پس حضرت امام عسکری علیه السلام فرمود: به راستی که این [روایات] حق است

۱- و عن محمد بن علی الجواد علیه السلام: «... إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَيُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ وَهُوَ الثَّلَاثُ مِنْ وُلْدِي وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِالنَّبُوَّةِ وَخَصَّنَا بِالْإِمَامَةِ إِنَّهُ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَظُلْمًا وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَيُضِلِّحَ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلِهِ كَمَا أَضِلِّحَ أَمْرَ كَلِيمِهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ ذَهَبَ لِيَقْتَبِسَ لِأَهْلِهِ نَارًا فَرَجَعَ وَهُوَ رَسُولُ نَبِيِّ ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفْضَلُ أَعْمَالِ شِيعَتِنَا أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ». (كمال الدين، ج ۲، ح ۱، ص ۳۷۷؛ اعلام الوری، ق ۲، ر ۴، ب ۲، ف ۲؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ب ۹، ح ۱، ص ۱۵۶)

۲- عن علی بن محمد الهادی علیه السلام: «إِنَّ الْإِمَامَ بَعْدِي الْحَسَنُ ابْنِي وَبَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْقَائِمُ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَظُلْمًا». (كمال الدين، ج ۲، ب ۳۷، ح ۱۰، ص ۳۸۳؛ اثبات الهداه، ج ۳، ب ۳۰، ف ۱، ح ۱۷، ص ۳۹۴)

همان گونه که روز حق است. به آن حضرت عرض شد: ای فرزند رسول خدا، حجت و امام بعد از شما کیست؟ فرمود: فرزندم محمد امام و حجت پس از من است هر که بمیرد در حالی که او را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت مرده است. آگاه باشید که محققاً برای او غیبتی خواهد بود که نادان ها در آن به حیرت و سرگردانی می افتند و اهل باطل هلاک می گردند و وقت گذاران [درباره زمان ظهور] دروغ می گویند. سپس قیام می کند پس گویی پرچم های سفید را می بینم که بالای سرش در اهتزاز است در بلندی کوفه. (۱)

نکته هایی درباره روایات

از میان صدها روایت ما تنها دوازده روایت نقل کردیم که نکته های فراوان از آنها استفاده می شود که به بعضی از آنها اشاره می کنیم:

۱. مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از خاندان پاک رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و از نسل طاهر امام علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام است و این حقیقتی است که در کتاب های معتبر شیعه و اهل سنت آمده است.

۱- عن محمد بن عثمان العمري قال: «سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ سَمِعْتُ أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَنَا عِنْدَهُ عَنِ الْخَبَرِ الَّذِي رُوِيَ عَنْ آيَاتِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّهِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ أَنَّ مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً _ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ هَذَا حَقٌّ كَمَا أَنَّ النَّهَارَ حَقٌّ فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَنْ الْحُجَّةُ وَ الْإِمَامُ بَعْدَكَ فَقَالَ ابْنِي مُحَمَّدٌ وَ هُوَ الْإِمَامُ وَ الْحُجَّةُ بَعْدِي مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً أَمَا إِنَّ لَهُ عَجَبَةً يَحَارُ فِيهَا الْجَاهِلُونَ وَ يَهْلِكُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ وَ يَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَّاتُونَ ثُمَّ يَخْرُجُ فَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْأَعْلَامِ الْبَيْضِ تَخْفِقُ فَوْقَ رَأْسِهِ بِنَجْفِ الْكُوفَةِ». (كمال الدين، ج ۲، ب ۳۸، ح ۹، ص ۴۰۹؛ اثبات الهداه، ج ۳، ب ۳۲، ح ۱۸۹، ص ۴۸۲)

۲. براساس بسیاری از روایات، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با همان ویژگی هایی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم معرفی کرده و همه مسلمانان به او اعتقاد دارند، نهمین فرزند از نسل پاکِ امام حسین بن علی علیه السلام است. (روایت ۵)

۳. او فرزند امام حسن بن علی العسکری علیه السلام، پیشوای یازدهم شیعیان است و یک یک پدران و اجداد او تا امام حسین بن علی علیه السلام و علی بن ابیطالب علیه السلام به گونه ای صریح و روشن بیان گردیده است و نسب شریف او چنین است:

محمّد (المهدی) پسر حسن العسکری علیه السلام، پسر علی الهادی علیه السلام، پسر محمد الجواد علیه السلام، پسر علی الرضا علیه السلام، پسر موسی الکاظم علیه السلام، پسر جعفر الصادق علیه السلام، پسر محمد الباقر علیه السلام، پسر علی السجاد علیه السلام، پسر حسین الشهید علیه السلام، پسر علی بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.

۴. در این که نسل پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از طریق فاطمه زهرا علیها السلام دختر گرامی او ادامه یافته است هیچ تردیدی نیست و نیز به گواهی تاریخ و روایات شیعه و سنی، از فرزندان فاطمه علیها السلام و به ویژه از نسل امام حسین بن علی علیه السلام نسلی از عالمان و پاکان پا به عرصه وجود نهاده اند.

۵. امامان شیعه از نسل امام حسین علیه السلام از علی بن الحسین تا حسن بن علی العسکری علیهما السلام، بزرگانی از خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده اند

که در علم و تقوا سرآمد روزگار خویش بوده اند بنابراین ایشان همگی افرادی مشهور و معروف در نزد خلفای دوران خود و نیز توده

مردم بوده اند و در میان همگان به عنوان «فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم»

شناخته می شدند.

۶. براساس روایات فراوان و گواهی تاریخ، ولادت نهمین فرزند از نسل امام حسین علیه السلام، پنهانی بوده است و بنا بر سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و نیز امامان معصوم علیهم السلام، این پنهانی ولادت با غیبت و نهان زیستی همراه گردیده است. (۱) (روایت ۳، ۸، ۹، ۱۰ و ۱۲)

۷. به جهت اهمیّت موضوع مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیام جهانی او، شیعیان پیوسته از امامان خود درباره مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و زمان ظهور او سؤال می کردند و امامان نیز اصرار داشتند که علاوه بر نسب شریف مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ویژگی هایی از او بیان کنند (مثل ولادت پنهانی، غیبت طولانی، حوادث دوران غیبت، علایم ظهور، حکومت جهانی و عدالت گستری). (روایت ۸، ۹ و ۱۲)

۸. با توجه به پنهان بودن ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و غیبت آن بزرگ وار، مسئله شک و تردید و یا حتی انکار وجود او امری قابل پیش بینی بوده است و امامان شیعه از آن خبر داده و نسبت به آن هشدار داده اند. (روایت ۹ و ۱۰)

۹. در روایات امامان، سخن از غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کنار بشارت به ظهور آن حضرت مطرح گردیده و امر ظهور او حتمی و بسیار نزدیک دانسته شده است تا پشتوانه ای برای استواری و پای بندی مؤمنان بر

۱- درباره آغاز غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دو نظر است: بعضی می گویند پس از شهادت پدر بزرگوارش و در سن ۵ سالگی غایب گردیده، و بعضی معتقدند هم زمان با تولّد، دوره غیبت او شروع شده است.

خط امامت باشد و تردیدها و انکارهای مخالفان، آنها را متزلزل نکند.

۱۰. براساس روایات، امر غیبت و ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دست خداست و خداوند این گونه تدبیر فرموده است بنابراین وظیفه مردم تسلیم در مقابل قضای الهی است.

فصل سوم: اسم و کنیه و شمایل امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

در روایات فراوان در کتب فریقین از نام حضرت و کنیه او و شمایل و ویژگی های جسمی او و شیوه و روش او سخن به میان آمده است که بعضی از آنها را می آوریم:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

مهدی از فرزندان من است، اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است. شبیه ترین مردم به من است از نظر خلقت و خلق و خو. برای او غیبتی خواهد بود و حیرتی که امت ها در آن گمراه خواهند شد سپس مانند ستاره درخشان روی خواهد کرد و زمین را پر از عدل و قسط خواهد کرد همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. (۱)

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

۱- عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خَلْقًا وَ خُلُقًا يَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ تَضِلُّ فِيهَا الْأُمَمُ ثُمَّ يُقْبَلُ كَالشَّهَابِ الثَّقِيبِ يَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا». (عقدالدرر، ب ۲، ص ۳۰-

قیامت برپا نخواهد شد تا این که مردی از خاندان من حاکم شود. نام او شبیه نام من است زمین را از عدل قسط پر می کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. (۱)

۳. راوی گوید: امام علی علیه السلام به امام حسین علیه السلام نگاه کرده و فرمود:

به درستی که این فرزندم «سید» است چنان که پیامبر او را به این نام نامیده است از نسل او مردی پدید آید به نام پیامبرتان. او در زمان غفلت مردمان قیام خواهد کرد؛ آن گاه که حق مرده و جور آشکار شده باشد. اهل آسمان و ساکنان آن به سبب قیام او شادمان خواهند شد. او مردی است بلندپیشانی، دارای بینی باریکی است که میانش اندکی برآمدگی دارد... . دارای ران هایی درشت و پهن، خالی بر ران راست اوست، میان دو دندان پیشین او گشاده است. زمین را از عدالت پر خواهد کرد همان طور که از ظلم و جور پر شده باشد. (۲)

۴. امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

حمد و سپاس خدایی را که مرا از دنیا بیرون نبرد تا این که

۱- عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «لاتقوم الساعة حتى يملك رجل من اهل بيتي يواطى، اسمه اسمي يملأ الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً». (كمال الدين، ج ۱، ص ۲۸۶، ب ۲۵، ج ۱)

۲- عن ابي وائل، قال: نظر علي الى الحسين عليهما السلام فقال: «ان ابني هذا سيئد كما سيماه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم سيئداً و سيخرج الله من ضلبيه رجلاً باسم نبيكم يشبهه في الخلق و الخلق يخرج على حين غفله من الناس و ايماته للحق و اظهار للجور و الله لو لم يخرج لضربت عنقه يفرح بخروجه اهل السماوات و سكانها و هو رجل اجلى الجبين اقلى الأنف ضخم البطن ازيل الفخذين لفخذه اليمنى شامه افلج الثنايا يملأ الأرض عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً». (عقدالدرر، ب ۳، ص ۳۸؛ غيبت نعماني، ب ۱۳، ح ۲، ص ۳۰۶ مانند آن آمده است)

جانشینم را به من نشان داد. او از نظر خلقت و خُلق و خو شبیه ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. خداوند او را در غیبتش حفظ خواهد کرد؛ سپس او را ظاهر خواهد ساخت. پس او زمین را از قسط و عدل پر خواهد کرد همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. (۱)

نکته هایی از روایات

۱. روایاتی که اسم و کنیه و ویژگی های شخصی و شخصیتی

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بیان کرده است به خوبی شخصیت آن حضرت

را معرفی می کند به گونه ای که در شناسایی او جای هیچ تردیدی

باقی نمی ماند.

۲. این روایات به روشنی اثبات می کند که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یک شخص معین است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام نسبت به ظهور او بشارت داده اند نه آن گونه که بعضی از اهل سنت معتقدند که مهدویت یک جریان اصلاحی در جامعه بشری است که در هر زمان به وسیله یک مهدی اتفاق می افتد و مهدی یک شخص معین نیست! به عبارت روشن تر باید بگوییم: روایات مربوط به مشخصات فردی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اثبات می کند مهدی شخصی را و باطل می کند مهدی

۱- عن احمد بن اسحاق بن عبدالله الاشعری قال: «سَمِعْتُ أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى أَرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي أَشْبَهَ النَّاسَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَخْلَقًا وَخُلُقًا يَحْفَظُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يُظْهِرُهُ فَيَمْلَأُ الْمَأْرُضَ عَدْلًا وَقَدِيحًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا». (كفایه المهتدی «الاربعین»، ح ۲۹، ص ۱۱۱؛ كمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۹ _ ۴۰۸، ب ۳۸، ح ۷)

نوعی را.

۳. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شخصیتی است که در روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام با موارد زیر مشخص و معین گردیده است:

الف) اسم و لقب و کنیه؛ ب) اسم پدر و مادر؛ ج) حسب و نسب و اجداد؛ د) مشخصات ظاهری؛ ه) ویژگی های اخلاقی و ملکات نفسانی؛ و) ویژگی های قیام و حکومت؛ ز) حوادث دوران ظهور مانند نزول عیسی علیه السلام از آسمان و نماز او پشت سر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ده ها مشخصه دیگر.

آیا معقول است که این همه خصوصیت در دو نفر به صورت یک سان جمع شود؟ چه رسد به این که ادعا می شود که در هر زمان یک مهدی با خصوصیات مذکور ظهور می کند؟! (۱)

۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و نیز امامان معصوم علیهم السلام در روایات فراوان تأکید کرده اند که مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از عترت و اهل بیت پیامبر است، هم نام و هم کنیه با آن حضرت است و در شمایل و ویژگی های جسمی نیز بیشترین شباهت را با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دارد و در خلق و خو نیز آئینه تمام نمای آن حضرت است.

۵. مراد از نام حضرت، همان اسمی است که پدر بزرگوارش بر او نهاده است که همان نام مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است ولی در قوم عرب

۱- آیت الله سیدصدرالدین صدر رحمه اللهبه این ادعای باطل در کتاب المهدی، به صورت مشروح پاسخ داده اند. (ر.ک: به المهدی، ص ۹۶ تحت عنوان «المهدی المنتظر واحد»)

مرسوم است که علاوه بر «نام»، افراد را با کنیه و لقب هم می شناسند. «کنیه» یعنی اسمی که با کلمه «أب یا امّ» شروع می شود مثل «اباعبدالله و ابوالقاسم» و کنیه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همان کنیه پیامبر یعنی ابوالقاسم است. و مقصود از لقب، اسم دیگری است که به ویژگی شخصیتی افراد اشاره می کند و معمولاً افراد لقب های متعدد دارند و برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز القاب فراوانی است مانند صاحب الامر، بقیّه الله، مهدی، حجّه، منصور و قائم. (۱)

۱- کتاب های مستقلی درباره القاب امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و معانی آن نوشته شده است. (برای نمونه ر.ک: به نجم الثاقب اثر مرحوم محدث نوری رحمه الله)

فصل چهارم: سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

قرآن کریم، مسلمانان را به الگوگرفتن از رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم توصیه کرده است زیرا که او حجّت بزرگ خدا و برخوردار از گوهر عصمت است و چون اهل بیت آن حضرت نیز مانند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همین عصمت و طهارت را دارند و جانشینان بر حق پیامبر و بهترین الگوهای انسانی در همه ابعاد بشری و معنوی هستند؛ بدین جهت لازم است شیوه و سیره رفتاری آنها را بشناسیم تا راه پیروی کردن از آنها را فراروی خود بگشاییم. بحث از سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که آخرین حجّت الهی است می تواند دریچه ای نو به روی ما باز کند تا معرفت خود نسبت به آن حضرت را عمیق تر کنیم و نیز در پرتو این معرفت گسترده، راه را بر مدّعیان دروغین مهدویت در جامعه ببندیم چون وقتی گوهر ناب و خالص شناخته شود، مدل های تقلّبی و کاذب رنگ می بازد پس در این بخش تعدادی از روایاتی را که درباره سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است

مرور می کنیم:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان من است نام او نام من و کنیه او کنیه من است و ویژگی های ظاهری او مثل من. سنت او سنت من است و مردم را بر آیین من و او می دارد و آنها را به سوی کتاب پروردگارم (قرآن) می خواند... (۱)

۲. مردی به امام باقر علیه السلام گفت:

شما خاندان رحمت هستید خداوند شما را به چنین ویژگی اختصاص داد. امام فرمود: ما این گونه ایم و خدا را سپاس. هیچ کس را به گمراهی نمی افکنیم و از هدایت خارج نمی کنیم. به راستی که دنیا تمام نمی گردد تا آن گاه که خداوند بلندمرتبه مردی از ما اهل بیت علیهم السلام برانگیزد، او براساس کتاب خدا (قرآن) عمل خواهد کرد و هیچ منکری را در شما نمی بیند مگر این که آن را انکار (رد) می کند. (۲)

۳. امام علی علیه السلام در خطبه ای درباره حوادث آینده چنین فرموده است:

۱- عن الصادق علیه السلام عن ابيه عن جده عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَ شِمَائِلُهُ شِمَائِلِي وَ سَيِّئَتُهُ سَيِّئَتِي يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَ شَرِيْعَتِي وَ يَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ رَبِّي عَزَّوَجَلَّ...» (كمال الدين، ج ۲، ب ۳۹، ح ۶، ص ۴۱۱)

۲- قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ آتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: «إِنَّكُمْ أَهْلُ بَيْتِ رَحْمَةِ اخْتَصَّكُمْ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِهَا فَقَالَ لَهُ كَذَلِكَ نَحْنُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ لَا نَدْخُلُ أَحَدًا فِي ضَلَالِهِ وَ لَا نُخْرِجُهُ مِنْ هُدَىٰ إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَذْهَبُ حَتَّىٰ يَبْعَثَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ رَجُلًا مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يَعْمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ لَا يَرَىٰ فِيكُمْ مُنْكَرًا إِلَّا أَنْكَرَهُ». (روضة الكافي، ص ۳۹۶؛ الوافي، ج ۲، ص ۴۵۹)

او (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواسته ها را تابع هدایت وحی می کند هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس های خویش قرار می دهند و در حالی که به نام تفسیر، نظریه های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می کنند او آرا و اندیشه ها را تابع قرآن می سازد... او کارگزاران حکومت را بر اعمال بدشان کیفر خواهد داد، زمین معادن خود را برای او بیرون می ریزد و کلیدهایش را به او می سپارد. او روش عادلانه در حکومت حق را به شما می نمایاند و کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را که تا آن روز متروک مانده اند زنده می کند. (۱)

۴. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

مردی از اهل بیت من قیام خواهد کرد که هم نام من است و اخلاق او اخلاق من است. زمین را از عدل و قسط پر می کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. (۲)

۵. امام صادق علیه السلام فرمود:

وقتی قائم ما قیام کند با جهل و نادانی مردم روبه رو می شود،

۱- عن علی علیه السلام فی خطبه له فی ذکر الملاحم: «يَعْطِفُ الْهُوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهُوَى وَيَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ حَتَّى تَقُومَ الْحَزْبُ بِكُمْ عَلَى سِيَاقِ بَادِيَا نَوَاجِدُهَا مَمْلُوءَةٌ أَخْلَافُهَا حُلُوءًا رَضَاعُهَا عَلْقَمًا عَاقِبَتُهَا أَلَا وَفِي غَدِّ وَ سَيَاتِي غَدُّ بِمَا لَا تَعْرِفُونَ يَأْخُذُ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عُمَالُهَا عَلَى مَسَاوِي أَعْمَالِهَا وَ تُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفَالِيدَ كَبِدِهَا وَ تُلْقِي إِلَيْهِ سِلْمًا مَقَالِيدَهَا فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السَّيْرِ وَ يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ.» (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، خ ۱۳۸)

۲- عن عبدالله بن مسعود قال: «قال النبي صلى الله عليه و آله و سلم يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي وَ خُلُقُهُ خُلُقِي يَمْلُؤُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا.» (المعجم الكبير، ج ۱۰، ح ۱۰۲۲۹؛ كنز العمال، ج ۱۴، ح ۳۸۷۰۲، ص ۲۷۳)

جهلی که شدیدتر از جهل جاهلیتی است که در زمان پیامبر بود. عرض کردم: چگونه چنین چیزی ممکن است؟ فرمود: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حالی به سوی مردم آمد که آنان سنگ و چوب های تراشیده (و مجسمه های چوبین) را می پرستیدند و محققاً قائم ما وقتی قیام کند در حالی به سوی مردم می آید که همه، کتاب خدا را علیه او تأویل می کنند و به وسیله آن بر او احتجاج می کنند. سپس فرمود: بدانید به خدا سوگند که حتماً عدل خود را درون خانه های مردم می برد همان گونه که گرما و سرما نفوذ می کند. (۱)

۶. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در امت من قیام خواهد کرد. خداوند او را به عنوان دادرس مردم برخواهد انگیخت. [در روزگار او] همه امت در انواع نعمت ها بسر خواهند برد و چهارپایان به زندگی ادامه می دهند و زمین گیاه خود را می رویاند و اموال را به درستی و راستی [و براساس عدالت] می بخشد. (۲)

۷. جابر بن عبدالله انصاری گوید:

۱- عن الفضیل بن یسار قال: سمعت ابا عبد الله علیه السلام یقول: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ جَهْلِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ صَمِينَ جُهَالِ الْجَاهِلِيَّةِ قُلْتُ وَ كَيْفَ ذَاكَ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ أَتَى النَّاسَ وَ هُمْ يَعْبُدُونَ الْحِجَارَةَ وَ الصُّخُورَ وَ الْعِيدَانَ وَ الْخَشَبَ الْمُنْحَوْتَةَ وَ إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ وَ كُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ يَحْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ ثُمَّ قَالَ أَمَا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَيْدُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَ الْقُرُ». (غیبت نعمانی، ب ۱۷، ح ۱، ص ۲۹۶؛ اثبات الهداه، ج ۷، ب ۳۲، ح ۵۲۹، ص ۸۶)

۲- عن ابی سعید ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال: «يُخْرِجُ الْمَهْدِيُّ فِي أُمَّتِي يَبْعَثُهُ اللَّهُ غِيَاثًا لِلنَّاسِ يَنْتَعِمُ الْأُمَّةُ وَ تَعِيشُ الْمَاشِيَةُ وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ يُعْطَى الْمَالُ صِحَاحًا». (العرف الوردی (الحاوی للفتاوی)، ج ۲، ص ۱۳۲)

مردی خدمت امام باقر علیه السلام رسید و حال آن که من حضور داشتم. به او گفتم: خداوند ترا رحمت کند؛ این پانصد درهم را که زکات مال من است بگیر و آن را در جای خود قرار ده. امام باقر علیه السلام به او فرمود: بلکه خود آن را نگه دار و آن را در همسایگان و یتیمان و نیازمندان و برادران اسلامی خود قرار ده (و خرج کن). همانا وقتی قائم، قیام کند این گونه خواهد بود [یعنی اجتماع اموال نزد امام و تقسیم آن به مساوات]. پس او به طور مساوی تقسیم می کند و در میان خلق خدا _ نیکوکاران و بدکاران _ به عدالت رفتار می کند. پس هر که او را اطاعت کند به تحقیق خدا را اطاعت کرده است و هر که از او نافرمانی کند خدا را نافرمانی کرده است. همانا مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مهدی نامیده شد زیرا که به امری پنهان هدایت می گردد. او تورات و سایر کتاب های خدا را از غاری در انطاکیه بیرون می آورد و میان اهل تورات (یهود) با تورات و میان اهل انجیل با انجیل و بین اهل زبور با زبور و میان مسلمانان با قرآن حکم می کند و همه اموال دنیا چه آنها که در درون زمین است و یا آنها که بر روی آن است نزد او انباشته می گردد پس به مردم می گوید: بیایید بگیرید، این چیزی است که به خاطر آن قطع رحم کردید و خون های ناحق ریختید و حرام های الهی را مرتکب شدید. پس ثروتی می بخشد که هیچ کس پیش از او آن مقدار نبخشیده است. (۱)

۱- عن جابر قال: «عَنْ جَابِرٍ قَالَ: أَقْبَلَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَنَا حَاضِرٌ فَقَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ أَقْبَضَ هَذِهِ الْخَمْسِمَائِهِ دِرْهَمٍ فَضَعَهَا فِي مَوْضِعٍ بِهَا فَانْتَهَى زَكَاهُ مَالِي فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَلْ خُذَهَا أَنْتَ فَضَعَهَا فِي جِيبَانِكَ وَ الْأَيْتَامِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ فِي إِخْوَانِكَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِنَّمَا يَكُونُ هَذَا إِذَا قَامَ قَائِمًا فَإِنَّهُ يَقْسِمُ بِالسَّوِيَّةِ وَ يَعِيدُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ الْبَرِّ مِنْهُمْ وَ الْفَاجِرِ فَمَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ فَإِنَّمَا سِجِّي الْمُهَيْدِي لِأَنَّهُ يَهْدِي لِأَمْرِ خَفِيِّ يَسْتَخْرِجُ التَّوْرَةَ وَ سَائِرَ كُتُبِ اللَّهِ مِنْ غَارٍ بِأَنْطَاكِيَّةٍ فَيَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِالتَّوْرَةِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الزُّبُورِ بِالزُّبُورِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْفُرْقَانِ بِالْفُرْقَانِ وَ تُجْمَعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ الدُّنْيَا كُلِّهَا مِمَّا فِي بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهْرِهَا فَيَقُولُ لِلنَّاسِ تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدِّمَاءَ وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ مَحَارِمَ اللَّهِ فَيُعْطِي شَيْئًا لَمْ يُعْطِ أَحَدٌ كَانَ قَبْلَهُ». (علل الشرايع، ج ۱، ب ۱۲۹، ح ۳، ص ۱۶۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ح ۲، ص ۲۹؛ غيبت نعمانی، ب ۱۳، ح ۲۶، ص ۲۳۷)

۸. امام علی علیه السلام فرمود:

در قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف سنّت هایی از هفت پیامبر الهی وجود دارد... و اما سنّت و شیوه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم عبارت است از قیام به شمشیر. (۱)

۹. راوی گوید از امام باقر علیه السلام پرسیدم:

وقتی قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند به کدام سیره و روش در میان مردم رفتار می کند؟ فرمود: آن چه پیش از او بوده را ویران می کند، همان گونه که پیامبر چنین کرد [و جاهلیت پیش از خود را از میان برداشت] و اسلام را از نو برپا می کند. (۲)

نکته هایی درباره روایات

عمل براساس قرآن و سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۱. شاخصه مهم و برجسته سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، عمل براساس قرآن و سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و این همان میزانی است که امیرالمؤمنین

۱- عن علی بن الحسین علیه السلام عن علی بن ابیطالب علیه السلام يقول: «فِي الْقَائِمِ مِنَّا سِنَّةٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ ... وَ أَمَّا مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فَالْخُرُوجُ بِالسَّيْفِ». (کمال الدین، ج ۱، ب ۳۱، ح ۳، ص ۳۲۱)

۲- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَطَاءٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الْبَاقِرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَيِّ سَبِيلِهِ يَسِيرُ فِي النَّاسِ فَقَالَ يَهْدِمُ مَا قَبْلَهُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ يَسْتَأْنِفُ الْأِسْلَامَ جَدِيدًا». (غیبت نعمانی، ح ۱۷، ص ۲۳۲)

علی علیه السلام برای خلافت خود بیان فرمودند. در روایات فراوان از شیعه و اهل سنت تصریح شده است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف براساس سنت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم عمل می کند بنابراین آن چه در بعضی از روایات غیرمعتبر مبنی بر رفتاری برخلاف سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در سیره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مطرح شده، مردود است. (حدیث ۱ و ۲)

۲. مهم ترین ویژگی رفتاری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اجرایی کردن و عملیاتی نمودن دستورات قرآن در همه حوزه های فردی و اجتماعی است

و هر رفتار فردی و یا اجتماعی که از نظر قرآن «منکر» باشد مورد

انکار و اعتراض امام علیه السلام قرار می گیرد و با آن برخورد می شود. بنابراین روشن است که در سیره عملی آن حضرت هیچ عمل خلاف قرآن نخواهد بود و چنان چه در روایتی یا تحلیلی مطرح شود باطل خواهد بود. (حدیث ۲)

۳. تا پیش از حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرآن خدا و هدایت انبیا تحت تأثیر تفسیرهای شخصی و هواهای نفسانی مردم خواهد بود ولی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرآن را معیار و میزان در همه امور خرد و کلان قرار داده و آرا را تابع قرآن خواهد ساخت و نیز امیال و خواسته ها را در چارچوب هدایت و رشد خواهد پذیرفت. (حدیث ۳)

۴. برخلاف جریانِ ظالمانه پیش از ظهور، در دوره ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشخاص و احزاب با قرآن و معیارهای قرآنی سنجیده و شناخته خواهند شد و میزان حقایقت هر چیز و هر کس بسته به میزان مطابقت شخصیت او با قرآن خواهد بود.

۵. وقتی در تمام امور ملاک عمل، قرآن و سیره نبوی باشد یعنی در حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تمامی روابط حاکم بر فرد و جامعه از قبیل روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نیز تعامل افراد در اجتماع و حتی در درون خانواده براساس تعالیم قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خواهد بود و در سطح قانون گذاری نیز تنها قوانین منطبق بر قرآن و سنت به تصویب رسیده و اجرایی خواهد شد. این همان است که در کلمات معصومین به عنوان «احیا کتاب و سنت» بیان گردیده است. (حدیث ۳)

عدالت در سطح مسئولان و مردم

۶. سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در همه زمینه ها، براساس عدالت و دادگری است و عدالتش چنان فراگیر خواهد بود که جایی برای ظلم و ستم باقی نخواهد گذاشت! این حقیقتی است که در روایات فراوان از شیعه و اهل سنت بیان گردیده است (یملأ الارض قسطاً و عدلاً).

۷. عدالت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم کارگزاران حکومتی را شامل می شود و هم افراد و اشخاص معمولی در سطح جامعه را؛ اگر در میان کارگزاران تخلفی دیده شود امام به سختی برخورد می کند چنان که در سیره امیرالمؤمنین علی علیه السلام چنین بود و به همین دلیل بخش عمده ای از ظلم و فساد که در طبقه حاکمان نااهل پیش از ظهور رخ می دهد، در زمان ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برطرف خواهد شد. (حدیث ۳)

۸. مطابق روایات، عدالت دوران ظهور به کوچک ترین نهادهای اجتماعی مانند «خانواده» نیز وارد می شود و روابط افراد را در درون خانواده تحت تأثیر قرار می دهد و البته روشن است که برخورد عادلانه

اعضای خانواده با یکدیگر و رفع ظلم و تبعیض و حق کشی از درون خانواده، براساس تربیت و رشد انسانی و الهی افراد است نه امری جبری و بیرون از اختیار! (حدیث ۵)

علم و دانش گسترده در زمان ظهور

۹. در سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف علم و دانش جایگاه والایی دارد که او عالم ترین حاکم زمین است بلکه علم و دانش او نه از جنس علوم بشری که علمی الهی و آسمانی است؛ آن حضرت در میان اهل کتاب براساس کتاب آنها حکم خواهد کرد و این از علوم پنهانی است که خداوند راه آن را به روی او گشوده است. روشن است که حکومتی براساس علم الهی، می تواند همه نیازهای فردی و اجتماعی، مادی و معنوی را به بهترین شکل پاسخ دهد.

۱۰. چون علم و دانش جایگاه مهمی در قرآن و اسلام عزیز داراست و هرچه آفت و شرّ است از جهل و نادانی است مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جامعه ای عالم خواهد پرورید و هم چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با نادانی ها و خرافه ها اگرچه در لباس علم و دانایی در آمده باشد خواهد جنگید و هرچه بدعت و باطل به اسم دین و یا تمدن و پیشرفت در میان مردم باشد برخواهد چید. این مهم نیز بخشی از سیره مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که مطابق با سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ستیز با جاهلیت است.

۱۱. بعضی از مخالفین شبهه افکنی می کنند که چگونه ممکن است امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف _ آن گونه که روایات شیعه می گوید _ اسلام جدید

بیاورد؟! پاسخ این است که همان طور که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، جاهلیت قدیم و کهنه بر جزیره العرب حاکم بود و اسلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای برداشتن آن جاهلیت، ظهور کرد همان طور وقتی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند با جاهلیت مدرن خواهد جنگید که بخشی از آن به خاطر روی گرداندن از قرآن و سنت است _ مثل آن چه در اروپا اتفاق افتاده است _ و بخشی از آن به سبب تفسیرهای غلط از آیات الهی و روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است _ مثل آن چه که در فرقه های منحرف اسلامی رخ داده است _ بنابراین سیره مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف براساس یک انقلاب ارزشی در سطح جهان است که ارزش های فراموش شده اسلام و قرآن را زنده کرده و ضد ارزش های رایج تا زمان ظهور را برخواهد داشت و این در نظر مردم به معنی «اسلام جدید» خواهد بود!

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و استفاده از قهر و خشنونت

۱۲. به دلیل آن چه در بالا بیان شد در سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برخورد قهرآمیز و به ظاهر خشن نیز دیده می شود و این بخش از سیره امام نیز مطابق با سنت و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است، زیرا آن حضرت نیز در برابر جتیاران و ستم کاران که آشکارا حقوق ضعیفان را ضایع می کردند ایستاد و آنهایی که از گناه خود توبه نکردند و اصلاح نشدند را به شمشیر قهر از سر راه بشریت برداشت و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز با مستکبران عالم خواهد جنگید و این خود گام بلندی است برای برپایی عدالت و صلح در جهان!

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امیر مهر و مهرورزی

۱۳. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان «فریادرس مردم» معرّفی گردیده است یعنی که سیره رفتاری او کمک و دست گیری از مردم است و برای همه انسان ها هم چون پدری مهربان است و بلکه از پدر مهربان تر؛ زیرا که مظهر رحمت و مهر بی کران الهی است، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم الگوی چنین سنّت و سیره ای بوده و خداوند درباره او فرمود: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (۱) و جلوه غالب و رفتار دائمی حضرت مهر و محبّت به انسان هاست و قهر و شمشیر به منزله جراحی بدن و آخرین راه علاج خواهد بود.

۱۴. یکی از جلوه های مهرورزی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت به مردم، بخشش و عطای فراوان اوست به گونه ای که مردم در زمان او از نعمت بی سابقه ای برخوردار خواهند شد به گونه ای که نیازمندی یافت نخواهد شد. (۲) روشن است که این ویژگی حضرت نیز ادامه سنّت های زیبای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است.

۱۵. آن چه گفته شد نمونه های بارزی از سیره مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود و آن چه از سیره حضرت بیان گردید همان است که به عنوان «معروف» در قرآن و سنّت پیامبر اکرم جلوه گر است. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کامل ترین تجسّم عینی زیبایی های قرآن و سنّت پیامبر است و هیچ زشتی و کجی در گفتار و رفتار او وجود ندارد چرا که مصداق کریمه «تطهیر» (۳) است.

۱- سوره انبیاء، آیه ۱۰۷.

۲- این ویژگی در بحث «برکات دوره ظهور» آمده است.

۳- سوره احزاب، آیه ۳۳ که به طهارت کامل اهل بیت علیهم السلام گواهی می دهد.

فصل پنجم: خصائص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین حجت خدا و بقیه الله است. او عصاره خلقت و خلاصه انبیاء و اولیاء است. مطابق روایات، خصایص و ویژگی هایی در وجود شریف او جمع گردیده است. در این بخش مهم ترین خصایص حضرت را بر اساس روایات می آوریم:

۱. امام سجاد علیه السلام فرمود:

قیام کننده از ما [اهل بیت علیهم السلام] ولادتش بر مردم پنهان خواهد بود تا آن جا که [درباره او] می گویند: هنوز متولد نشده است برای این که وقتی قیام می کند بیعت هیچ کس بر گردن او نباشد. (۱)

۲. عبدالعظیم حسنی روایت کرده که به امام جواد علیه السلام گفتم:

من امید آن دارم که شما همان قیام کننده از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله

۱- عن علی بن الحسین (قال: «الْقَائِمُ مِنَّا تَخْفَى وَوَلَادَتُهُ عَلَى النَّاسِ حَتَّى يَقُولُوا لَمْ يُوَلَدْ بَعِيدٌ لِيُخْرَجَ حِينَ يَخْرُجُ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيِّعَةٌ.» (كمال الدين، ج ۱، ص ۳۲۲، ب ۳۱، ح ۶؛ اعلام الوری، ر ۴، ق ۲، ب ۲، ف ۲)

باشی که زمین را پر از عدل و قسط خواهی کرد، همان گونه که از ظلم و جور آکنده باشد. آن حضرت فرمود: ای ابالقاسم، هیچ یک از ما [اهل بیت علیهم السلام] نیست مگر این که قائم به امر خداست و هدایت گر به سوی دین او؛ ولی آن قائمی که خداوند به سبب او زمین را از اهل کفر و انکار پاک خواهد ساخت و پر از عدل و داد خواهد کرد کسی است که ولادت او بر مردم مخفی خواهد بود و شخص او از مردم غائب خواهد گشت و بردن نام او بر مردم حرام خواهد بود و او هم نام رسول خدا صلی الله علیه و آله و هم کنیه اوست و او همان کسی است که زمین برایش پیچیده می گردد و هر سختی برای او آسان می شود... (۱)

۳. اباصلت می گوید:

به امام رضا علیه السلام گفتم: نشانه های قائم علیه السلام از شما چیست آن گاه که قیام کند؟ فرمود: نشانه اش این است که [با این که] سنّ پیران را دارد [ولی] جوان به نظر می رسد به گونه ای که بیننده گمان می کند که او چهل سال یا کمتر دارد و نیز از نشانه های او این است که با گذشت روزها و شب ها پیر نمی شود تا آن گاه که اجل او فرا می رسد. (۲)

۱- عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ الْحَسَنِيِّ قَالَ: «قُلْتُ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا مَوْلَايَ إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ تَكُونَ الْقَائِمَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا مِنَّا إِلَّا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ وَهَادٍ إِلَى دِينِ اللَّهِ وَ لَكِنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنَ أَهْلِ الْكُفْرِ وَالْجُحُودِ وَيَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا هُوَ الَّذِي يَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلَادَتُهُ وَيَغِيبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ وَيَحْرُمُ عَلَيْهِمْ تَسْمِيَتُهُ وَهُوَ سَمِيُّ رَسُولِ اللَّهِ وَكَيْتُهُ وَهُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَيُذَلُّ لَهُ كُلُّ صَعْبٍ...» (كفايه الاثر، ص ۲۷۷، ح ۲؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۴۹)

۲- عَنْ أَبِي الصَّلْتِ الْهَرَوِيِّ قَالَ قُلْتُ لِلرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَا عَلَامَاتُ الْقَائِمِ مِنْكُمْ إِذَا خَرَجَ قَالَ عَلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ السِّنِّ شَابَّ الْمَنْظَرِ حَتَّى إِنَّ النَّاطِرَ إِلَيْهِ لَيَحْسِبُهُ ابْنَ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَوْ دُونَهَا وَإِنَّ مِنْ عَلَامَاتِهِ أَنْ لَمَّا يَهْرَمَ بِمُرُورِ الْأَيَّامِ وَاللَّيَالِي حَتَّى يَأْتِيَهُ أَجَلُهُ.» (كمال الدين، ج ۲، ص ۶۵۲، ب ۵۷، ج ۱۲، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۷۳۳، ب ۳۴، ف ۸، ح ۹۱)

۴. امام صادق علیه السلام فرمود:

سنت های پیامبران با آن چه نسبت به آنها روی داده از غیبت در قائم ما اهل بیت دقیقاً و موبه مو رخ خواهد داد. ابوبصیر گوید: به آن حضرت عرض کردم: ای فرزند رسول خدا: قائم از شما اهل بیت کیست؟ فرمود: ای ابابصیر او پنجمین فرزند از فرزندان پسر موسی [بن جعفر علیه السلام] است. او فرزند سرور کنیزان است. غیبتی خواهد کرد که در آن اهل باطل به تردید می افتند. سپس خداوند بلندمرتبه او را ظاهر ساخته و مشرق ها و مغرب های زمین را به دست او خواهد گشود و روح الله عیسی بن مریم [از آسمان ها] فرود آمده پشت سر او به نماز خواهد ایستاد و زمین به نور پروردگار خود روشن خواهد شد و هیچ بقعه ای از زمین که غیر خدا در آن پرستیده شود نخواهد ماند مگر آن که خدا در آن عبادت خواهد شد و [در آن زمان] همه دین برای خدا خواهد بود گرچه مشرکان را ناخوش آید. (۱)

۱- عن ابی بصیر قال: سمعت ابا عبد الله (يقول: «إِنَّ سَيِّئِنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِمَا وَقَعَ بِهِمْ مِنَ الْغَيْبَاتِ حَادِثَةً فِي الْقَائِمِ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ حَيْدُ النَّعْلِ وَالنَّعْلِ وَالْقُدَّةِ بِالْقُدَّةِ قَالَ أَبُو بَصِيرٍ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَمَنِ الْقَائِمُ مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ فَقَالَ يَا أَبَا بَصِيرٍ هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ ابْنِي مُوسَى ذَلِكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْأِمَاءِ يَغِيبُ غَيْبَةً يَزْتَابُ فِيهَا الْمُجْطَلُونَ ثُمَّ يُظْهِرُهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَيَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى يَدِهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا وَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَصِلُ إِلَى خَلْفَتِهِ وَتُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَلَا تَبْقَى فِي الْأَرْضِ بَقْعَةٌ عِبَادَ فِيهَا غَيْرُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِلَّا عَبْدَ اللَّهِ فِيهَا وَيَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.» (كمال الدين، ج ۲، ص ۲۱-۲۲، ب ۳۳، ح ۳۱؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۷۳، ب ۳۲، ف ۵، ح ۱۵۲)

۵. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

از ماست آن که عیسی بن مریم علیه السلام پشت سر او به نماز می ایستد. (۱)

۶. امام سجاد علیه السلام فرمود:

در قائم علیه السلام سنت هایی از هفت پیامبر وجود دارد: سنتی از پدر ما آدم علیه السلام و سنتی از نوح علیه السلام و سنتی از ابراهیم علیه السلام و سنتی از موسی علیه السلام و سنتی از عیسی علیه السلام و سنتی از ایوب علیه السلام و سنتی از محمد صلی الله علیه و آله درود خدا بر ایشان باد. از آدم و نوح: سنت طول عمر را دارد و از ابراهیم علیه السلام پنهانی ولادت و کناره گیری از مردم و از موسی علیه السلام ترس و غیبت و از عیسی علیه السلام اختلاف مردم درباره او و از ایوب علیه السلام گشایش پس از گرفتاری و از محمد صلی الله علیه و آله قیام به شمشیر. (۲)

۷. امام صادق علیه السلام فرمود:

هیچ معجزه ای از معجزات پیامبران و اوصیاء نیست مگر آن که خداوند مانند آن را به دست قائم ما ظاهر خواهد ساخت تا

۱- عن ابی سعید الخدری قال: «قال رسول الله: (مِنَّا الَّذِي يُصَلِّي عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ) خَلْفَهُ» (كمال الدين، ج ۲، ص ۳۲۱، ب ۳۱، ح ۳)

۲- عن علی بن الحسین: (فِي الْقَائِمِ مِثْلُ سُنَنِ مَنْ سَبَعَهُ أَنْبِيَاءُ: سُنَّةُ مَنْ أَيْبِنَا آدَمَ وَ سُنَّةُ مَنْ نُوحٍ وَ سُنَّةُ مَنْ إِبْرَاهِيمَ وَ سُنَّةُ مَنْ مُوسَى وَ سُنَّةُ مَنْ عِيسَى وَ سُنَّةُ مَنْ أَيُّوبَ وَ سُنَّةُ مَنْ مُحَمَّدٍ فَأَمَّا مَنْ نُوحٍ فَطُولُ الْعُمُرِ - أَمَّا مَنْ إِبْرَاهِيمَ فَخِفَاءُ الْوِلَادَةِ وَ اعْتِرَالُ النَّاسِ وَ أَمَّا مَنْ مُوسَى فَالْخَوْفُ وَ الْعَيْبَةُ وَ أَمَّا مَنْ عِيسَى فَاخْتِلَافُ النَّاسِ فِيهِ وَ أَمَّا مَنْ أَيُّوبَ فَالْفَرَجُ بَعْدَ الْبَلْوَى وَ أَمَّا مَنْ مُحَمَّدٍ فَالْخُرُوجُ بِالسَّيْفِ.) (البيان في اخبار صاحب الزمان، ص ۱۱۶، ب ۷؛ كنز العمال، ج ۱۴، ب ۲۶۶، ح ۳۸۶۷۳؛ البرهان في علامات مهدی آخر الزمان، ص ۱۵۸، ب ۹، ح ۱)

حجت را بر دشمنان تمام کند. (۱)

۸. امام باقر علیه السلام فرمود:

وقتی قائم علیه السلام ظهور کند با پرچم رسول خدا و انگشتر سلیمان و سنگ و عصای موسی ظهور خواهد کرد. (۲)

۹. امام صادق علیه السلام فرمود:

به درستی که قائم از ما [اهل بیت] یاری شده به وسیله رعب، تأیید شده به نصرت الهی است. زمین برای او پیچیده می شود و گنج ها همگی برای او آشکار خواهد شد و خداوند به سبب او دینش را بر همه ادیان غلبه خواهد داد، گرچه مشرکان را خوش نیاید و سلطنت او مشرق و مغرب عالم را خواهد گرفت. پس در همه زمین ویرانه ای نماند مگر آن که آباد گردد و عیسی بن مریم علیه السلام [از آسمان] فرود آید و پشت سر او نماز می خوانند... (۳)

۱۰. رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضمن خطبه ای در غدیر خم فرمود:

۱- عن ابی عبدالله: «ما من معجزه من معجزات الانبياء والاصياء الا يظهر الله تبارك و تعالی مثلها علی يد قائمنا لاتمام الحجه علی الاعداء.» (اثبات الهداه، ج ۳، ص ۷۰۰، ب ۳۳، ف ۷، ح ۱۳۷، عن کتاب الفضل بن شاذان)

۲- عن الباقر: «إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ظَهَرَ بِرَأْيِهِ رَسُولِ اللَّهِ صَوَّخَاتِمِ سُلَيْمَانَ وَحَجْرِ مُوسَى وَعَصَى آه.» (غیبت نعمانی، باب ۱۳، ح ۲۸)

۳- عن الصادق: «الْقَائِمُ مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ تَطْوَى لَهُ الْأَرْضُ وَتَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ وَ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ وَيُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ دِينَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا أَعْمَرَ وَ يَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ (فَيَصِلُ لِي خَلْفَهُ...)» (اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۴۰، ب ۳۲، ف ۴۴، ح ۶۸۶، عن کتاب فضل بن شاذان)

ای گروه مردم، نوری از خدای بلندمرتبه در من قرار گرفته و پس از من در علی علیه السلام و پس از او در نسل او تا قائم مهدی که حق خدا و هر حقی که برای ماست را خواهد گرفت... ای مردم به راستی که من پیامبرم و علی وصی و جانشین است. آگاه باشید که آخرین امام از ما قائم مهدی خواهد بود. بدانید که محققاً او همان است که بر همه ادیان غلبه خواهد کرد و هر آینه او انتقام گیرنده از ستم کاران است و هر آینه او قلعه ها را فتح خواهد کرد و آنها را نابود خواهد ساخت. آگاه باشید که او کشنده هر قبیله و قومی از مشرکین است و او خون خواه اولیاء خدا خواهد بود.

هر آینه او یاری کننده دین خداست و او نهی خروشان از اقیانوسی بی کران است. آگاه باشید که او هر دانشمندی را به دانش و هر نادانی را به نادانی می شناسد. آگاه باشید که او برگزیده و انتخاب شده خداوند است. آگاه باشید که او وارث هر دانش و دربرگیرنده آن است. آگاه باشید که او آن چه بگوید از پروردگارش می گوید و به امر ایمان هشدار می دهد. آگاه باشید که او کامل و نیرومند است. آگاه باشید که [فرمان روایی جهان هستی] به او واگذار شده است. آگاه باشید که هر کس از پیامبران و امامان پیش از او بودند نوید او را داده اند. آگاه باشید که او تنها حجت بازمانده است و بعد از او حجتی نیست، حقی جز با او و نوری جز در پیش او نیست. آگاه باشید که هیچ کس بر او غلبه نخواهد کرد و کسی او را شکست نخواهد داد. (۱)

۱- عن رسول الله (فی خطبته الطویلہ فی غدیر خم: «مَعَاشِرَ النَّاسِ النُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي مَسْئِلُوكُمْ ثُمَّ فِي عَلِيٍّ ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمُهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا... مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي نَبِيُّ وَعَلِيٌّ وَصِيِّي أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَنْبِيَاءِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمُهْدِيُّ أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ - أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الحُصُونِ وَهَادِمُهَا أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشُّرُوكِ أَلَا إِنَّهُ مُدْرِكُ كُلِّ نَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِذِي اللَّهِ أَلَا إِنَّهُ العَرَّافُ فِي بَحْرِ عَمِيقٍ أَلَا إِنَّهُ يَسْمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَكُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ أَلَا إِنَّهُ خَيْرُهُ اللَّهُ وَمُخْتَارُهُ أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَالمُحِيطُ بِهِ أَلَا إِنَّهُ المُخْبِرُ عَن رَّبِّهِ عَزَّوَجَلَّ وَالمُتَّبِعُ بِأَمْرِ إِيْمَانِهِ أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّدِيدُ أَلَا إِنَّهُ المَفْوِضُ إِلَيْهِ أَلَا إِنَّهُ قَدْ بُشِّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ - أَلَا إِنَّهُ البَاقِي حُجَّةً وَ لَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَ لَا حَقٌّ إِلَّا مَعَهُ وَ لَا نُورٌ إِلَّا عِنْدَهُ أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَ لَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ.» (الاحتجاج، ص ۶۶- ۸۴ «احتجاج النبى (يوم الغدير)»)

۱۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

قائم علیه السلام قیام خواهد کرد و حال آن که هیچ کس بر عهده او بیعت و پیمانی نخواهد داشت. (۱)

نکته هایی از روایات

از مجموع روایاتی که بیان شد استفاده می شود که از میان ائمه دوازده گانه شیعه، حضرت مهدی علیه السلام دارای ویژگی هایی هستند

که ایشان را از سایر امامان ممتاز می کند. این ویژگی ها، سیمای

مبارک مهدی موعود را بیشتر و بهتر معرفی می کند؛ همان گونه که مدعیان مهدویت را رسوا می کند. در این بخش ویژگی های آن حضرت را مرور می کنیم:

۱. بر خلاف ائمه پیشین که امر ولادت آنها آشکار و علنی بوده است، حضرت مهدی علیه السلام ولادتی پنهانی داشته اند و این به خاطر شرایط خاص زمان ایشان و نیز مأموریت ویژه ایشان در مقابله با حاکمان

۱- عن ابی عبدالله (قال: «يَقُومُ الْقَائِمُ (وَلَيْسَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ عَقْدٌ وَلَا عَهْدٌ وَلَا بَيْعَةٌ.» (غیبت نعمانی)

ستم گر بوده است که در بحث علت غیبت مطرح گردیده است. ولادت پنهانی درباره برخی از پیامبران الهی هم روی داده است. (حدیث ۱ و ۲)

۲. مهدی علیه السلام علاوه بر ولادت پنهانی، زندگی خود را در غیبت می گذرانند و بر خلاف سایر ائمه علیهم السلام که آشکارا در میان مردم بودند، پنهانی زندگی می کند و اگرچه ممکن است دیده شود ولی شناخته نمی شود جز در مواردی که امام مصلحت بداند. آن حضرت در این ویژگی نیز به برخی از پیامبران بزرگ خدا شباهت دارد. (حدیث ۲ و ۴)

۳. مطابق روایات متعدّد، بردن نام حضرت در زمان غیبت، جایز نیست و این نیز ویژگی دیگر امام دوازدهم است که یکی از دلایل آن حفظ جان حضرت است. (۱) (حدیث ۲)

۴. ویژگی دیگر امام علیه السلام جریان امدادهای غیبی آشکار درباره آن حضرت و قیام اوست. گرچه زندگی همه ائمه از این امور برخوردار بوده است ولی در حیات مهدی علیه السلام این جریان، روشن تر و فراوان تر خواهد بود زیرا که رسالت او گسترده تر و فراگیرتر است. (حدیث ۳)

بعضی از مواردی که به عنوان امداد غیبی الهی در روایات آمده عبارتند از:

یک _ زمین برای آن حضرت پیچیده می شود (و راه ها برای او

۱- در برخی روایات آمده است که وقتی در مجالس و محافل نام حضرت برده شود، سبب طلب و پی گیری و جست و جوی دشمن نسبت به آن حضرت می گردد. البته ممکن است ادله دیگری برای ممنوعیت نام بردن وجود داشته باشد و الله العالم.

نزدیک می گردد).

دو - هر سختی برای او سهل و آسان می گردد.

سه - با رعب و وحشتی که در دل دشمنانش می افتد یاری می گردد، همان گونه که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در جریان جنگ احزاب با لشکر رعب یاری شد. (۱)

چهار - گنج های زمین برای او آشکار گردیده و در دسترس

قرار می گیرد.

۵. با آن که هنگام ظهور، سنّ مبارک آن حضرت، بسیار زیاد است ولی در هیئت و شکل جوانی که کمتر از چهل سال دارد ظاهر می گردد و گذشت روز و شب آثار پیری را برای او نخواهد آورد و این امر از مختصّیات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (حدیث ۳)

۶. خداوند به دست او مشرق و مغرب عالم را فتح کرده و دین اسلام را علی رغم مشرکان، جهانی خواهد ساخت؛ به گونه ای که هیچ سرزمینی نمی ماند که غیرخدا در آن پرستیده شود. (حدیث ۴، ۹ و ۱۰)

۷. حکومت مهدی علیه السلام سراسر عالم را گرفته و همه جا را آباد خواهد کرد. (حدیث ۹ و ۱۰)

۸. ویژگی دیگر امام مهدی علیه السلام آنست که در روزگار ظهور او حضرت عیسی بن مریم علیه السلام که از پیامبران اولوالعزم الهی است از آسمان فرود آمده و پشت سر او به نماز خواهد ایستاد. (۲) (حدیث ۴ و ۵)

۱- این واقعیت در آیه ۲۶ سوره احزاب بیان گردیده است.

۲- این برنامه می تواند به گرایش اهل کتاب به امام مهدی (کمک فراوانی کند و زمینه هدایت بسیاری از خداپرستان را فراهم کند.

۹. خداوند تبارک و تعالی برای اتمام حجت بر خلق، معجزات فراوانی نظیر آن چه از انبیاء: به ظهور رسیده است به دست امام مهدی علیه السلام ظاهر خواهد ساخت. در این صورت هیچ عذری برای کسی نمی ماند که به مهدی علیه السلام ایمان نیاورد. (حدیث ۷)

۱۰. امام مهدی علیه السلام برای اثبات حقانیت دعوت خود با آثار و علائمی از پیامبران بزرگ خدا ظهور خواهد کرد؛ مانند پرچم پیامبر خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله، انگشتری سلیمان علیه السلام، سنگ و عصای موسی علیه السلام. این ها آثار مخصوصی است که نزد موحدان عالم و علمای اهل کتاب شناخته شده است. (حدیث ۸)

۱۱. او آخرین حجت الهی است که تمام حجت های پیشین نسبت به او بشارت داده اند. (حدیث ۱۰)

۱۲. او تنها حجت الهی است که همیشه پیروز خواهد بود و هیچ قدرتی و در هیچ مقطعی از زمان بر او غلبه نخواهد کرد. (حدیث ۱۰)

۱۳. آن حضرت در حالی قیام خواهد کرد که تحت بیعت هیچ کس نخواهد بود و با هیچ کس پیمانی نخواهد داشت و این امری

است برخلاف آن چه در امامان پیشین بوده است و آنها هر یک به نحوی در بیعت طاغوت زمان خود بوده اند و گریزی از آن نداشته اند. (۱) (حدیث ۱ و ۱۰)

۱- این مطلب در بخش علت غیبت توضیح داده شده است.

۱۴. امام مهدی علیه السلام سنت ها و شیوه های گوناگونی از پیامبران بزرگ خدا دارد که با آنها شناخته می گردد. از آدم و نوح: طول عمر، از ابراهیم علیه السلام پنهانی ولادت و کناره گیری از مردم، از موسی علیه السلام ترس و غیبت، از عیسی علیه السلام اختلاف مردم درباره او، از ایوب علیه السلام گشایش بعد از بلا و گرفتاری و از پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله قیام به شمشیر. (حدیث ۴ و ۶)

به جاست که درباره این شباهت ها توضیحی روشن گر داده شود:

طبق آیات قرآن نوح علیه السلام ۹۵۰ سال در میان مردم صبر کرد (۱)

و در روایات آمده که ۲۵۰۰ سال عمر کرد (۲) و آدم علیه السلام نیز طبق

روایت پیامبر صلی الله علیه و آله ۹۳۰ سال عمر کرد (۳) چنان که در تورات نیز به آن تصریح شده است. (۴)

حضرت ابراهیم علیه السلام دوران حمل و ولادتش مخفیانه بود (۵) و حضرت مهدی علیه السلام نیز چنین بوده است و نیز قرآن از زبان ابراهیم علیه السلام فرموده: **وَاعْتَرِلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ (۶) f** و از شما و آن چه غیر خداوند می پرستید کناره گیری می کنم. امام صادق علیه السلام فرمود: به ناچار صاحب

۱- سوره نوح، آیه ۲۶.

۲- مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۵۳.

۳- بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۲۶۸، ح ۱۹.

۴- زنده روزگاران، ص ۱۳۲، به نقل از تورات (ترجمه فاضل خانی) سفر پیدایش، باب پنجم، آیه ۵.

۵- مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۶۱.

۶- سوره مریم، آیه ۴۸.

این امر را غیبتی خواهد بود و در هنگام غیبت ناچار از عزلت و گوشه گیری است... (۱)

و اما درباره موسی علیه السلام در قرآن آمده: ﴿فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ﴾ (۲) یعنی پس، از آن [دیوار] ترسان و نگران بیرون رفت. یعنی از میان قوم خود به جهت ترس از دشمنانش غائب شد و حضرت مهدی علیه السلام نیز به همین جهت غائب شده است. (۳) و نیز موسی علیه السلام دو غیبت داشت که یکی از آنها طولانی تر بود. غیبت اول او از مصر بود که ۲۸ سال طول کشید و غیبت دوم وقتی بود که به میقات پروردگارش رفت که چهل شب طول کشید. (۴)

و اما عیسی علیه السلام، مردم درباره او اختلاف شدید کردند. بعضی اصل وجودش را منکر شدند و گفتند قهرمان افسانه ای بود! و بعضی معتقد به خدایی او شدند و بعضی گفتند انسان است و بعضی هر دو اعتقاد را با هم جمع کردند و یهود به مادرش نسبت ناروا و زشت دادند! (۵) درباره حضرت مهدی علیه السلام نیز اختلاف کردند که اصلاً متولد نشده یا پس از تولد، رحلت کرده یا امام عسکری علیه السلام عقیم بوده یا روح قائم علیه السلام در کالبد دیگری وارد شده و او سخن از زبان آن حضرت می گوید (۶) و

۱- مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۹۲.

۲- سوره قصص، آیه ۲۱.

۳- در بحث «علت غیبت» مطرح شده است.

۴- مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۸۹.

۵- نک: تفسیر الکاشف، ج ۱، ص ۷۰.

۶- نک: مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۱۶.

ابطال دیگر.

و اما ایوب علیه السلام گرفتار آزمونی سخت شد. اموال فراوان او و زراعت و گوسفندانش و نیز فرزندانش از میان رفتند و سلامت خود را از دست داد و مدت زیادی سخت بیمار شد و نیز گرفتار شماتت دوستان گردید ولی در همه حال بنده صابر و شاکر خداوند بود و چون از عهده امتحان الهی به خوبی بیرون آمد، خداوند درهای رحمتش را به روی او گشود و نعمت های از دست رفته را به او برگرداند. (۱) امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم در طول دوره غیبت، سختی ها و بلاهای فراوان را تحمل کرده و می کند و پس از آن برای او ظهور و فرج و گشایش الهی رخ خواهد داد.

و اما پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بیش از هشتاد جنگ با دشمنان داشت و امام مهدی علیه السلام نیز با دشمنان دین خدا خواهد جنگید؛ یعنی این گونه نیست که کار او تنها با ارائه دلیل و برهان به سامان برسد، بلکه در سیره و سنت او مانند پیامبر اسلام جنگ و رویارویی خواهد بود.

۱- نک: تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۲۹۴-۲۹۶.

ص: ۱۰۹

بخش سوم: غیبت و انتظار

اشاره

فصل اول: ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

یکی از موضوع های بسیار مهم درباره شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، موضوع «ولادت» آن حضرت است. مهم ترین بخش این موضوع،

اثبات ولادت آن بزرگوار است که از گذشته تا به حال مورد اختلاف

بین شیعه و اهل سنت بوده است. شیعه به اتفاق معتقدند که

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۵۵

هجری قمری در سامراء متولد گردید و امام حی و حاضر است

که به اراده الهی غائب شده و در آخرالزمان ظهور خواهد کرد

ولی بیش تر اهل سنت منکر ولادت آن حضرت هستند! ما در این

بخش روایاتی را نقل خواهیم کرد که بر ولادت آن حضرت دلالت

دارد؛ البته بعضی از این روایات با صراحت از ولادت حضرت خبر

داده است و برخی دیگر به گونه ای است که لازمه اش تولد یافتن

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (۱)

البته در جریان ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بخش های دیگری هم هست که به اثبات ولادت آن حضرت کمک می کند مثل مخفی بودن ولادت آن حضرت و علّت آن و بشارت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام نسبت به ولادت و بیان نسب آن حضرت و آنها که امام را در کودکی یا در غیبت صغری، ملاقات کرده اند که به این ها هم اشاره ای خواهد شد.

روایات

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

دنیا تمام نمی گردد تا این که مردی از نسل حسین علیه السلام به امر [سرپرستی و امامت] امت من قیام خواهد کرد. او دنیا را پر از عدالت می کند همان گونه که از جور پر شده باشد. [راوی گوید:] گفتیم، او کیست ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم؟ فرمود: او نهمین نفر از نسل حسین علیه السلام است. (۲)

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

... ای جابر، وقتی فرزندم باقر را دیدی، سلام مرا به او برسان،

۱- به اصطلاح منطقی، دلالت این احادیث بر ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سه گونه مطابقی، تضمینی و التزامی است یعنی برخی صریح در اثبات ولادت است و برخی خبر ولادت را در بر دارد و لازمه برخی دیگر ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۲- عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ بِأَمْرِ أُمَّتِي رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا. قلنا من هو يا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال: هو التاسع من صلب الحسين عليه السلام». (كفايه الاثر، ص ۹۷، ب ۱۲، ح ۳؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۱۸، ب ۴۱، ح ۱۶۹)

همانا او هم نام من و شبیه ترین مردم به من است. دانش او دانش من و حکم او حکم من است. هفت تن از فرزندان او، امینان و معصومان و امامان نیکوکار هستند و هفتمین آنها مهدی ایشان است که زمین را از عدل و داد پر می کند همان طور که از ظلم و جور پر شده باشد... (۱)

۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس به همه امامان از پدران من و نیز از فرزندانم ایمان و اقرار داشته باشد و تنها مهدی از فرزندانم را انکار کند مثل آنست که همه انبیاء الهی را پذیرفته ولی منکر پیامبر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم گردیده باشد. [راوی گوید] گفتم: ای مولای من! مهدی کیست؟ فرمود: پنجمین نفر از فرزندان هفتمین امام! شخص او از دیدگان شما غائب می گردد و نام بردن از او بر شما جایز نیست. (۲)

۴. امام رضا علیه السلام فرمود:

... هر کس پیش از قیام قائم ما، تقیه را ترک کند از ما نیست! _ به آن حضرت گفته شد: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، قائم از شما

۱- عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: قال... یا جابر، إذا ادركت ولدی الباقر فاقراءه منی السلام فانه سمی و اشبه الناس بی، علمه علمی و حکمه حکمی، سبعة من ولده امناء معصومون ائمه ابرار و السابع منهم الذی یملا الارض قسط و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً... (تمام حدیث در بخش حسب و نسب، حدیث ۷)

۲- عن الصادق علیه السلام: «مَنْ أَقَرَّ بِالْأَيْمَةِ مِنْ آبَائِي وَ وُلْدِي وَ جَدِّ الْمَهْدِيِّ مِنْ وُلْدِي كَانَ كَمَنْ أَقَرَّ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَدِّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم تُبَيَّنَتْ فَقُلْتُ يَا سَيِّدِي وَ مِنَ الْمَهْدِيِّ مِنْ وُلْدِكَ قَالَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ يَغِيبُ عَنْكُمْ شَخْصُهُ وَ لَا يَحِلُّ لَكُمْ تَسْمِيَّتُهُ». (كمال الدين، ج ۲، ص ۴۱۰، ب ۳۹، ح ۴)

خاندان کیست؟ _ فرمود: چهارمین نفر از فرزندانم، پسر سرور کنیزان! خداوند به سبب او زمین را از هر ظلم و جورى پاک خواهد ساخت و او همان است که مردم در ولادت او شک می کنند و همان است که پیش از قیام خود، غیبت خواهد داشت.

(۱)

۵. امام جواد علیه السلام فرمود:

... به درستی که قائم از ما [اهل بیت علیهم السلام] همان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که باید در غیبتش، منتظر او باشند و در ظهورش از او اطاعت کنند و او سومین نسل از فرزندان من است... (۲)

۶. امام هادی علیه السلام فرمود:

به راستی که امام پس از من، فرزندم حسن خواهد بود و پس از او فرزندش قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف همان که زمین را از قسط و عدل پر می کند همان گونه که از جور و ظلم پر شده باشد. (۳)

۷. به امام عسکری علیه السلام گفته شد، امام و حجت خدا پس از شما

۱- عن الرضا عليه السلام: ... فَمَنْ تَرَكَ التَّقِيَّةَ قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَلَيْسَ مِنَّا - فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَمَنِ الْقَائِمُ مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ قَالَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدِهِ الْإِمَامِ يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَيُقَدِّسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ وَهُوَ الَّذِي يُشَكُّ النَّاسُ فِي وِلَادَتِهِ وَهُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ... (كمال الدين، ج ۲، ص ۳۷۱، ب ۳۵، ح ۵)

۲- عن الجواد عليه السلام: «إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَيُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ وَهُوَ الثَّلَاثُ مِنْ وُلْدِي...» (تمام حدیث در بخش حسب و نسب، حدیث ۱۰؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۷، ح ۱ و نیز اعلام الوری و بحار الأنوار، ج ۱۵، ص ۱۵۶، ب ۱۴۹)

۳- عن الامام الهادي عليه السلام: «إِنَّ الْإِمَامَ بَعِيدِي الْحَسَنُ ابْنِي وَبَعِيدِ الْحَسَنِ ابْنَةُ الْقَائِمِ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا.» (كمال الدين، ج ۲، ص ۳۸۳، ح ۱۰ و اثبات الهداه، ج ۳، ص ۳۹۴، ب ۳۰، ح ۱۷)

کیست؟ فرمود:

پسرم محمد امام و حجت خدا پس از من است و هر که بمیرد در حالی که او را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت مرده است! آگاه باشید که بی تردید برای او غیبتی خواهد بود که نادان ها در آن به حیرت می افتند و اهل باطل هلاک می شوند... (۱)

۸. امام عسکری علیه السلام فرمود:

... خدای را سپاس که مرا از دنیا بیرون نبرد تا این که جانشین پس از مرا به من نشان داد! او شبیه ترین مردم به رسول خداست از جهت خلقت و از جهت اخلاق. خداوند او را در غیبتش حفظ کرده و پس از آن او را ظاهر می سازد. پس او زمین را از قسط و عدل پر می کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. (۲)

۹. امام عسکری علیه السلام فرمود:

دشمنان گمان کردند که مرا می کشند و نسل امامت را قطع می کنند و به تحقیق خداوند قول آنها را تکذیب کرد و خدای را

۱- قیل للإمام العسکری علیه السلام: «يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَنْ الْحُجَّةُ وَالْإِمَامُ بَعْدَكَ فَقَالَ ابْنِي مُحَمَّدٌ هُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدِي مَنْ مَيَاتٍ وَ لَمْ يَعْرِفَهُ مَيَاتٌ جَاهِلِيَّةٌ أَمَا إِنَّ لَهُ غَيْبَةً يَحَارُ فِيهَا الْجَاهِلُونَ وَ يَهْلِكُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ...» (تمام حدیث در بخش حسب و نسب، ح ۱۲؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۹، ب ۳۸، ح ۹ و اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۸۲، ب ۳۲، ح ۱۸۹)

۲- عن الامام العسکری علیه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى أَرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي أَشْبَهَ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ خُلُقًا وَ خُلُقًا يَحْفَظُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يُظْهِرُهُ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا. (کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۸، ب ۳۸، ح ۷ و کفایهاالمهدی (الاربعین)، ص ۱۱۱، ح ۲۹)

شکر [که چنین کرد]. (۱)

۱۰. امام عسکری علیه السلام در نامه ای به یکی از شیعیانش فرمود:

برای ما فرزندی به دنیا آمد [این خبر] باید نزد تو پوشیده باشد و از همه مردم پنهان و مخفی بماند و به راستی که ما کسی را از آن مطلع نساختم مگر آن که نزدیک باشد و یا از دوستان باشد. خوش داشتیم که تو را اعلام کنیم تا خداوند به این خبر تو را شاد کند هم چنان که ما را مسرور کرد و السلام. (۲)

۱۱. حکیمه خاتون دختر امام جواد علیه السلام روایت کرده است که امام عسکری علیه السلام به دنبال من فرستاد و فرمود:

ای عمّه امشب افطارت را نزد ما قرار ده زیرا که شب

نیمه شعبان است و خداوند در امشب حجّت را نمایان خواهد ساخت و او حجّت خدا در زمین است. گفتم: مادرش کیست؟ فرمود: نرجس! گفتم: فدایت شوم! در نرجس نشانه ای [از حمل] نیست! فرمود: همانست که به تو گفتم! [حکیمه گوید]

آمدم و به نرجس سلام کرده... و گفتم: دخترم خداوند امشب

به تو کودکی عطا خواهد کرد که در دنیا و آخرت، سرور

و آقااست!... [حکیمه گوید]: در دل شب برای نماز برخاستم،

۱- و عنه علیه السلام: «زَعَمُوا أَنَّهُمْ يُرِيدُونَ قَتْلِي لِيَقْطَعُوا هَذَا النَّسْلَ وَقَدْ كَذَّبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ قَوْلَهُمْ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ». (معجم احادیث

الامام المهدي، ج ۶، ص ۲۷، به نقل از کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۷، ب ۳۸، ح ۳)

۲- و عنه علیه السلام: «وَأَمَّا لَنَا مَوْلُودٌ فَلْيُكُنْ عِنْدَكَ مَسْتُورًا وَعَنْ جَمِيعِ النَّاسِ مَكْتُومًا فَإِنَّا لَمْ نُظْهِرْ عَلَيْهِ إِلَّا الْأَقْرَبَ لِقَرَابَتِهِ وَالْوَلِيَّ لَوْلَايَتِهِ أَحَبُّنَا إِعْلَامَكَ لَيْسِيَرَّكَ اللَّهُ لَهُ مِثْلُ مَا سِيرْنَا بِهِ وَالسَّلَامُ». (معجم احادیث الامام المهدي، ج ۶، ص ۳۱، ح ۱۲۷۲ به

نقل از کمال الدین، ص ۴۳۳، ب ۴۲، ح ۱۶)

نماز خواندم و حال آن که نرجس خوابیده بود... پس او برخاست و نماز گزارد و خوابید... پس بیرون آمده و در جست و جوی

فجر بودم... تردید بر من عارض شد ناگاه ابو محمد علیه السلام از جای خود مرا نداد داد و فرمود: ای عمه شتاب مکن که امر نزدیک شده است! حکیمه گوید: نشستم و سوره های سجده و یس را قرائت کردم در این میان او هراسان بیدار شد و من از جای خود پریده نزد او رفتم و گفتم: نام خدا بر تو باد آیا چیزی احساس می کنی؟ گفت: آری ای عمه! ... حکیمه گوید: مرا و نرجس را ضعفی گرفت و به صدای سرورم به خود آمدم و جامه از او برداشتم و ناگهان سرورم را دیدم که به سجده افتاده است و مواضع سجده اش را بر زمین گذاشته؛ او را در آغوش گرفتم و دیدم که پاک و پاکیزه است. [در این هنگام] امام عسکری

مرا ندا داد که ای عمه فرزندم را نزد من بیاور! مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به نزدش بردم... فرمود: پسر من سخن بگویی! کودک گفت: اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله و سپس بر امیرالمؤمنین و امامان درود فرستاد تا آن که بر پدرش هم درود فرستاد و زبان در کشید... (۱)

۱- عَنْ حَكِيمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَتْ: «بَعَثَ إِلَيَّ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا عَمَّةُ اجْعَلِي إِفْطَارِكِ هَذِهِ اللَّيْلَةَ عِنْدَنَا فَإِنَّهَا لَيْلَةُ النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَيُظْهِرُ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ الْحُجَّةَ وَهُوَ حُجَّتُهُ فِي أَرْضِهِ قَالَتْ فَقُلْتُ لَهُ وَمَنْ أُمُّهُ قَالَ لِي نَزَجِسُ قُلْتُ لَهُ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ مَا بِهَا أَثْرٌ فَقَالَ هُوَ مَا أَقُولُ لَكَ قَالَتْ فَجِئْتُ فَلَمَّا سَلِمْتُ وَجَلَسْتُ جَاءَتْ تَنْزِعُ حُفِّي وَ قَالَتْ لِي يَا سَيِّدَتِي وَ سَيِّدَةَ أَهْلِي كَيْفَ أُمِّسَيْتِ فَقُلْتُ بَلْ أَنْتِ سَيِّدَتِي وَ سَيِّدَةَ أَهْلِي قَالَتْ فَأَنْكَرْتُ قَوْلِي وَ قَالَتْ مَا هَذَا يَا عَمَّةُ قَالَتْ فَقُلْتُ لَهَا يَا بِنْتِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَيَهَبُ لَكَ فِي لَيْلَتِكَ هَذِهِ غُلَامًا سَيِّدًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ قَالَتْ فَحَجَلْتُ وَ اسْتَحَيْتُ فَلَمَّا أَنْ فَرَعْتُ مِنْ صَلَاةِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ أَفْطَرْتُ وَ أَخَذْتُ مَضْجَعِي فَرَفَعْتُ فَلَمَّا أَنْ كَانِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ قُمْتُ إِلَى الصَّلَاةِ فَفَرَعْتُ مِنْ صَلَاتِي وَ هِيَ نَائِمَةٌ لَيْسَ بِهَا حَدِيثٌ ثُمَّ جَلَسْتُ مُعَقَّبَةً ثُمَّ اضْطَجَعْتُ ثُمَّ انْتَبَهْتُ فَرِعَهُ وَ هِيَ رَاوِدَةٌ ثُمَّ قَامَتْ فَصَلَّتْ وَ نَامَتْ قَالَتْ حَكِيمَةُ وَ خَرَجْتُ أَتَفَقَّدُ الْفَجْرَ فَإِذَا أَنَا بِالْفَجْرِ الْأَوَّلِ كَذَنِبِ السُّرْحَانِ وَ هِيَ نَائِمَةٌ فَدَخَلَنِي الشُّكُوكُ فَصَاحَ بِي أَبُو مُحَمَّدٍ عَنِ الْمَجْلِسِ فَقَالَ لَا تَعْجَلِي يَا عَمَّةُ فَهَاكِ الْأَمْرُ قَدْ قَرَّبَ قَالَتْ فَجَلَسْتُ وَ قَرَأْتُ الْمِ السَّجْدَةَ وَ يَسَ فَبَيْنَمَا أَنَا كَذَلِكَ إِذِ انْتَبَهْتُ فَرِعَهُ فَوَثَبْتُ إِلَيْهَا فَقُلْتُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْكَ ثُمَّ قُلْتُ لَهَا أ تَحْسِنِينَ شَيْئًا قَالَتْ نَعَمْ يَا عَمَّةُ فَقُلْتُ لَهَا اجْمَعِي نَفْسِكَ وَ اجْمَعِي قَلْبِكَ فَهُوَ مَا قُلْتُ لَكَ قَالَتْ فَأَخَذْتَنِي فَتَرَهُ وَ أَخَذَتْهَا فَتَرَهُ فَانْتَبَهْتُ بِحِسِّ سَيِّدِي فَكَشَفْتُ الثُّوبَ عَنْهُ فَإِذَا أَنَا بِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَاجِدًا يَتَلَقَى الْأَرْضَ بِمَسَاجِدِهِ فَصَمَّمْتُهُ إِلَيَّ فَإِذَا أَنَا بِهِ نَظِيفٌ مُنْتَظِفٌ فَصَاحَ بِي أَبُو مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَلُمَّ إِلَيَّ ابْنِي يَا عَمَّةُ فَجِئْتُ بِهِ إِلَيْهِ فَوَضَعَ يَدَيْهِ تَحْتَ أَلْيَتَيْهِ وَ ظَهَرَهُ وَ وَضَعَ قَدَمَيْهِ عَلَى صَدْرِهِ ثُمَّ أَذَلَى لِسَانَهُ فِي فِيهِ وَ أَمَرَ يَدَهُ عَلَى عَيْنَيْهِ وَ سَمِعَهُ وَ مَفَاصِلَهُ ثُمَّ قَالَ تَكَلَّمْ يَا بِنْتِي فَقَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ثُمَّ صَلَّى عَلَيَّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ عَلَيَّ الْأَنْمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى أَنْ وَقَفَ عَلَيَّ أَبِيهِ ثُمَّ أَحْجَمَ...» (كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۲، ح ۱، ص ۱۴۳)

۱۲. ابی غانم خادم امام عسکری علیه السلام روایت کرده:

برای ابامحمّد (امام عسکری علیه السلام) فرزندی متولد شد و او را محمّد نامید و روز سوّم او را به اصحابش نشان داد و فرمود: این صاحب [و امام] شما پس از من است و خلیفه من بر شماست و او همان قائم است که همگان به انتظار او خواهند بود پس آن گاه که زمین از جور و ظلم آکنده شود ظهور کرده و آن را پر از عدل و قسط و عدل خواهد ساخت. (۱)

۱- عَنِ أَبِي غَانِمِ الْخَادِمِ: «قَالَ وَلَدَ لِأَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَدٌ فَسَمَّاهُ مُحَمَّدًا فَعَرَضَهُ عَلَيَّ أُصِيحَابِهِ يَوْمَ الثَّلَاثِ وَقَالَ هَذَا صِدَائِبُكُمْ مِنْ بَعِيدِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ وَهُوَ الْقَائِمُ الَّذِي تَمْتَدُّ إِلَيْهِ الْأَعْنَاقُ بِالْإِنْتِظَارِ فَإِذَا امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ جَوْرًا وَظُلْمًا خَرَجَ فَمَلَأَهَا قِسْطًا وَعَدْلًا». (معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج ۶، ص ۴۵، ح ۱۲۷۸ به نقل از کمال الدین، ج ۲، ص ۴۳، ب ۴۲، ح ۸)

۱۳. محمد بن ابراهیم کوفی گوید:

امام عسکری علیه السلام گوسفند ذبح شده ای برایم فرستاد تا برسانم به کسانی که نام برده بود و فرمود: این عقیقه فرزندم محمد است. (۱)

۱۴. ابی هاشم جعفری گوید به امام عسکری علیه السلام گفتم:

بزرگی تو مرا از سؤالی باز می دارد آیا اجازه می دهید پرسم؟ فرمود: پرس، گفتم، مولای من آیا فرزندی برای شما هست؟ فرمود: آری... (۲)

۱۵. امام عسکری علیه السلام فرمود:

بنی امیه و بنی عباس شمشیرهای خود را بر ما کشیدند به دو جهت: یکی آن که آنها می دانستند که در خلافت حقی ندارند و می ترسیدند که ما نسبت به آن ادعا کنیم و خلافت در جای خود قرار گیرد [و از آنها گرفته شود] و دوم این که آنها از طریق روایات متواتر (۳) آگاهی داشتند به این که نابودی سلطنت جباران

۱- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْكُوفِيِّ: «أَنَّ أَبَا مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعَثَ إِلَيَّ بَعْضَ مَنْ سَمَّاهُ لِي بِشَاهٍ مَذْبُوحِهِ وَقَالَ هَذِهِ مِنْ عَقِيْقَةِ ابْنِي مُحَمَّدٍ». (معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج ۶، ص ۵۱، ح ۱۲۸۶، به نقل از معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج ۶، ص ۴۳۲، ب ۴۲، ح ۱۰)

۲- عَنْ أَبِي هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَلَّالَتِكَ تَمْنَعُنِي مِنْ مَسْأَلَتِكَ فَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَسْأَلَكَ فَقَالَ سَلْ قُلْتُ يَا سَيِّدِي هَلْ لَكَ وَلَدٌ فَقَالَ نَعَمْ فَقُلْتُ فَإِنْ حَدَّثَ بِكَ حَدَّثْ فَأَيَّنَ أَسْأَلُ عَنْهُ قَالَ بِالْمَدِينَةِ». (معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج ۶، ص ۳۸، به نقل از الكافي، ج ۱، ص ۳۲۸، ج ۲)

۳- خبر متواتر، روایتی است که نه تنها صحیح است بلکه راویان فراوانی آن را نقل کرده اند و به گونه ای که اطمینان به درستی آن پیدا می شود و تردیدی در آن باقی نمی ماند.

و ظالمان به دست قائم از ما خاندان است و نیز تردیدی نداشتند که خودشان از جمله جباران و ظالمانند بنا بر این در کشتن اهل بیت رسول الله و نابودی نسل آن حضرت کوشیدند به این امید و آرزو که از به دنیا آمدن قائم جلوگیری کنند یا [به او دست یافته] بکشند! ولی خداوند نخواست که امر قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف [و ولادت او] برای احدی از آنها آشکار شود مگر آن که نور الهی تمام شده [و فراگیر شود] و اگر چه کافران کراهت داشته باشند. (۱)

۱۶. امام صادق علیه السلام فرمود:

در قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف سنتی از موسی بن عمران است... [و آن] مخفی بودن ولادت اوست. (۲)

نکته هایی از روایات

ادله ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رویدادی است که بیش از دوازده قرن از آن می گذرد و بدیهی است که برای اثبات آن باید به آثار و اخباری که

۱- عن الامام العسکری علیه السلام قد وضع بنو امیه و بنو العباس سیوفهم علینا لعلّین احدهما انهم کانوا یعلمون انه لیس لهم فی الخلافه حق فیخافون من ادعائنا ایاها و تستقرّ فی مرکزها و ثانیهما انهم قد وقفوا من الاخبار المتواتره علی ان زوال ملک الجابره و الظلمه علی ید القائم منّا و کانوا لایشکون انهم من الجابره و الظلمه فسعوا فی قتل اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و اباده نسله طمعاً منهم فی الوصول الی منع تولّد القائم او قتله فابی الله ان یکشف امره لواحد منهم الا ان یتّم نوره ولو کره الکافرون. (اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۷۰، ب ۳۲، ف ۴۴، ح ۶۸۵)

۲- عن الصادق علیه السلام: «فی القائمِ سُنَّتُهُ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... خَفَاءٌ مَوْلِدُهُ». (کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۰، ج

در این زمینه موجود است مراجعه کنیم:

۱. روایات فراوان از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام در دست است که ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را اثبات می کند (۱) و می توان آنها را این گونه تقسیم کرد:

الف) روایاتی که با صراحت از ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خبر داده است مانند روایاتی که از امام عسکری علیه السلام پدر بزرگوار آن حضرت نقل شده است (روایات ۷ تا ۱۵) مطابق این روایات، امام عسکری علیه السلام به عنوان پدر به ولادت مهدی علیه السلام گواهی داده اند و برای اطلاع شیعیان خود نیز اقداماتی کرده اند مانند نشان دادن مهدی علیه السلام به عده ای از خواص شیعه و عقیقه کردن برای مهدی علیه السلام و فرستادن گوشت عقیقه برای شیعیان و نامه نگاری به شهرهای دور و خیردادن از ولادت مهدی علیه السلام.

ب) روایات بسیاری که جایگاه نسبی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مقطع زمانی ولادت او را بیان کرده است (۲) مانند این که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده مهدی علیه السلام،

۱- ناگفته نماند که اهل سنت گرچه امامان معصوم علیهم السلام را به عنوان جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نپذیرفته اند اما به بلندی مقام و عظمت شخصیت آن ها اعتراف دارند و بنابراین به سخنان آنها نیز به عنوان یک شاهد امین و صادق می نگرند و آنها را قابل استناد می دانند بلکه امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهما السلام را از برترین اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می شمردند و نسبت به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ابراز محبت و ارادت هم می کنند، بسیاری از بزرگان اهل سنت از فرقه های مختلف بی واسطه و یا باواسطه از علوم اهل بیت علیهم السلام استفاده کرده اند و آنها را عالم ترین مردم نسبت به قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می شناختند.

۲- ر.ک: به «منتخب الاثر» فصل های ۱۱ و ۱۳ و ۱۵ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ که حدود ۹۵۰ روایت را آورده است که بیش از حد تواتر است و جای کم ترین تردید باقی نمی گذارد.

نهمین نفر از نسل امام حسین علیه السلام است و ائمه دیگر هم فرموده اند که مهدی چندمین از نسل آن هاست (روایات ۱ تا ۶). با توجه به این که از زمان شهادت آن امامان و نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، قرن ها می گذرد آیا معقول است که نسل نهم و ششم و... از آنها متولد نشده باشد؟!

ج) گواهی افراد بسیاری از اصحاب امام حسن عسکری و امام هادی علیهما السلام به ولادت آن حضرت و مشاهده او، مانند گواهی جناب حکیمه خاتون عمه امام عسکری علیه السلام (روایت ۱۱) و ابی غانم خادم امام عسکری علیه السلام (روایت ۱۲) و نسیم و ماریه از کنیزان امام و دیگران که مرحوم صدوق رحمه الله در کتاب خود کمال الدین و تمام النعمه بعضی از آنها را نام برده و داستان تشرف آنها را بیان کرده است. (۱)

د) تشرف بسیاری از یاران امام عسکری علیه السلام و یا خواص شیعه به خدمت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در حیات امام حسن عسکری علیه السلام و در طول غیبت صغری، اینان افرادی موثق و مورد اعتماد همه شیعیان بوده اند مانند عثمان به سعید عمروی و محمد بن عثمان عمروی که نائب اول و دوم امام در غیبت صغری بوده اند و نیز احمد بن اسحاق که وکیل امام عسکری علیه السلام در قم بوده است. (۲)

۱- ر.ک: به کمال الدین، ج ۲، باب ۴۲، ص ۱۴۳ - ۱۶۱؛ نیز ر.ک: به منتخب الاثر، باب ۴، فصل های ۱ - ۴، احادیث ۷۸۶ - ۸۲۰.

۲- و نیز بزرگانی مانند حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد سمري نائب سوم و چهارم امام در غیبت صغری و سعد بن عبدالله قمی اشعری و علی بن بابویه قمی پدر صدوق و بزرگانی دیگر که نام آنها در کتاب های معتبر شیعه مانند کافی و کمال الدین و الغیبه (شیخ طوسی) آمده و جریان ملاقات آنها با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان گردیده است. آیه الله صافی گلپایگانی اسامی ۶۷ نفر از ملاقات کنندگان حضرت را از کتاب کمال الدین صدوق نقل کرده است. (ر.ک: به منتخب الاثر، ج ۲، ص ۴۷۷ - ۴۸۳)

۲. نقل پیوسته و پی در پی از علمای شیعه:

در طول مدت طولانی دوازده قرن که از ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می گذرد صدها فقیه و متکلم و محدث و فیلسوف در عالم تشیع ظهور کرده و صدها کتاب از خود به جای گذاشته اند و همگی به اتفاق بر ولادت آن حضرت با ذکر زمان و مکان ولادت تصریح کرده اند. آیا با وجود چنین اتفاق نظری در ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هیچ تردیدی باقی می ماند؟!

۳. اعتراف بسیاری از علمای اهل سنت:

بسیاری از علمای اهل سنت و از جمله مورّخان و نسب شناسان آنها به ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اعتراف کرده اند و حتی بعضی از آنها تاریخ و محل ولادت آن حضرت را مطابق نقل شیعه بیان کرده اند. (۱)

۱- در کتاب منتخب الاثر نام ۶۸ نفر از ایشان به همراه نام کتاب آنها و بعضی از عبارات آنها ذکر شده است. برخی از آنها عبارتند از: ابن حجر هیثمی (م ۹۷۴)، ابن صباغ مالکی (م ۸۵۵)، عبدالرحمن جامی، محمد بن یوسف گنجی (م ۶۵۸)، فضل بن روزبهان، محیی الدین ابن العربی (م ۶۳۸)، سعدالدین الحموی، عبدالوهاب الشعرانی (م ۹۷۳)، جلال الدین محمد الرومی المعروف بالمولوی (م ۶۷۲)، المحدث الکبیر ابراهیم الجوینی (م ۷۳۰)، ابن خلکان در وفیات الدعیان، السید مؤمن الشبلنجی در نورالابصار. به سه نمونه از عبارات آنها توجه کنید: ابن حجر هیثمی در «الصواعق المحرقة» در باب بیان حالات امام عسکری علیه السلام آورده: او غیر از پسرش ابوالقاسم محمد الحجه فرزند دیگری به جا نگذاشت و این پسر در هنگام وفات پدرش پنج ساله بود ولی خداوند در همان کودکی به او حکمت عطا فرمود. و حافظ محمد بن یوسف گنجی (م ۶۵۸) در کتابش «کفایه الطالب فی مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب» پس از بیان ائمه معصومین علیه السلام گفته: ابامحمد الحسن فرزند امام هادی علیه السلام روز جمعه هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری وفات کرد در حالی که ۲۸ سال داشت و در خانه اش و در همان اتاقی که پدرش [امام هادی علیه السلام] دفن شده بود به خاک سپرده شد و پس از خود پسرش را گذاشت که همان امام منتظر صلوات الله علیه است و ما کتاب خود را به بیان حال او پایان خواهیم داد. و نیز در باب ۲۵ کتاب «البیان فی اخبار صاحب الزمان» آورده: در این که مهدی از زمان غیبتش تا الان باقی باشد هیچ منعی نیست به دلیل این که عیسی علیه السلام و الیاس علیه السلام و خضر علیه السلام که از اولیاء الهی اند تاکنون باقی هستند. و شیخ محی الدین معروف به ابن عربی اندلسی (م ۶۳۸) در کتاب فتوحات آورده: و بدانید که خروج مهدی علیه السلام حتماً رخ خواهد داد... و اگر از عمر دنیا نمانده باشد جز یک روز، خداوند آن را طولانی خواهد ساخت تا آن خلیفه به حکومت رسد و او از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و از فرزندان فاطمه علیها السلام است. جدش حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام و پدرش حسن عسکری علیه السلام فرزند امام علی النقی علیه السلام فرزند محمدتقی فرزند امام علی الرضا علیه السلام فرزند امام موسی کاظم علیه السلام فرزند امام جعفر صادق علیه السلام فرزند امام محمدباقر علیه السلام فرزند امام زین العابدین علیه السلام فرزند امام حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام است. برای ملاحظه بقیه اسامی و عبارات به منتخب الاثر، ج ۲، ص ۳۶۹ -

۳۹۳ باب ۴، فصل اوّل، مراجعه کنید.

راز پنهانی ولادت مهدی

گاهی گفته می شود که پنهانی بودن ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امری خلاف عرف و عادت است و چگونه ممکن است ولادت چنین شخصیتی بر مردم مخفی بماند؟! در پاسخ می گوئیم:

اولاً «ولادت» امری است که به طور طبیعی، مخفیانه و پنهانی رخ

می دهد و این گونه نیست که افراد به صورت آشکار و علنی، از مادران خود متولد شوند! به ویژه در جوامع اسلامی که حیا و عفت و پرده پوشی بانوان، بسیار مهم است؛ بنابراین امر ولادت تنها برای یک یا چند بانویی که عهده دار امر ولادت هستند قابل مشاهده است، و بقیه مردم تنها از راه اعتراف پدر و یا گواهی قابل و مانند آن از نسبت فرزندی افراد با والدینشان مطلع می شوند. (روایت ۷_۱۵)

ثانیاً شرایط بد سیاسی حاکم بر زمان ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سبب

شد که ولادت آن حضرت، پنهانی رخ دهد و گرنه آن بزرگوار کشته می شد چون خلفای بنی عباس تصمیم به قتل فرزند امام عسکری علیه السلام داشتند تا مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به وجود نیاید و کاخ ظلم آنها را ویران نکند. (روایت ۱۵)

ثالثاً آنها که از ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آگاه شده اند از دو دسته بیرون نیستند: یا از خواص شیعه و پیروان امام بوده اند که به دلیل ترس بر جان امام، ولادت آن حضرت را نقل نمی کردند و یا از غالب مردم بوده اند که هماهنگ با خلفای بنی عباس بوده اند و نه تنها انگیزه ای برای نقل ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نداشتند بلکه تمایل به پنهان کردن و نقل نکردن این جریان مهم و سرنوشت ساز داشتند. آیا در چنین محیطی می توان انتظار داشت که خبر ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به یک امر علنی و آشکار و مشهور و معروف، تبدیل گردد؟!

رابعاً مسئله پنهانی ولادت آن حضرت امری به تدبیر الهی بوده است

و مطابق روایات در ادامه سنتی است که در برخی از انبیاء پیشین مانند موسی علیه السلام و ابراهیم علیه السلام رخ داده است. (روایت ۱۶) و فراتر از آن چه گفتیم حکمت هایی در آن نهفته است.

همان گونه که امر غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در ادامه سنتی است که در بسیاری از پیامبران الهی جریان داشته است. توجه به این نکته لازم است که بر اساس روایات شیعه و سنی، سنت هایی که پیش از اسلام بوده است در امت اسلامی نیز مشاهده خواهد شد. در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که خطاب به مسلمین فرمودند:

... به یقین شما از سنت های امت های گذشته در جهات مختلف پیروی خواهید کرد. (۱)

و نیز صدوق روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود، هر آن چه در امت ها

۱- این روایت را حاکم در المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۳۷ آورده و با اندکی تفاوت در صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۴۴ و نیز شرح ابن ابی الحدید بر نهج البلاغه، ج ۹، ص ۲۸۶ آمده است. نیز در روایتی طولانی، ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که مردی یهودی به نام «نعثل» سؤالات متعددی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کرد و سپس از وصی ایشان پرسید و گفت: پیامبر ما موسی علیه السلام، یوشع بن نون را وصی خود قرار داد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: وصی من علی بن ابی طالب علیه السلام است. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از او پرسید، آیا اسباط (اوصیای موسی علیه السلام) را می شناسی؟ گفت: آری، آنان ۱۲ نفرند که اولین آنها «لاوی بن برخیا» بود و مدتی طولانی از بنی اسرائیل غایب بود و سپس ظاهر شد و خدا توسط او شریعت موسی را پس از کهنه شدن، تجدید حیات نمود... آن گاه حضرت فرمود: آن چه در بنی اسرائیل اتفاق افتاده در امت من نیز اتفاق خواهد افتاد... دوازدهمین فرزند من غایب می شود و دیده نخواهد شد... (فرائد المسطین، ج ۲، ص ۱۳۳، ح ۴۳۱؛ ینابیع الموده، ج ۳، ص ۲۸۳)

گذشته بوده است در این امت نیز همانند آنها خواهد بود... (۱)

بنابر این پنهان بودن ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نه تنها امری بی سابقه و برخلاف عرف و عادت نیست بلکه در میان عموم مردم با انگیزه های مختلف رخ داده و می دهد مثلاً گاهی انسان از کنیز خود یا همسر دوم خود صاحب فرزند می شود و او را از همسر اول خود پنهان می کند و بلکه این امر را از هر کسی که بیم فاش کردن آن خبر را از او دارد پنهان نگه می دارد تا زندگی اش تباه نگردد و این فرزند هم چنان رشد می کند و حال آن که هیچ یک از خانواده شخص و عموزادگان و برادران و دوستانش او را نمی شناسند و این پنهان کاری تا زمانی که ترس پدر از خبردار شدن دیگران از بین برود، ادامه می یابد و گاهی این امر را تا زمان مرگش پنهان می کند و موقع مرگ او را به دیگران می شناساند تا نسب فرزندش مجهول نماند و حقوقش به او برسد. و گاهی پادشاهی دارای فرزندی می شود و تا آن هنگام که رشد کرده و به صورت نوجوانی درآید آن را پنهان می کند و این امر را درباره گروهی از پادشاهان روم و هند و ایران نقل کرده اند از جمله مورخان نوشته اند که «وسفا فرید» دختر افراسیاب پادشاه ترک برای همسرش سیاوش که پسر کیکاووس پادشاه ایران بود، پسری به دنیا آورد به نام کیخسرو ولی این مادر بارداری و ولادت این فرزند را از همگان و به خصوص از کیکاووس _ جد او و پادشاه بزرگ _ پنهان نگه داشت و این خبر در میان مورخین، مشهور

است و علت پنهان نگه داشتن او معروف است و طبری آن را در کتاب تاریخ خود نقل کرده است. (۱)

خلاصه، پنهان نگه داشتن ولادت فرزند با انگیزه های گوناگونی رخ داده و می دهد پس چگونه است که مخالفین امامیه، اعتقاد شیعه را به پنهان نگه داشتن ولادت مهدی علیه السلام توسط پدر بزرگوارش، انکار می کنند؟ در حالی که انگیزه های آن بسیار روشن تر و اطمینان به درستی وجود فرزندی برای امام عسکری علیه السلام بسیار بیش تر است زیرا که گروهی از مؤمنان و اهل فضل و دانش و زهد و عبادت از آن حضرت نقل کرده اند که ایشان به وجود فرزندش مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اعتراف کرده و به آنها اطلاع داده و به امامت او تصریح کرده و ایشان او را در کودکی و جوانی مشاهده کرده اند، چنان که روایات آن گذشت.

شبهات بی اساس درباره ولادت و پاسخ آنها

مخالفین امامت برای انکار ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شبهات بی پایه و اساسی را مطرح کرده اند که در برابر آن همه دلیل روشن بر ولادت، هیچ ارزشی ندارد. بعضی از مهم ترین آنها عبارتند از:

۱. گفته اند که جعفر برادر امام عسکری علیه السلام و فرزند امام هادی علیه السلام منکر ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده و این انکار دلیلی بر رد ادعای شیعیان

۱- ترجمه رسالات المسائل العشره فی الغیبه اثر شیخ مفید رحمه الله، ص ۵۵ _ ۵۷؛ به نقل از تاریخ الامم و الملوک، ج ۱، ص ۵۰۴ _ ۵۰۹.

مبنی بر ولادت فرزندی برای امام عسکری علیه السلام است!

پاسخ این است که او یکی از افراد بشر بوده که به گمراهی افتاده و ادعای باطل کرده است زیرا که هیچ کس درباره او ادعای عصمت نکرده است. مگر نه این است که به قول قرآن پسر نوح علیه السلام کافر شد و راهش را از نبوت جدا کرد و گرنه این که برادران یوسف که همگی پیامبرزاده بودند درباره برادرشان به خطا رفته او را به چاه انداختند؟

و نیز اگر قرار باشد انکار جعفر، سبب ردّ ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد پس باید انکار ابولهب و سایر خویشان پیامبر هم سبب بطلان ادعای نبوت از سوی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم باشد! و انکار ابوقحافه نسبت به خلافت پسرش ابوبکر، سبب بطلان خلافت او! (۱)

و البته مخفی نیست که جعفر، انگیزه های روشنی برای انکار ولادت فرزند برادر داشت از جمله تصاحب میراث ارزش مند برادرش امام عسکری علیه السلام و ادعای جانشینی نسبت به او و حرص جعفر برای دست یابی به اموالی که شیعیان به وکیلان امام عسکری علیه السلام پرداخت می کردند و پس از وفات امام نیز ادامه داشت.

۱- در کتاب احتجاج مرحوم طبرسی رحمه الله آمده است که وقتی ابوبکر جریان خلافت خود را به پدرش ابوقحافه خبر داد، ابوقحافه که آن زمان در مدینه نبود با فرستادن نامه ای، ابوبکر را از این امر بر حذر داشت و خواستار کناره گیری او شد و او را لایق چنین مقامی ندانست! (الاحتجاج، ج ۲، ص ۸۷) آیا اهل سنت که به خلافت ابی بکر معتقدند به دلیل انکار ابوقحافه، دست از اعتقاد خود برمی دارند؟

۲. گفته اند که امام عسکری علیه السلام در بیماری خود که به وفاتش انجامید به مادرش «ام الحسن حدیث» وصیت کرد و او را سرپرست همه اوقاف و اموال خود قرار داد و نامی از فرزندش نبرد!

پاسخ این است که این کار امام عسکری علیه السلام مؤید آنست که هدف آن حضرت پنهان کردن ولادت فرزندش بود از حاکم وقت و از هر کسی که به دنبال کشتن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود؛ و اگر نامی از مهدی می برد، برخلاف تدبیر عمل کرده بود هم چنان که امام صادق علیه السلام نیز در هنگام وفات تنها به فرزندش موسی بن جعفر علیه السلام وصیت نکرد بلکه پنج نفر را وصی خود قرار داد از جمله منصور که خلیفه وقت بود و ربیع وزیر او و کنیزش حمیده بربریّه را و بدین گونه امامت او را پنهان کرده و جانش را حفظ نمود.

۳. گفته اند روزگار پدران امام عسکری علیه السلام بسیار سخت تر بود با این حال فرزندانشان را پنهان نکردند و رفتار امام عسکری علیه السلام متناقض با آنها بوده است!

پاسخ این است که شرایط زمان امام عسکری علیه السلام متفاوت با پدران بزرگوارش بود. خلفای زمان امامان قبل می دانستند که ایشان به تقیه اعتقاد دارند و براساس آن عمل می کنند و در برابر خلفا قیام نخواهند کرد تا شرایط آن فراهم شود ولی وقتی زمان وجود کسی که انجام قیام علیه ظلم از او انتظار می رفت فرا رسید به جست و جوی او پرداختند تا خونش را بریزند. به علاوه هر یک از پدران او وقتی کشته می شدند،

براساس حکمت الهی امام دیگری به جای او قرار می گرفت ولی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین امام و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که اگر کشته شود جانشینی برای او در زمین نخواهد بود.

۴. گفته اند عمر طولانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برخلاف طبیعت انسان هاست و این دلیلی است بر بطلان اعتقاد شیعه به وجود مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف!

پاسخ این است که وقتی با ادله روشن و محکم ولادت مهدی علیه السلام

به اثبات رسید با بعید شمردن عمر طولانی او نمی توان به انکار ولادت او پرداخت به ویژه آن که عمر طولانی، در تاریخ بشر سابقه دارد و قرآن

و روایات و تاریخ به آن گواهی داده است. (۱) آیا جناب خضر علیه السلام

که به اجماع همه مسلمین زنده است به خاطر عمر طولانیش مورد انکار قرار می گیرد؟

۵. گفته اند با وجود جست و جوی فراوان از او به ویژه از سوی دولت عباسی، هیچ اثری از فرزند امام عسکری علیه السلام یافت نشد و این دلیل بر ردّ ادعای شیعه مبنی بر وجود پسری برای امام عسکری علیه السلام است!

پاسخ این است که آری نهایت چیزی که ادعا کرده اند همین است که امام عسکری علیه السلام از دنیا رفت و فرزندی برای او شناخته نشد یا از فرزند او جست و جو کردند ولی نیافتند! و معلوم است که نیافتن، دلیل بر نبودن نیست (۲) به ویژه آن جا که انگیزه روشنی بر پنهان کردن آن امر

۱- در بخش طول عمر، به تفصیل این بحث پرداخته ایم به آن جا رجوع شود.

۲- به قول مثل معروف که: عدم الوجدان لا یدلّ علی عدم الوجود، یعنی نیافتن دلیل بر نبودن نیست و هیچ یک از مخالفین ما نتوانسته اند و نمی توانند دلیلی بر عدم وجود مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ارائه کنند و تنها مدعی هستند که «نیافتیم و ندیدیم» و این در حالی است که شیعه ادله فراوان و متواتر بر ولادت و وجود آن حضرت ارائه کرده است.

باشد مثل ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که به گواهی تاریخ و نیز روایات، امام عسکری علیه السلام بر مخفی نگه داشتن آن مصمّم بوده است.

۶. گفته اند درباره تاریخ ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نیز نام مادر آن حضرت، اختلاف است و هر کسی چیزی گفته است و این دلیلی است بر این که چنین مولودی وجود ندارد و ادعای شیعه باطل است!

پاسخ این است که مشهور در ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که آن حضرت در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری متولد شده اند و بعضی ۲۵۶ و بعضی ۲۵۸ گفته اند ولی اکثر شیعه و اهل سنت همان نظر اول را گفته اند و این مقدار اختلاف در امری که انگیزه جدی بر مخفی نگه داشتن آن بوده امری کاملاً طبیعی است و این در حالی است که در موارد بسیار مهمی مثل ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که برای مسلمین اهمیت بسیاری داشته و انگیزه فراوانی برای ثبت و ضبط آن بوده اختلاف رخ داده است! و بلکه در موارد فراوانی از رخ دادهای تاریخ اسلام اختلاف در زمان یا مکان یا شرایط و کیفیت آن رویداد پیش آمده است ولی هیچ کس مدعی نشده است که به سبب این اختلاف ها اصل رویداد مورد تردید و یا انکار قرار می گیرد! ضمناً دلیل نام های متعدد برای مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آنست که ایشان، کنیز بوده اند و رسم بر این بوده که کنیزان نام های متعدّد داشته اند.

نتیجه گیری

از مجموع مباحثی که مطرح شد استفاده می شود که ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند امام عسکری علیه السلام با توجه به روایات صحیح و متواتر قطعاً و یقیناً رخ داده و آن حضرت هم اکنون زنده بوده و منصب امامت را به عهده دارند و هیچ یک از شبهات، دلیلی حتی کوچک و ضعیف بر رد ادعای ولادت آن حضرت نیست.

فصل دوم: غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

یکی از فرازهای مهم زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف غیبت آن حضرت است. غیبت به معنی نهان زیستی است که خداوند متعال براساس حکمت خود آن را اراده کرده است بنابراین امام دوازدهم مدتی طولانی از عمر خود را پنهانی زندگی می کند تا آن گاه که شرائط ظهورش فراهم گردیده، ظاهر گردد. «غیبت» از همان سال های نخستین ولادت امام آغاز گردید و تاکنون ادامه یافته است و تنها خداوند می داند که چه زمانی پایان خواهد یافت. در روایات فراوان مسئله غیبت و چگونگی و علت و فوائد آن بیان گردیده است که چند نمونه آن را می آوریم:

۱. امام باقر علیه السلام فرمود:

در قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف شباهتی به یوسف پیامبر علیه السلام هست. [راوی گوید: گفتیم: آن شباهت چیست؟ فرمود: سرگردانی و غیبت. (۱)]

۱- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «قَالَ فِي الْقَائِمِ شَبَهُ مِنْ يُوسُفَ قُلْتُ وَ مَا هُوَ قَالَ الْحَيْرَةُ وَالْغَيْبَةُ. تَوْضِيح: شاید مراد از حیرت و سرگردانی حالتی است که در شیعه پیدا می شود و نسبت به امام غائب حیران و سرگردان می شوند.» (الغیبه، الطوسی، ص ۱۶۳، ح ۱۲۵؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۰۱، ب ۳۲، ح ۲۸۴)

۲. سید بن محمد حمیری گوید به امام صادق علیه السلام گفتیم:

ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از پدران شما که درود خدا بر ایشان باد روایاتی درباره غیبت و درستی و راستی وقوع آن برای ما نقل شده است به من خبر دهید که این غیبت درباره چه کسی خواهد بود؟

فرمود: به راستی که غیبت درباره ششمین نفر از فرزندان من خواهد بود و او دوازدهمین نفر از امامان هدایت پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. اولین نفر از آن ائمه علیهم السلام، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است و آخرین آنها قائم به حق است، آخرین حجت خدا در زمین و صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به خدا قسم اگر او در غیبت بماند آن قدر که نوح علیه السلام در میان قومش زیست، از دنیا بیرون نخواهد رفت مگر این که ظاهر شود و زمین را از عدالت و قسط پر کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. (۱)

۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

برای قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف دو غیبت خواهد بود. در یکی از آنها در مراسم

۱- عَنْ السَّيِّدِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَمِيرِيِّ: فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ يَقُولُ فِيهِ قُلْتُ لِلصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ رُوِيَ لَنَا أَخْبَارٌ عَنْ آبَائِكَ فِي الْغَيْبَةِ وَصَحَّحَهُ كَوْنُهَا فَأَخْبِرْنِي بِمَنْ تَقَعُ فَقَالَ إِنَّ الْغَيْبَةَ سَتَقَعُ بِالسَّادِسِ مِنْ وُلْدِي وَهُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنَ الْأَئِمَّةِ الْهُدَاهِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَوْلَاهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَصَاحِبُ الزَّمَانِ وَ لَوْ بَقِيَ فِي غَيْبَتِهِ مَا بَقِيَ نُوحٌ فِي قَوْمِهِ لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَظْهَرَ فَيَخْرُجَ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا». (كمال الدين، ج ۲، ص ۳۴۲، ب ۳۳، ح ۲۳)

حج، حضور می یابد مردم را می بیند ولی مردم او را نمی بینند. (۱)

۴. امام سجاد علیه السلام درباره آیه «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (۲) فرمود:

این آیه درباره ما نازل شده است و خداوند امامت را در نسل حسین علیه السلام قرار داد تا روز قیامت و برای قیام کننده ما [اهل بیت علیهم السلام] دو غیبت خواهد بود و یکی از آنها بلندتر از دیگری خواهد بود. پس بر امامت او ثابت قدم نخواهد ماند مگر آن کس که یقین او قوی و معرفت و شناخت او درست باشد. (۳)

۵. امام صادق علیه السلام فرمود:

برای صاحب این امر غیبتی است که در آن غیبت، شخص دیندار مانند کسی است که دست خود را بر شاخه درخت خاردار بکشد _ سپس فرمود این گونه (و با دست خود نشان داد) _ پس کدام یک از شما شاخه درخت خاردار را با دست خود می گیرد؟! سپس اندکی سر به زیر افکند و بعد فرمود: همانا برای صاحب این امر غیبتی خواهد بود پس بنده باید نسبت به خدا

۱- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ يَشْهَدُ فِي إِخِيَادَهُمَا الْمَوَاسِمَ يَرَى النَّاسَ وَ لَا يَرَوْنَهُ. (کافی، ج ۱، ص ۳۳۹، ب ۳۸، ح ۱۲)

۲- یعنی خداوند آن کلمه را کلمه پایدار و ماندگار در فرزندان و نسل ابراهیم علیه السلام قرار داد. (سوره زخرف، آیه ۲۸)

۳- عن علي بن الحسين عليه السلام عن ابيه عن جدّه علي بن ابيطالب عليه السلام في قوله تعالى: (وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ) (سوره زخرف، آیه ۲۸) قال: فينا نزلت هذه الآية و جعل الله الامامه في عقب الحسين عليه السلام الى يوم القيامة و ان للقائم منا غيبتين احدهما اطول من الاخرى فلا يثبت على امامته الا من قوى يقينه و صحّت معرفته. (بناييع الموده، ص ۴۲۷، ب ۷۱؛ المحججه في ما نزل في القائم الحجه، ص ۲۰۰)

تقوا پیشه کند و دین خود را نگه دارد. (۱)

نکته هایی از روایات

سابقه غیبت

۱. غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دو جهت دارای سابقه ای طولانی است: یکی این که این مسئله سال ها پیش از تولد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کلمات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام بیان گردیده است و آن بزرگواران علاوه بر پیش گویی نسبت به اصل غیبت، از چگونگی غیبت و وضع مردم و فتنه ها در آن زمان و نیز کوتاهی و بلندی غیبت خبر داده اند. دیگر این که غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جریانی است الهی که در ادامه سنتی است که در زندگی پیامبران خدا علیهم السلام وجود داشته است و این امر، تحمّل غیبت را بر شیعیان آن حضرت، آسان تر می کند. (حدیث ۱)

۲. این که پیش گویی معصومین علیهم السلام از غیبت امام دوازدهم، به همان گونه که فرموده بودند واقع شده، خود دلیلی بر حقیقت شیعه و حق بودن امر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و غیبت اوست. به ویژه آن که روایات مربوط به غیبت پیش از تولد آن حضرت در مجموعه های حدیثی اصحاب ائمه علیهم السلام تدوین شده بوده است. کتاب شریف «کافی» پیش از غیبت کبری نوشته شده اما روایات مربوط به غیبت صغری و کبری در آن

۱- عن ابی عبدالله علیه السلام : «إِنَّ لِيَّ أَحِبَّ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَهُ الْمُتَمَسِّكُ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْخَارِطِ لِلْقَتَادِ ثُمَّ قَالَ هَكَذَا بِيَدِهِ فَأَيُّكُمْ يُمَسِّكُ شَوْكَ الْقَتَادِ بِيَدِهِ ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا ثُمَّ قَالَ إِنْ لِيَّ أَحِبَّ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَهُ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَ لِيَتَمَسَّكُ بِدِينِهِ». (كافی، ج ۱، ص ۳۷۶،

چگونگی غیبت

۳. مطابق روایات، غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به معنی ناپیدایی اوست نه عدم حضور او! بنابراین آن حضرت، با وجود این که غائب است در اجتماعات مسلمین مانند مراسم حج حضور می یابد و مردم را می بیند و از حال آنها آگاه است و این اعتقاد سبب ایجاد دلگرمی در شیعیان و حسّ ارتباط نزدیک و روحانی با آن حضرت گردیده است. (حدیث ۳)

۴. در روایت اول، سخن از غیبت یوسف پیامبر علیه السلام مطرح شده است که غیبت آن حضرت، به معنی ناشناس بودن ایشان بوده زیرا که برادران یوسف در سفری که به مصر داشتند با آن حضرت معامله و تجارت کردند ولی او را نشناختند تا آن گاه که خود را معرفی کرد و در برخی از روایات آمده است که غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز همین گونه است که مردم او را می بینند ولی نمی شناسند تا آن گاه که زمان ظهور او فرا رسد و خود را معرفی کند. (۱)

۵. مطابق روایات و نیز تاریخ، غیبت امام در دو بخش صغری و

۱- ر.ک: منتخب الاثر، ج ۲، فصل ۲۸، ح ۶۱۱، ص ۲۴۴. (بنابراین غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات به دو معنی آمده است: ناپیدا بودن و ناشناس بودن؛ و ممکن است در شرایط گوناگون به هر دو شکل واقع شود. این نکته نیز گفتنی است که ناشناخته ماندن حضرت برای بینندگان او امری طبیعی است زیرا تنها افراد معدودی که معاصر امام عسکری علیه السلام بودند و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را مشاهده کرده بودند از شمایل آن بزرگوار خبر داشتند و نسل های بعد چنین نبودند)

کبری واقع شده است. تفاوت این دو آن است که در غیبت کوتاه مدت، چهار نایب از سوی امام وبا تصریح به نام آنها، تعیین شده بودند و واسطه بین امام و امت بودند و این دوره در واقع مقدمه ای برای ورود به غیبت طولانی بود که در این دوره عالمان و فقیهان باتقوا، سمت نیابت را به عهده دارند و اینان با بیان اوصاف و بدون ذکر نام معرفتی شده اند و مردم موظفند به ایشان مراجعه کرده و از آنها پیروی کنند.

وظیفه ما در غیبت

۶. امامان معصوم علیهم السلام نسبت به خطر انحراف در زمان غیبت، هشدار داده و خبر داده اند که بعضی از مردم به خاطر طولانی شدن غیبت گمراه خواهند شد (حدیث ۴) بنابراین از مهم ترین وظایف ما در دوره غیبت حفظ دین و مرزهای اعتقادی و عمل براساس تقوا و پرهیزکاری است. (حدیث ۵)

۷. دوره غیبت دوره سختی است و دین داری در آن کاری بس مشکل! (حدیث ۵) ولی امامان ما راه حفظ دین و تقوای عملی را هم بیان کرده اند که همانا معرفت و شناخت نسبت به امام و حجت خداست (حدیث ۴) پس وظیفه داریم که معرفت خود را نسبت به امام خویش تقویت کنیم. (حدیث ۴)

غیبت و ظهور

۸. در کلمات معصومین، خبر از غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیوسته با نوید

ظهور او همراه شده است تا نور امید همیشه در دل های شیعیان روشن باشد. (حدیث ۲)

۹. در میان پیامبران علیهم السلام ، حضرت نوح علیه السلام سمبل عمر طولانی است که به تصریح قرآن ۹۵۰ سال دوره پیامبری او بوده است. مقایسه غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عمر نوح علیه السلام در کلام امام صادق علیه السلام حکایت از طولانی شدن غیبت دارد ولی به هر حال، شام غیبت به صبح ظهور خواهد رسید. (حدیث ۲)

۱۰. همان گونه که روزگار غیبت، روزگار ظلم و ستم و بی عدالتی است که جهان را فرا خواهد گرفت، دوره ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دوران عدالت جهانی و پر شدن زمین از خوبی هاست. این چشم انداز، سبب اشتیاق و آمادگی برای ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (حدیث ۲)

فصل سوم: علّت غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

غیبت یکی از پدیده های عالم است که به تدبیر الهی رخ داده است و روشن است که هیچ کار خرد و کلانی نیست مگر این که خداوند آن را براساس حکمت و علّتی انجام می دهد. آدمی پیوسته به دنبال کشف علّت ها و فهمیدن اسرار مخلوقات و احکام الهی است و به همین دلیل از علّت غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز سؤال می کند. این سؤال را هم می توان با تحلیلی عقلی و یا بررسی تاریخی حیات امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و پدران بزرگوارش پاسخ داد و هم از نظر روایی به آن نگاه کرد. در روایات متعدّد از علّت غیبت سؤال شده است که برخی از آنها را می آوریم و به اختصار توضیح می دهیم:

روایات

۱. عبدالله بن فضل هاشمی گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که

فرمود:

صاحب این امر را غیبتی است که ناگزیر اتفاق می افتد، هر اهل باطلی در آن به شک می افتد! گفتیم: فدایت شوم! غیبت او برای چیست؟ فرمود: به خاطر امری است که اجازه نداریم آن را برای شما بیان کنیم! گفتیم: حکمت غیبت او چیست؟ فرمود: حکمت در غیبت او همان حکمتی است که در غیبت حجّت های پیش از او بوده است. همانا چگونگی حکمت در آن، کشف نخواهد شد مگر پس از ظهور [آن حضرت]، چنان که کارهای خضر علیه السلام که کشتی را سوراخ کرد و غلام را کشت و دیوار شکسته را بپا داشت، حکمتش معلوم نگردید مگر در زمان جدایی موسی و خضر علیه السلام. ای پسر فضل! این امر (غیبت) امری از امور خدا و سرّی از اسرار او و غیبی از غیب های اوست و چون دانستیم که خدای بزرگ، حکیم است تصدیق می کنیم که همه کارهایش براساس حکمت است اگرچه علّت و حکمت آن بر ما آشکار نباشد! (۱)

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

۱- عن عبدالله بن الفضل الهاشمی قال سمعت الصادق جعفر بن محمد عليهم السلام يقول: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً لَا بُدَّ مِنْهَا يَزْتَابُ فِيهَا كُلُّ مُبْطِلٍ فَقُلْتُ وَ لِمَ جُعِلَتْ فِدَاكَ قَالَ لِأَمْرِ لَمْ يُؤْذَنْ لَنَا فِي كَشْفِهِ لَكُمْ قُلْتُ فَمَا وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ قَالَ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَاتِ مَنْ تَقَدَّمَ مِنْ حُجَجِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ إِنَّ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ لَمَا يَنْكَشِفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ كَمَا لَمْ يَنْكَشِفْ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِيْمَا أَتَاهُ الْخَضِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ خَزَقِ السَّفِينَةِ وَ قَتْلِ الْغُلَامِ وَ إِقَامَةِ الْجِدَارِ لِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى وَقْتِ افْتِرَاقِهِمَا يَا ابْنَ الْفَضْلِ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَ غَيْبٌ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ وَ مَتَى عَلِمْنَا أَنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَكِيمٌ صَدَقْنَا بِأَنَّ أَعْمَالَهُ كُلَّهَا حِكْمَةٌ وَ إِنْ كَانَ وَجْهَهَا غَيْرَ مُنْكَشِفٍ». (كمال الدين، ج ۲، ص ۴۸۳؛ الغيبة، ص ۲۹۰)

برای قائم ما غیبتی است که به طول می انجامد. [راوی گوید:] گفتم: ای پسر رسول خدا، غیبت او برای چیست؟ فرمود: خداوند عزوجل می خواهد درباره او سنت های پیامبران را در غیبت هایشان جاری سازد. ای سدید، گریزی نیست جز این که مدّت غیبت های انبیا به سر آید. خداوند عزوجل فرموده است: «همانا شما از حالی به حال دیگر منتقل می شوید» یعنی سنت های پیشینان درباره شما هم جاری است. (۱)

۳. امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

حتماً آن کودک [= امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] غیبت خواهد کرد! گفته شد: ای رسول خدا علت غیبت او چیست؟ فرمود: از کشته شدن می ترسد. (۲)

۴. امام رضا علیه السلام فرمود:

گویا شیعیانم را می بینم که هنگام مرگ سومین فرزندم [= امام عسکری علیه السلام] در جست و جوی امام خود، همه جا را می گردند اما او را نمی یابند. [راوی گوید:] گفتم: چرا ای پسر رسول خدا؟! فرمود: برای این که امامشان غائب می شود. گفتم: چرا غائب می شود؟ فرمود: برای این که وقتی با شمشیر قیام کرد، بیعت

۱- عن حنان بن سدید عن ابیه عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «إِنَّ لِلْقَائِمِ مَنَّا غَيْبَةً يَطُولُ أَمْدُهَا فَقُلْتُ لَهُ وَ لِمَ ذَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سلم؟ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَبَى إِلَّا أَنْ يُجْرَى فِيهِ سَيِّئَاتُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فِي غَيْبَاتِهِمْ وَ أَنَّهُ لَا بُدَّ لَهُ يَا سَيِّدِي مِنْ اسْتِيفَاءِ مِدَدِ غَيْبَاتِهِمْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: (لَتَرْكَبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ) (سوره انشقاق، آیه ۱۹) أَيْ سَيُنْتَأَى عَلَيَّ سَيِّئَاتُ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ». (علل الشرايع، ج ۱، ح ۷، ص ۲۴۵)

۲- عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: لا بُدَّ لِلْغُلَامِ مِنْ غَيْبَةٍ فَقِيلَ لَهُ وَ لِمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ يَخَافُ الْقَتْلَ». (میزان الحکمه، ج ۱، باب امامت، ص ۱۸۲)

هیچ کس بر گردنش نباشد! (۱)

نکته‌هایی از روایات

سزای از اسرار الهی

۱. با این که سؤال کردن از علّت پدیده‌های عالم یا اسرار احکام، امری مشروع و گاهی پسندیده است ولی باید دانست که بعضی از امور جزء اسرار الهی است و مصلحت نیست که راز آن فاش شود مگر پس از گذشت زمان و طبیعی است که در چنین مواردی اصرار ورزیدن بر یافتن آن سرّ، بی فایده است. (روایت ۱)

۲. در بعضی از روایات جریان غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به کارهای خضر علیه السلام تشبیه شده است آن گاه که موسی علیه السلام با او همراه شد و از علّت کارهای او سؤال می کرد ولی خضر علیه السلام از بیان علّت کارها امتناع می کرد تا آن گاه که زمان جدایی آنها رسید و در آن هنگام پرده از اسرار اعمالش برداشت. (۲) امام صادق علیه السلام فرمود: راز غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز پس از ظهور آن حضرت آشکار خواهد شد. (روایت ۱)

۳. گرچه علّت غیبت را ندانیم ولی چون خداوند را حکیم می دانیم، یقین داریم که برای غیبت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف علّت و حکمتی بزرگ است

۱- عن علی بن الحسین بن علی بن فضال عن ابیه عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال: «كَأَنِّي بِالشَّيْءِ عِنْدَ فَقْدِهِمُ الثَّلَاثِ مِنْ وُلْدِي كَمَا النَّعَمُ يَطْلُبُونَ الْمَرْعَى فَلَمَّا يَجِدُونَهُ قُلْتُ لَهُ وَ لِمَ ذَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ لِأَنَّ إِمَامَهُمْ يَغِيبُ عَنْهُمْ فَقُلْتُ وَ لِمَ قَالَ لِئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا قَامَ بِالسَّيْفِ». (كمال الدين، ج ۲، ب ۴۴، ح ۴، ص ۲۳۲)

۲- جریان موسی و خضر علیهما السلام در آیات ۶۵ - ۸۲ سوره کهف آمده است.

همان گونه که هیچ پدیده ای در عالم بی علّت و حکمت نیست و همه چیز تحت تدبیر و ربوبیت الهی است. (روایت ۱)

۴. ایمان به حکمت پروردگار عالم سبب تسلیم در برابر خواست و اراده او می گردد و اگر چنین ایمانی نباشد هر کجا آدمی به راز و رمز پدیده ها و یا احکام دست نیابد به لغزش های اعتقادی و یا رفتاری می افتد. (روایت ۱)

۵. در بعضی از روایات، علّت هایی برای غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان گردیده است و ممکن است اینها علّت اصلی غیبت نباشد و علّت اصلی پس از ظهور آن حضرت، آشکار شود. (روایت ۱)

غیبت، سنّت الهی

۶. غیبت ولیّ خدا یک سنّت و برنامه الهی است که سابقه طولانی دارد. مطابق روایات، بسیاری از پیامبران خدا مدّتی از عمر خود را در غیبت به سر برده اند و در برخی از «روایاتِ علّت غیبت» آمده است که جریان غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف براساس همان سنّت الهی است که در گذشته درباره حجت های الهی جاری بوده است. (روایت ۲)

۷. براساس روایات اسلامی، سنّت هایی که پیش از اسلام بوده است در امت اسلامی نیز رخ خواهد داد و به ویژه در روایات بر سنّت های قوم بنی اسرائیل تکیه شده است که آن سنّت ها در امت اسلامی پدید خواهد آمد و یکی از سنّت های مهم در بنی اسرائیل، جریان غیبت حضرت موسی علیه السلام در دو نوبت کوتاه و بلند بوده و نیز

غیبت و صیّی موسی علیه السلام جناب «لاوی بن برخیا» که مدّتی طولانی از بنی اسرائیل غائب بود و پس از ظهورش، شریعت موسی علیه السلام را حیاتی دوباره بخشید. (۱)

۸. در روایات ما از پیامبرانی مانند ادریس، صالح، شعیب، الیاس، دانیال، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام نام برده شده که مدّتی از قوم خود غائب شده اند و پس از آن به سوی آنها بازگشته اند. (۲)

۹. گرچه علّت نهایی غیبت پیامبران معلوم نیست ولی بدون

شک یکی از اسرار آن امتحان و آزمایش مردم آن زمان بوده است

زیرا که به تصریح قرآن، امتحان از سنّت های الهی است که در

همه زمان ها و برای همه ملل جاری بوده است و اسلام کامل ترین ادیان است و باید آن چه در ادیان دیگر بوده است در این دین هم اجرا شود

و غیبت مهدی در ادامه همان جریان است تا مؤمن از منافق

شناخته شود.

غیبت، سپر جان امام

۱۰. طبق بعضی از روایات، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای حفظ جان خود، غائب شده اند، زیرا شواهد تاریخی به خوبی گواه است که حاکمان ظالم در پی کشتن فرزند امام عسکری علیه السلام بودند چون براساس پیش گویی های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می دانستند که جانشین دوازدهم او، دنیا را

۱- ر.ک: به فرائد السمطین، ج ۲، ص ۱۳۳. (متن روایت در بخش «ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» در پاورقی ص ۹۶ آمده است)

۲- ر.ک: به کمال الدین، ج ۱، ب ۱-۷، ص ۲۵۴-۳۱۵.

از لوٹ ظالمین پاک خواهد کرد.

۱۱. با توجه به این که طبق روایات اسلامی زمین هیچ گاه نباید بدون حجت بماند، (۱) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باید متولد می شد تا پس از شهادت حجت پیشین یعنی امام عسکری علیه السلام، حجت خدا بر زمین باشد و چون پس از او حجت دیگری نخواهد بود باید تا زمان انجام رسالت بزرگ خود زنده بماند به همین دلیل غائب شد تا جان شریفش حفظ شود.

۱۲. ترس بر جان، آن گاه که در راستای مسئولیت الهی و تحقق اهداف و رسالت های خدا باشد امری مطلوب و پسندیده است و بارها در قرآن از زبان انبیا الهی مطرح شده است:

خداوند از زبان حضرت موسی علیه السلام فرموده:

«فَفَرَزْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ»؛ (۲)

پس آن گاه که از شما ترسیدم از شما فرار کردم.

و نیز در جای دیگر از توطئه فرعونیان برای قتل موسی علیه السلام پرده برداشته و سفارش مؤمن آل فرعون را مطرح کرده که از موسی خواست تا برای حفظ جاننش از مصر خارج شود و سپس فرموده:

«فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ»؛ (۳)

پس موسی از شهر خارج شد در حالی که ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه ای.

۱- این روایات در اصول کافی، ج ۱ کتاب الحجّه آمده است.

۲- سوره شعراء، آیه ۲۱.

۳- سوره قصص، آیه ۲۱.

۱۳. خداوند قدرت بی نهایت دارد و می تواند حتّی در صورت ظهور امام، او را از هر خطر جانی حفظ کند ولی در این صورت باید نظام طبیعی عالم بر هم خورد و امور براساس معجزه و خرق عادت ها پیش رود و چون خداوند اراده کرده است که جریان امور به شکل طبیعی باشد، مسیر غیبت و نهان زیستی را برای حجّت خود قرار داده است.

آزادی از بیعت طاغوت ها

۱۴. اگر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیش از فرارسیدن زمان قیام، ظاهر باشد لازم است با طاغوت ها عهد و پیمانی ببندد و تا فراهم شدن شرایط قیام با آنها بیعت کند و تعهد کند که بر علیه آنها تعرضی نداشته باشد؛ چنان که امامان پیشین مجبور به چنین بیعتی گردیدند، ولی خداوند خواسته است که بیعت هیچ طاغوتی بر عهده مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نباشد تا در زمان مناسب بدون هیچ تعهدی نسبت به ستم کاران، قیام کند. این حقیقت نیز به عنوان یکی از علل غیبت در روایات متعدّد مطرح شده است. (روایت ۴)

۱۵. رهایی از بیعت طاغوت ها، همان علتی است که در بیان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز آمده است و ایشان تصریح فرموده که:

وقتی من قیام می کنم بیعت هیچ طاغوتی بر گردن من

نخواهد بود. (۱)

۱۶. آن چه ذکر شد بخشی از اموری بود که در روایات به عنوان علت

غیبت بیان شده است و البتّه سرّ اصلی آن پیش خداست، ولی از مجموعه این عوامل می توان به دست آورد که علت غیبت امام، عدم آمادگی جهان و انسان ها برای ظهور و دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و هرگاه زمینه های لازم برای ظهور فراهم گردد، حجاب غیبت کنار رفته و خورشید وجود او ظاهر خواهد گشت.

فصل چهارم: آثار و برکات امام غائب

اشاره

گرچه ضرورت امام و لزوم وجود او در میان امت روشن است ولی وقتی سخن از غیبت امام مطرح می شود این سؤال پیش می آید که وجود امام غائب چه لزومی دارد و آیا امامی که غائب است فائده ای بر وجود او مترتب است؟ در پاسخ باید گفت: معمولاً کسانی این سؤال را طرح می کنند که وظیفه امام را تنها رهبری اجتماعی و دینی مردم می دانند و حال آن که این امر یکی از کارهای امام است و جایگاه امام و حجت الهی به منزله قلب در کالبد انسان است و او محور عالم ممکنات است که بدون او عالم و آدمی نمی ماند. (۱)

آری، جای این سؤال هست که چگونه انسان ها می توانند از امام غائب از نظر استفاده کنند و از هدایت و دست گیری او بهره ببرند؟ این مطلب در روایات متعدد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام او توضیح داده

۱- در بخش ضرورت وجود امام به تفصیل درباره این مطلب توضیح داده شد.

شده است که برخی از آن‌ها را می‌آوریم و به اختصار به آن می‌پردازیم.

روایات

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

ما امامان مسلمین هستیم و حجت‌های خدا بر جهانیان و سروران مؤمنین و رهبران و پیشوایان آن‌ها و ما [سبب] امنیت ساکنان زمین هستیم همان گونه که ستارگان [سبب] امنیت اهل آسمان هستند و ما آنانیم که خدا به سبب ما آسمان را نگه داشته تا بر زمین فرود نیاید مگر به اذن و اراده او و به وسیله ما زمین را نگه داشته تا مبادا اهل خود را فرو برد و به سبب ما باران می‌فرستد و رحمت می‌پراکند و برکت‌های زمین را بیرون می‌آورد و اگر کسی از ما [حجت‌های الهی] بر زمین نباشد، هر آینه زمین، اهل خود را فرو می‌برد [و طومار هستی در هم پیچیده می‌گردد] سپس فرمود، و از زمانی که خداوند آدم علیه السلام را آفریده است [هیچ گاه] زمین، خالی از حجت خدا نبوده است حال یا آن حجت، آشکار و شناخته شده بوده است و یا پنهان و پوشیده! و تاقیامت همین گونه خواهد بود و اگر چنین نباشد خداوند پرستش نخواهد شد. راوی گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مردم چگونه از حجت غائب و پوشیده بهره می‌برند؟ فرمود: همان گونه که از خورشید پشت ابر، استفاده می‌کنند. (۱)

۱- عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مَهْرَانَ الْأَعْمَشِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: «نَحْنُ أَيْمَةُ الْمُسْلِمِينَ وَحُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ وَ سَيَادَةُ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَادَةُ الْعُرِّ الْمُحْجَلِينَ وَ مَوَالِي الْمُؤْمِنِينَ وَ نَحْنُ أَمِيَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمِيَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَ نَحْنُ الَّذِينَ بَنَّا يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بَنَّا يُمَسِّكُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا وَ بَنَّا يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ تُنَشِّرُ الرَّحْمَةَ وَ تَخْرُجُ بَرَكَاتُ الْأَرْضِ وَ لَوْ لَا مَا فِي الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا ثُمَّ قَالَ وَ لَمْ تَخُلُ الْأَرْضُ مِنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ حُجَجِهِ لِلَّهِ فِيهَا ظَاهِرٍ مَشْهُورٍ أَوْ غَائِبٍ مَسْتُورٍ وَ لَا تَخْلُو إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَجِهِ لِلَّهِ فِيهَا وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يُعْبِدِ اللَّهُ قَالَ سُلَيْمَانُ فَقُلْتُ لِلصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَكَيْفَ يَنْتَفِعُ النَّاسُ بِالْحُجَجِ الْغَائِبِ الْمَسْتُورِ قَالَ كَمَا يَنْتَفِعُونَ بِالشَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا السَّحَابُ». (فرائد السمطين، ج ۱، باب ۲، ح ۱۱، ص ۴۵-۴۶؛ ينابيع المودة، ص ۴۴۷)

۲. امام علی علیه السلام فرمود:

خدایا، جز این نیست که قطعاً باید حجتی از ناحیه تو بر مردم، روی زمین وجود داشته باشد که آنان را به دین تو هدایت کند و تعالیم تو [و وحی را] به آن ها بیاموزد تا حجت های تو از بین نرود و اولیاء تو پس از آن که به وسیله آن حجت ها [و برهان های محکم الهی] هدایت شدند، گرفتار گمراهی نگردند. [پس وجود حجت الهی در هر زمان ضروری است حال] یا آن حجت الهی آشکار است ولی از او اطاعت نمی شود و یا پنهان است و در انتظار [ظهور] به سر می برد ولی اگرچه شخص [= جسم] او از مردم پنهان است اما در آن حال که هدایت شده هستند علم و آداب امام غائب در دل هایشان ثابت و استوار است و [گرچه در غیبت به سر می برند ولی] به تعالیم و تادیب حجت غائب عمل می کنند. (۱)

۱- عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ فِي خُطْبِهِ لَهُ عَلَى مِثَرِ الْكُوفَةِ: «اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا بَيْدَ لِأَرْضِكَ مِنْ حُجَّهِ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ يَهْدِيهِمْ إِلَى دِينِكَ وَ يُعَلِّمُهُمْ عِلْمَكَ لِنَّا تَبْطُلُ حُجَّتُكَ وَ لَا يَضِلُّ أَتْبَاعُ أَوْلِيَائِكَ بَعِيدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ بِهِ إِمَّا ظَاهِرٍ لَيْسَ بِالْمُطَاعِ أَوْ مُكْتَبٍ مُتْرَقِّبٍ إِنْ غَابَ عَنِ النَّاسِ شَخْصُهُ فِي حَالِ هِدَايَتِهِمْ فَإِنَّ عِلْمَهُ وَ آدَابَهُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ مُثَبَّتَةٌ فَهُمْ بِهَا عَامِلُونَ». (كمال الدين، ج ۱، ب ۲۶، ح ۱۱، ص ۵۶۲؛ اثبات الهداه، ج ۶، ح ۱۱۲، ب ۳۲، ف ۲، ص ۳۶۳)

۳. امام علی علیه السلام (در مورد آینده جهان و حکومت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود:

... کسی از ما [یعنی امام مهدی علیه السلام] که آن فتنه ها را دریابد با چراغی روشنگر در آن حرکت می کند و بر همان سیره و روش نیکان [یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام] رفتار می کند تا گره ها را باز کند و بردگان و اسیران را آزاد سازد. جمعیت ها [ی گمراه و ستمگر] را پراکنده و [حق جویان] پراکنده را جمع کرده و سامان دهد [و این تلاش امام علیه السلام] در پنهانی او از مردم است [به گونه ای که] جستجوگران با تمام سعی و کوشش خود نمی توانند اثری از او بیابند. (۱)

۴. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

به راستی که ما مراقبت و نظارت بر حال شما [شیعیان] را رها نکرده ایم و هرگز شما را از یاد نبرده ایم و اگر چنین نبود هر آینه بلاهای سخت بر شما فرود می آمد و دشمنان شما را نابود می کردند. (۲)

۵. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

۱- عن علی علیه السلام: «... وَ إِنَّ مَنْ أَدْرَكَهَا مَنَّا يَسْرِي فِيهَا بِسِرَاجٍ مُنِيرٍ وَ يَحْدُو فِيهَا عَلَيَّ مِثَالَ الصَّالِحِينَ لِيَحُلَّ فِيهَا رَبُّنَا وَ تَعْتَقَ [يُعْتِقَ رِقًا وَ يَضِيدَ شَعْبًا وَ يَشْعَبَ صَدْعًا فِي سُرَّتِهِ عَنِ النَّاسِ لَا يُبْصِرُ الْقَائِفُ أَثَرَهُ وَ لَوْ تَابَعَ نَظْرَهُ». (ينابيع المؤدّه، ص ۴۳۷، نهج البلاغه، صبحی صالح، خ ۱۵۰، ص ۲۰۸)

۲- فی توقیع للامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِيَيْنَ إِتْدِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ». (احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴، ح ۷)

و اما چگونگی بهره مندی از من در دوران غیبتم بسان بهره گیری از خورشید است آن گاه که ابرها آن را از چشمان پوشانده باشد و همانا من موجب امنیت برای اهل زمینم همان طور که ستارگان سبب امنیت اهل آسمانند. (۱)

نکته هایی از روایات

ضرورت حجّت، ظاهر یا غائب

۱. از روایات استفاده می شود که وجود حجّت الهی بر زمین ضرورت دارد (۲) ولی لازم نیست حتماً ظاهر و آشکار باشد بلکه ممکن است به دلائلی غائب و پنهان باشد؛ معلوم می شود که صرف وجود او آثار فراوانی دارد و غیبت او سبب از بین رفتن همه آثار او نیست. (حدیث ۱ و ۲)

۲. از مهم ترین آثار وجود حجّت الهی بر زمین آن است که واسطه فیض خداست یعنی خداوند اراده کرده است که نظام عالم را به سبب وجود حجّت هایش، حفظ کرده و تداوم بخشد؛ بنابراین اگر زمانی، حجّت الهی بر زمین وجود نداشته باشد، هستی فرو می ریزد! (حدیث ۱)

۳. این که همه خیرات و برکات و بقاء آسمان و زمین و اهل آنها به

۱- فی تویق للامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف: «أَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ وَ إِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ». (کمال الدین، ج ۲، ب ۴۵، ح ۴، ص ۲۳۹)

۲- در بخش «ضرورت وجود امام» روایات آن بیان گردید و توضیح داده شد.

واسطه حجّت های الهی است با توحید هیچ منافاتی ندارد. در نظام فکری شیعه همه امور عالم به اراده مطلق پروردگار عالم است ولی او خود اراده کرده است که در ایجاد و حفظ هستی، واسطه هایی قرار دهد همان گونه که به تصریح قرآن، فرشتگان الهی در تدبیر عالم نقش دارند و هر کدام وسیله انجام امری از اوامر خداوند هستند. (۱)

۴. برترین مصداق حجّت های الهی، امامان معصومند که مطابق روایات فراوان وجود هریک از آنها در هر زمان مایه ثبات زمین و زمان است و امروز وجود و تداوم هستی به وجود پربرکت آخرین ایشان یعنی بقیه الله الاعظم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وابسته است، چنان که در دعای عدیله آمده است: *و بِيَمِينِهِ رِزْقُ الْوَرَى وَ بُوْجُودِهِ ثَبَّتَ الْاَرْضُ وَ السَّمَاءُ*. (۲)

خورشید پشت ابر

۵. خورشید فواید و آثار فراوان دارد که بعضی از آنها وابسته به تابش مستقیم آن است و برخی از آنها حتی در صورت پوشیده شدن در پشت ابرهاست و امام غائب به خورشید پشت ابر تشبیه شده یعنی برکات امام نیز دو دسته است برخی مربوط به زمان ظهور و آشکاری اوست و برخی دیگر حتی در زمان غیبت او وجود دارد.

۶. خورشید مرکز منظومه شمسی است و جاذبه آن نگه دارنده زمین و سایر کرات منظومه از سقوط است و حرارت و نور آن سبب حیات

۱- ر.ک: به تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۷۳ - ۷۹، تفسیر سورة نازعات، آیات ۱ تا ۵.

۲- یعنی به برکت او خلق روزی داده می شوند و به واسطه وجودش زمین و آسمان برپاست. (مفاتیح الجنان، باب اول، فصل ششم)

انسان و حیوان و گیاه است زیرا رشد و نمو موجودات زنده و تولید و تغذیه و حرکت آنها و نیز غرش امواج دریا و خروش بادهای و ریزش باران ها و سیرابی زمین های مرده و هزاران فعل و انفعالات در جهان طبیعت وابسته به خورشید و شعاع آن است، خواه ظاهر باشد و یا در پشت ابرها پنهان و پوشیده باشد. امام نیز وجودش _ حتّی در پس پرده غیبت _ ضامن بقا عالم است و نور هدایتش به اهل عالم می رسد.

امام غائب و هدایت باطنی

۷. همان گونه که خورشید علاوه بر یک سلسله اشعه مرئی که

از ترکیب آنها با هم، هفت رنگ معروف پیدا می شود، یک سلسله

اشعه نامرئی به نام اشعه فوق بنفش و اشعه مادون قرمز دارد، حجّت الهی نیز علاوه بر رهبری و هدایت ظاهری یک سلسله تربیت روحانی و معنوی نیز دارد که از راه نفوذ معنوی در دل ها و افکار انجام می دهد؛ بنابراین حتّی در غیبت او می توان از جذبه های معنوی او بهره گرفت. (حدیث ۲)

۸. مطابق سخن امام علی علیه السلام ، وجود حجّت الهی گنجینه علم و هدایت الهی است و اگر نباشد آن علم و هدایت نابود می گردد. حال اگر به دلیلی در غیبت بسر برد ولی غیبت او مانع از تابش انوار هدایت او بر دل های مؤمنان نخواهد بود. بلکه مؤمنان پیوسته براساس هدایت های حجّت الهی عمل می کنند به همین دلیل وجود حجّت الهی سبب مصونیت اولیا خدا از گم راهی است. (حدیث ۲)

امام غائب و لطف و هدایت آشکار

۹. آن چه به عنوان هدایت باطنی مطرح شد بنابر اعتقاد ما شیعیان است اما نکته مهم دیگری باقی مانده است و آن این که غیبت امام به معنی نهمان زیستی او از نظر شخصیت و منصب امامت اوست یعنی مردم او را به عنوان امام و حجت خدا نمی شناسند (۱) ولی او در جامعه بشری و در میان مردم حضوری پیوسته و مداوم دارد بنابراین غیبت او منافاتی با ارتباط افرادی از مردم با او ندارد و چه بسیار اتفاق افتاده که انسان هایی با او ملاقات کرده و از او راهنمایی گرفته اند و چه بسیار نیازمندی که از ناحیه او مدد شده اند. بنابراین غیبت او حتی با هدایت آشکار از جانب او سازگار است.

۱۰. مطابق نقل های فراوان از علما و بزرگان شیعه، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در طول دوره غیبت به سؤال برخی از عالمان پاسخ گفته اند (۲) و افراد زیادی را در امور زندگی شان راهنمایی کرده اند و حتی در سیاست های کلان جامعه اسلامی دخالت کرده اند و البته در بسیاری از موارد ناشناخته بوده است. قرآن کریم در سوره کهف جریان همراهی موسی علیه السلام با خضر علیه السلام را بیان کرده که خضر علیه السلام به عنوان ولی غائب، کارهایی را به مصلحت افرادی از جامعه انجام می دهد و در جریان این

۱- در بحث غیبت گذشت که یک مفهوم غیبت، ناشناخته بودن امام است و این نظر در میان عالمان طرف دارانی دارد مانند مرحوم سیدصدرالدین صدر، در کتاب المهدی، ص ۱۸۴.

۲- مانند جریان تشرّف مقدس اردبیلی رحمه الله _ از علمای بزرگ شیعه _ به محضر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف (ر.ک: امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۴۱۹)

کارها، هم خودِ خضر علیه السلام از دیدگان مردم _ غیر از موسی علیه السلام _ پنهان است و هم کارهای او. بنابراین غیبت حجت الهی با فعالیت او در جامعه هیچ منافاتی ندارد!

۱۱. عنایت و لطف مداوم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در طول دوره غیبت از کلمات و سخنان خود آن حضرت نیز آشکار است که دلیل بر نظارت و مراقبت دائمی آن حضرت نسبت به شیعیان است و معلوم است که بهره گیری از آن حضرت وابسته به علم و آگاهی ما نیست و چه بسیار حقایقی است که ما از آن بی خبریم! (حدیث ۴)

امام غائب و هدایت با واسطه

۱۲. این را هم اضافه کنیم که لازم نیست در هر هدایتی، امام علیه السلام، مستقیم و بی واسطه عمل کند بلکه ممکن است فرد یا افرادی را بین خود و امت قرار دهد مانند نایبان خاص آن حضرت در دوره غیبت صغری و نایبان عام او که علما و مراجع تقلید هستند در غیبت کبری. بنابراین، اینها نیز شعاع هایی از توجهات و عنایات امام غائب است که امت اسلامی در دوره غیبت از آن بهره می برند.

فصل پنجم: طول عمر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

یکی از ویژگی های زندگی امام دوازدهم، طول عمر آن حضرت است. ایشان در سال ۲۵۵ هجری قمری متولد شده است و تا الآن

که در سال ۱۴۳۵ هستیم، ۱۱۸۰ سال از حیات پربرکتش می گذرد.

این عمر طولانی برای بعضی ایجاد شبهه کرده است در حالی که

عمر طولانی نه از نظر عقل امر محالی است و نه علوم تجربی و پزشکی آن را انکار می کند و در تاریخ بشریت نیز دارای سابقه ای روشن

است. نهایت این که چنین عمری، امری خارق العاده است

اما از قدرت الهی بیرون نیست و خداوند در قرآن کریم به اموری

چون «تولد عیسی علیه السلام بدون داشتن پدر» و «سرد شدن آتش بر ابراهیم علیه السلام» و «نگه داشتن یونس علیه السلام در شکم ماهی دریا» و «بیرون آوردن ناقه صالح از کوه» تصریح فرموده است که اینها همه از مظاهر قدرت بی انتهای خداوند است آیا پس از این آیات بیّنات، عمر طولانی

برای امام زمان که آخرین ذخیره حجت های الهی است امری غیرقابل باور خواهد بود؟!!

انصاف این است که اگر کسی با دلیل قطعی به وجود امام زمان معتقد باشد و حضور او را در عالم ضروری بداند به واسطه این گونه امور به تردید نمی افتد به ویژه این که امامان معصوم علیهم السلام نیز از غیبت طولانی و نیز عمر طولانی آن حضرت، خبر داده اند و پیشاپیش به این سؤال، پاسخ فرموده اند:

۱. امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

به راستی که پسر من همان قائم پس از من است و او همان کسی است که سنت های پیامبران علیهم السلام در او جاری خواهد شد به عمر طولانی و غیبت؛ تا آن گاه که به خاطر درازی مدّت [غیبت] دل ها سخت گردد! پس بر اعتقاد به او ثابت نمی ماند مگر آن کس که خداوند در دل او ایمان را نوشته باشد و با رحمتی از سوی خود تأییدش کرده باشد. (۱)

۲. امام سجّاد علیه السلام فرمود:

در قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف سنت هایی از سنن پیامبران وجود دارد: سنتی از

پدر ما آدم علیه السلام و سنتی از نوح علیه السلام و سنتی از ابراهیم علیه السلام و سنتی

از موسی علیه السلام و سنتی از عیسی علیه السلام و سنتی از ایوب علیه السلام و سنتی

از محمّد صلی الله علیه و آله و سلم . اما سنتی که از آدم و نوح علیهما السلام دارد عبارتست از

۱- عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ ابْنِي هُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي وَ هُوَ الَّذِي يَجْرِي فِيهِ سُنَنُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِالتَّعْمِيرِ وَ الْعَيْبَةِ حَتَّى تَفْسُو قُلُوبَ لَطُولِ الْأَمَدِ وَ لَا يُثَبَّتَ عَلَيَّ الْقَوْلُ بِهِ إِلَّا مَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَ أَيْدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ».

(بحار الانوار: ج ۱، ص ۲۲۴)

۳. امام صادق علیه السلام _ در ضمن حدیثی که شباهت های امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با پیامبران را بیان می کردند _ فرمود:

و اما بنده صالح، خضر علیه السلام پس خداوند تبارک و تعالی عمر او را طولانی نکرد به جهت پیامبری که برای او در نظر گرفته باشد و نه برای این که کتابی بر او نازل کند... و نه برای این که او را امام قرار دهد تا بندگانش به او اقتداء کنند... آری چون در علم الهی مقرر شده بود که عمر قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را در زمان غیبتش به آن مقدار [طولانی] قرار دهد و می دانست بندگانش نسبت به آن مقدار طول عمر راه انکار خواهند پیمود، عمر بنده صالح، خضر علیه السلام را فقط به همین دلیل طولانی کرد تا آن که شاهدی بر عمر طولانی قائم علیه السلام باشد و از این رهگذر بهانه دشمنان را خنثی و حجت ایشان را قطع کند. (۲)

۱- عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «فِي الْقَائِمِ مِثْلُ سُنَنِ مَنْ سَنَّ الْأَنْبِيَاءَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ سُنَّةَ مَنْ آدَمَ وَ سُنَّةَ مَنْ نُوحَ وَ سُنَّةَ مَنْ إِبْرَاهِيمَ وَ سُنَّةَ مَنْ مُوسَى وَ سُنَّةَ مَنْ عِيسَى وَ سُنَّةَ مَنْ أَيُّوبَ وَ سُنَّةَ مَنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فَأَمَّا مَنْ آدَمَ وَ مَنْ نُوحَ فَطَوَّلَ الْعُمُرَ...». (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۲۴، ب ۱۳، ح ۱۱) «تمام روایت همراه با شرح آن در بخش خصائص حضرت آمده است».

۲- عن الامام جعفر بن محمد الصادق عليه السلام : «... وَ أَمَّا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْخَضِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَا طَوَّلَ عُمُرَهُ لِئُبُوهُ قَدَّرَهَا لَهُ وَ لَا لِكِتَابٍ يُنَزَّلُ عَلَيْهِ وَ لَا لِشَرِيْعَةٍ يَنْسُخُ بِهَا شَرِيْعَةَ مَنْ كَانَ قَبْلَهَا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَ لَا لِإِمَامَةٍ يُلْزَمُ عِبَادَةَ الْإِقْتِدَاءِ بِهَا وَ لَا لِطَاعَةٍ يَفْرِضُهَا لَهُ بَلَى إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمَّا كَانَ فِي سَابِقِ عِلْمِهِ أَنْ يُقَدَّرَ مِنْ عُمُرِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أَيَّامِ غَيْبَتِهِ مَا يُقَدَّرُ وَ عِلْمٌ مَا يَكُونُ مِنْ إِنْكَارِ عِبَادِهِ بِمِقْدَارِ ذَلِكَ الْعُمُرِ فِي الطُّوْلِ طَوَّلَ عُمُرَ الْعَبِيدِ الصَّالِحِ مِنْ غَيْرِ سَبَبٍ أَوْجَبَ ذَلِكَ إِلَّا لِغَلَّةِ الْإِسْمِ تَدْلَالٍ بِهِ عَلَى عُمُرِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لِيَقْطَعَ بِمَذَلِكِ حُجَّةَ الْمُعَارِضِينَ لِيُتَلَّكَ الْإِسْمُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةً». (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۲۲ به نقل از کمال الدین)

نکته هایی از روایات

طول عمر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ستی الهی

۱. خداوند اراده کرده است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که آخرین حجت اوست؛ نشانه هایی از پیامبران بزرگ داشته باشد و یکی از آن نشانه ها و سنت ها، طول عمر است که به ویژه در حضرت آدم علیه السلام و حضرت نوح علیه السلام رخ داده است. مطابق روایات، حضرت آدم علیه السلام ۹۳۰ سال و حضرت نوح علیه السلام ۲۵۰۰ سال عمر کردند. (۱) (حدیث ۱ و ۲)

طول عمر در امت های پیشین

۲. مسئله طول عمر، امر تازه ای نیست بلکه در پیامبران و امت های گذشته فراوان رخ داده است و حتی بعضی از افراد با عمر طولانی در زمان ما زندگی می کنند که گواهی محکم بر عمر طولانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ مانند جناب خضر علیه السلام که در پیامبر بودنش اختلاف است ولی در این که زنده است بحثی نیست و به اعتقاد مسلمین او زنده است و طبق برخی از روایات، رفیق و یار دوره غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (حدیث ۳)

پیش بینی طول عمر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۳. امامان معصوم علیهم السلام سال ها پیش از تولد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ویژگی های آن حضرت یاد کرده اند و از جمله ویژگی های او، طول عمر

۱- ر.ک: بخش «خصائص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» از همین کتاب.

آن حضرت را بیان کرده اند. (همه احادیث)

۴. به جز روایات طول عمر، روایاتی که از غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و طولانی شدن آن خبر داده نیز دلیل بر عمر طولانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (۱) (حدیث ۱)

۵. در روایات فراوان آمده است که امامان شیعه، دوازده نفرند؛ با توجه به این که، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند امام عسکری علیه السلام است و آن حضرت در سال ۲۶۰ هجری به شهادت رسیده است پس این دسته روایات نیز دلیل بر عمر طولانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (۲) (حدیث ۱)

۶. در برخی از روایات، ضمن پیش بینی طول عمر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیامدهای آن همچون بی اعتقادی گروهی از مردم به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز بیان گردیده است. (حدیث ۱)

۱- ر.ک: بخش «غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» و بخش «علت غیبت» و بخش «فوائد امام غایب» در همین کتاب.

۲- ر.ک: بخش «روایات اثنی عشر خلیفه» در همین کتاب.

فصل ششم: اهمیت انتظار فرج و جایگاه منتظران

اشاره

از موضوعات مهم در رابطه با امام غائب علیه السلام، «مسئله انتظار» است. انتظار ظهور آن حضرت، حقیقتی است که ریشه در اصل دین و عقیده دینی دارد چون منشأ آن، اندیشه و تفکری است که در همه ادیان الهی وجود داشته و دارد و آن عبارتست از اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق و عدالت بر نیروی باطل و ظلم و امید و آرزوی تحقق این اندیشه همان «انتظار فرج» است که نقطه مقابل یأس و ناامیدی است. اینکه در چشم انداز آینده جهان، امید به حاکمیت جهانی دین و ارزش های دینی وجود دارد، سبب استواری و پای بندی هرچه بیشتر مؤمنان می گردد و تحمّل و طاقت آنها را با وجود همه سختی ها افزایش می دهد. هم چنین «انتظار»، مهم ترین حلقه اتصال بین امام غائب و امت منتظر است و به همین دلیل، انتظار در شیعه بسیار عمیق تر و واقعی تر جلوه می کند و فرد فرد منتظران را در خدمت امام و اهداف

امام قرار داده و عالی ترین نمادهای آمادگی روحی و عملی را در آنها ایجاد می کند.

روایات فراوان در فضیلت انتظار و جایگاه رفیع و بلند منتظر و وظائف سنگین او بیان شده است که چند نمونه آن را می آوریم:

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

آیا شما را خبر ندهم به اموری که خدای بلندمرتبه، هیچ عملی را جز به سبب آنها نمی پذیرد؟ (ابوبصیر گوید عرض کردم: بفرمایید! فرمود:) گواهی بر این که معبودی جز «الله» نیست و «محمد صلی الله علیه و آله و سلم» بنده و پیامبر اوست و اقرار به آن چه خدا به آن فرمان داده است و دوستی نسبت به ما و بیزاری از دشمنان ما (امامان) و تسلیم بودن در برابر ایشان و پرهیزکاری و تلاش و [حفظ] آرامش و انتظار قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف . سپس فرمود:

همانا برای ما [اهل بیت علیهم السلام] دولتی است که هرگاه خداوند اراده فرماید خواهد آورد. سپس فرمود:

هر که خشنود می شود به این که از یاران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد پس منتظر باشد و براساس پرهیزکاری و اخلاق نیکو عمل کند در حالی که اهل انتظار است. پس اگر [در چنین حال] بمیرد و قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از او قیام کند پاداش کسی را دارد که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را درک کرده باشد! پس تلاش کنید و منتظر باشید! گوارا باد بر شما ای گروه مورد رحمت [الهی]. (۱)

۱- عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «أَنَّه قَالَ ذَاتَ يَوْمٍ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهِ فَقُلْتُ بَلَى فَقَالَ شَهَادَةٌ أَنْ لِمَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدَهُ وَ رَسُولَهُ وَ الْبِقَرَارُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَ الْوَلَايَةُ لَنَا وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِنَا يَعْنِي الْأَائِمَّةَ خَاصَّةً وَ الشَّيْطَانِ لَهُمْ وَ الْوَرَعُ وَ الْجِتْهَادُ وَ الطَّمَأْنِينَةُ وَ الْإِنْتِظَارُ لِلْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللهُ بِهَا إِذَا شَاءَ ثُمَّ قَالَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُّوْا وَ أَنْتَظِرُوا هَنِيئًا لَكُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ». (الغيبه، نعماني، باب ۱۱، ج ۱۶، ص ۲۰۷)

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

[از پدران گرامیش روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمود: [ای علی! بدان، برترین مردم از جهت یقین، گروهی از ایشانند که در آخر الزمان خواهند بود! آنها به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نرسیدند] و او را ندیدند] و حجت [الهی نیز] از ایشان

غائب خواهد بود [اما] براساس سیاهی بر سفیدی [= آثار و کتب] ایمان خواهند آورد! (۱)

۳. امام سجّاد علیه السلام فرمود:

هرکس در دوره غیبت قائم، بر ولایت ما [اهل بیت علیهم السلام] ثابت قدم بماند، خداوند به او پاداش هزار شهید مانند شهدای بدر و احد عطا فرماید. (۲)

۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

برترین کارهای امت من، انتظار فرج از سوی خدای بلندمرتبه است. (۳)

۱- عن الصادق علیه السلام عن ابائه علیه السلام قال: قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم لعلی علیه السلام: «يَا عَلِيُّ وَ اعْلَمْ أَنَّ اعْجَبَ النَّاسِ اِيْمَانًا وَ اعْظَمَهُمْ يَقِيْنًا قَوْمٌ يَكُوْنُوْنَ فِيْ اٰخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوْا النَّبِيَّ وَ حَجَبَتْهُمْ الْحُجَّةُ فَاَمَنُوْا بِسِوَادِ عَلِيٍّ بِيَّاضٍ.» (كمال الدين و تمام النعمه، صدوق، ج ۱، ص ۲۸۸، باب ۲۶، ح ۸)

۲- قال سيّدالعبادین علیه السلام: «مَنْ تَبَّتْ عَلَيَّ مُوَالَاتِنَا فِيْ غَيْبِهِ قَائِمِنَا اَعْطَاهُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ اَجْرَ اَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شَهِدَاءِ يَدْرِ وَ اُحُدٍ.» (كمال الدين و تمام النعمه، صدوق، ج ۱، ص ۳۲۳، باب ۳۱، ح ۷)

۳- عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال: «اَفْضَلُ اَعْمَالِ اُمَّتِيْ اِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنْ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ.» (كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۴، باب ۵۵، ح ۳)

۵. امام صادق علیه السلام [از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت] فرمود:

خوشا به حال آن که قیام کننده خاندان مرا در رک کند در حالتی که پیش از قیام آن حضرت به او اقتدا کرده باشد؛ دوستان او را دوست داشته و از دشمنانش بیزاری جوید و امامان هدایت گر پیش از قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را به امامت و ولایت پذیرفته باشد. آنان رفیقان من و صاحبان دوستی و محبت من خواهند بود و نیز گرامی ترین امت در نزد من. (۱)

۶. امام صادق علیه السلام فرمود:

هر که بمیرد در حالی که در انتظار این امر [= ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] به سر برده، مانند کسی است که در خیمه قائم و همراه او بوده است بلکه مانند کسی است که پیشاپیش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با شمشیر جنگیده است. (۲)

۷. امام باقر علیه السلام فرمود:

هر کس بمیرد در حالی که امام خویش را شناخته است، پیش افتادن یا تاخیر این امر [= ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] به او ضرری نخواهد رساند و هر که بمیرد در حالی که امام خود را شناخته است مانند کسی است که در خیمه قائم با او همراه بوده است. (۳)

۱- عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ يَتَوَلَّى وَلِيَّهُ وَ يَتَّبِعُهُ مِنْ عِدُوِّهِ وَ يَتَوَلَّى الْمَائِمَةَ الْهَادِيَةَ مِنْ قَبْلِهِ أَوْلِيَّكَ رُفَقَائِي وَ ذُو وُدِّي وَ مَوَدَّتِي وَ أَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ.» (الغيبه، شيخ طوسي، ص ۴۵۶، ح ۴۶۶)

۲- عن المفضل بن عمر عن الصادق عليه السلام: «مَنْ مَاتَ مُتَّظِرًا لِهَذَا الْأَمْرِ كَانَ كَمَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ لَا بَلْ كَانَ كَالضَّارِبِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِالسَّيْفِ.» (كمال الدين، ج ۲، ص ۳۳۸، باب ۳۳، ح ۱۱)

۳- عن أبي جعفر عليه السلام قال: «مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَمْ يَضُرَّهُ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخَّرَ وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ قَائِمٌ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ.» (الغيبه، نعماني، ص ۳۳۰، باب ۲۵، ح ۵)

۸. امام صادق علیه السلام فرمود:

همانا برای صاحب این امر [مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] غیبتی خواهد بود پس [مؤمن به آن حضرت] باید در غیبت او پروای الهی پیشه کند و بر دین خود چنگ زند [و آن را حفظ کند]. (۱)

نکته هایی از روایات

جایگاه انتظار

۱. انتظار ظهور قائم آل محمّد صلی الله علیه و آله و سلم چنان اهمیتی دارد که در کنار اصول دین چون توحید و نبوت و مطالب اساسی مکتب مانند تولی و تبری مطرح گردیده است. (حدیث ۱)

۲. انتظار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم برترین اعمال است و هم شرط قبولی سایر اعمال! انتظار مهدی، انتظار حاکمیت اسلام در جهان است و به همین دلیل با اصول دین پیوندی عمیق دارد یعنی از توحید و نبوت و امامت سرچشمه می گیرد و نیز ایمان به این اصول در شکل گیری «انتظار صحیح» مؤثر است یعنی «اصول دین» و «انتظار» تأثیر متقابل دارند. (حدیث ۱)

۳. گرچه انتظار یک حالت روحی و روانی است ولی جریانی است که در تمامی زوایای زندگی فردی و اجتماعی شیعیان، جاری است و

۱- قال ابو عبدالله علیه السلام: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَزِيذًا وَ لِيَتَمَسَّكَ بِحَدِيثِهِ.» (الغیبه، نعمانی، ص ۱۶۹، باب ۱۰،

خط فکری و عملی آنها را ترسیم می کند. این حقیقتی است که از جایگاه مهم انتظار و فضیلت های بلند منتظران دریافت می شود.

جایگاه منتظر

۴. ارزش و اعتبار انسان های آخرالزمان و دوره غیبت، به «یقین» و ایمانی است که به غیب و حجت غائب دارند چنان که قرآن در وصف متقین، ابتدا به همین وصف، آنها را توصیف فرموده است: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...» (۱) (حدیث ۲)

۵. مهم ترین عامل پیوند میان غیبت و ظهور، انتظار پیوسته و عملی است و به همین دلیل، «منتظر» حتی در دوره غیبت امام نیز جزء نیروهای مؤثر و کارآمد جبهه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و تلاش او در دوره غیبت همانند پیکار مجاهد دوره ظهور است و اگر در مسیر این مجاهدت ها بمیرد مثل مجاهد جبهه ظهور، شهید خواهد بود. (احادیث ۱، ۳، ۶ و ۷)

۳. از این که «منتظر امام» به جهادگر دوران ظهور تشبیه شده،

معلوم می شود که منتظر، فردی فعال و تلاشگر است و در مسیر فعالیت برای خدا و دین خدا و حمایت از امام خود هر سختی و زحمتی را به جان خریدار است چنان که رزمنده در جبهه نیز بیشترین فعالیت را دارد و زخم ها و دردها او را از تلاش باز نمی دارد. این برداشت از انتظار، تعهد آفرین و نشاط آور است و به شیعه پویائی و

زندگی می بخشد و در مقابل آن، «انتظار منفی» و ویرانگر است که همه کارها را به عهده امام می گذارد و هرگونه مسئولیتی را از آدمی سلب می کند. (حدیث ۳ و ۶)

۷. ارزش انتظار هر امری وابسته به آن امر مورد انتظار است؛ بنابراین آنچه از فضائل برای انتظار مهدی و منتظر امر ظهورش بیان گردیده، نشان دهنده عظمت و بلندی مقام امام منتظر، (۱) مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است و نیز بیان گر شکوه و بزرگی رویداد ظهور و انقلاب جهانی اوست و نتیجه می دهد که تنها راه سعادت انسان مؤمن آن است که در تمامی حالات و با تمامی امکانات مادی و معنوی در خدمت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و اهداف او باشد.

وظایف منتظران

بزرگی منزلت و مقام منتظران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می تواند نشان دهنده مسئولیت بزرگ آنها، در دوره غیبت و سختی ها و مشکلات این آزمون بزرگ الهی باشد؛ به همین دلیل، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام نسبت به امور زیر به شیعیان دوران غیبت توجه کرده اند:

الف) معرفت عمیق نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ویژگی های او که به دنبال آن دلدادگی و محبت و سپس اطاعت و تسلیم در برابر خواست امام خواهد بود و انسان را از افتادن به دام رهبران زر و زور نگه خواهد

۱- «منتظر»، اسم مفعول است به معنی شخص یا امر مورد انتظار و این یکی از القاب مبارک حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است همان گونه که «منتظر» اسم فاعل است و به معنی کسی که انتظار کسی یا چیزی را دارد.

داشت. (حدیث ۷)

هر که نشناسد امام خویش را

بر که بسپارد زمام خویش را (۱)

ب) اقتداء به امام و پیروی عملی از آن حضرت.

انسان به هر حال از دیگران الگو می گیرد و اگر از انسان کامل و امام بر حق، الگو و مدل زندگی را فرا نگیرد به دام الگوهای ناقص افتاده و به انحراف کشیده خواهد شد. در مسیر زندگی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بهترین الگویی است که قرآن معرفی کرده است: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه...» (۲) یعنی حتماً چنین است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای شما مؤمنان الگوی نیکویی است و امام که جانشین رسول خداست نیز همان ویژگی را داراست چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود. (حدیث ۵)

ج) ثابت قدم ماندن بر امر ولایت اهل بیت علیهم السلام و عدم انحراف از مسیر الهی آنها در همه ابعاد زندگی. (حدیث ۳)

د) پیوسته روح تولی و دوستی نسبت به اولیاء الهی و تبری و بیزاری نسبت به دشمنان امام را در خود زنده نگه دارد. چنان که در «زیارت عاشورا» از پس قرن ها و اعصار می گوئیم: «أنتی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم الی یوم القیامه؛ یعنی (یا حسین) من تا قیامت با آنها که با شما می خواهم بود و با آنها که با شما سرجنگ دارند در ستیز بسرخواهم برد.» (حدیث ۱)

۱- مثنوی بلند مرحوم «آغاسی».

۲- سوره احزاب، آیه ۲۱.

ه) مراقبت پیوسته نسبت به اصول اعتقادی (دین) و حفظ اصل تقوا و پرهیزکاری در عمل و آراستگی به فضائل اخلاقی در همه حال. (حدیث ۱)

و) زنده نگه داشتن روح انتظار و بی‌قراری نسبت به ظهور امام خوبان و دولت خوبی‌ها! (حدیث ۱)

ص: ۱۷۹

بخش چهارم: ظهور

اشاره

فصل اول: جهان پیش از ظهور

اشاره

در روایات زیادی از شیعه و اهل سنت حوادث آخرالزمان و پیش از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان گردیده است. و این اخبار حکایت از آن دارد که پیش از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فتنه های زیادی رخ می دهد و بلاهای گوناگونی جامعه بشری را فرا می گیرد و ظلم و ستم و زشتی به انواع و اقسامش دنیا را پر می کند و پس از آن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با انقلاب الهی خود بساط هرچه بدی و زشتی و بی دینی است برمی چیند و به جای آن عدالت و زیبایی را در تمام عالم می گستراند. در این بخش چند روایت می آوریم تا سیمایی کلی از جهان پیش از ظهور را نشان بدهیم:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

در آخرالزمان بلایی شدید از جانب سلطان بر امت من فرود خواهد آمد که بلایی از آن شدیدتر شنیده نشده است به گونه ای که زمین با وسعتی که دارد بر آنها تنگ می گردد تا

بدان جا که زمین از جور و ستم پر می گردد و مؤمن برای خود پناه گاهی از ظلم نمی یابد پس خداوند مردی از خاندان من برمی انگیزد، و او زمین را از قسط و عدل پر می کند همان طور که از ظلم و جور پر شده باشد... (۱)

۲. امام باقر علیه السلام فرمود:

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر نمی شود مگر در دورانی که ترس شدید

و مصیبت ها و فتنه ها (بر جامعه) حاکم باشد و گرفتاری و

بلا دامن گیر مردم شود و پیش از آن بیماری طاعون شیوع یابد

و در میان عرب درگیری شدید و مُهلکی اتفاق افتد و اختلاف شدید در میان مردم حاکم شود و پراکندگی در دین آنها پدید آید و وضعیت مردم تغییر کند تا جایی که، هر آرزومندی

هر صبح و شام _ از آن چه که از درنده خویی مردم و تجاوز آنان به حقوق یک دیگر می بیند _ آرزوی مرگ می کند. بنابراین قیام آن حضرت در زمانی است که مردم از مشاهده فرج و گشایش ناامید شده باشند. پس خوشحال آن که او را درک کند

و از یاورانش باشد و بدبخت و بیچاره آن که با او و اوامرش مخالفت کند. (۲)

۱- عن ابی سعید الخدری قال: «قال نبی الله صلی الله علیه و آله و سلم: ينزل بامتی فی آخر الزمان بلاء شدید من سلطانهم لم یسمع بلاء اشد منه حتی تضیق عنهم الارض الرُّحْبَه و حتی یملاً الارض جوراً و ظلماً لایجد المؤمن ملجأ یتجئ الیه من الظلم فیبعث الله عزوجل رجلاً من عترتی یملاً الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً...». (المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۶۵؛ عقد الدرر، ب ۴، ف ۱، ص ۴۳ و ب ۷، ص ۱۴۱)

۲- عن ابی جعفر محمد بن علی علیهم السلام قال: «لَا یَقُومُ الْقَائِمُ عَلَیهِ السَّلَامُ إِلَّا عَلَی خَوْفٍ شَدِیدٍ وَ زَلْزَلٍ وَ فِتْنَةٍ وَ بَلَاءٍ یُصِیبُ النَّاسَ وَ طَاعُونَ قَبْلَ ذَلِكَ وَ سَیْفٍ قَاطِعٍ بَیْنَ الْعَرَبِ وَ اِخْتِلَافٍ شَدِیدٍ بَیْنَ النَّاسِ وَ تَشْتُّبِ فِی دِینِهِمْ وَ تَغْیِرُ مِنْ حَالِهِمْ حَتَّى یَتَمَنَّى الْمُتَمَنِّی الْمَوْتَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً مِنْ عَظَمِ مَا یَرَى مِنْ کَلْبِ النَّاسِ وَ أَكَلِ بَعْضِهِمْ بَعْضاً وَ خُرُوجِهِ إِذَا خَرَجَ عِنْدَ الْإِیَاسِ وَ الْقُنُوطِ فِیَا طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَهُ وَ کَانَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ الْوَبِیْلِ کُلُّ الْوَبِیْلِ لِمَنْ خَالَفَهُ وَ خَالَفَ أَمْرَهُ». (عقد الدرر، ب ۴، ص ۶۴؛ بشاره الاسلام، ب ۶، ص ۱۱۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ب ۲۷، ح ۹۹، ص ۳۴۸)

۳. امام باقر علیه السلام فرمود:

قیام کننده از ما [اهل بیت علیهم السلام] به وسیله رعب [و وحشتی که در دل دشمنان می افتد] یاری می شود و با نصرت [الهی] تأیید می گردد... راوی گوید: گفتم: ای فرزند رسول خدا چه موقع قائم شما قیام خواهد کرد؟ فرمود: وقتی مردان به زنان و زنان به مردان شباهت پیدا کنند و مردان به مردان و زنان به زنان بسنده کننده و زنان بر زین ها سوار گردند و گواهی ناحق پذیرفته شود و گواهی شاهدان عادل مردود شود و مردم نسبت به مسئله جان دیگران، سبک بگیرند و انجام زنا و رباخواری را آسان شمارند و بدان از ترس [نیش] زبان هایشان مورد احترام باشند...! عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ الثَّقَفِيِّ قَالَ: «قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي قَرِيبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ يَقُولُ: الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرَّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنَّصِيرِ تَطْوَى لَهُ الْأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ وَ يُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عَمِرَ وَ يَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيُصَيِّمُنِي خَلْفَهُ قَالَ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَتَى يَخْرُجُ قَائِمُكُمْ قَالَ إِذَا تَشَبَّهَ الرَّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَ اِكْتَفَى الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ وَ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَ رَكِبَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ الشُّرُوجَ وَ قُبِلَتْ شَهَادَاتُ الزُّورِ وَ رُدَّتْ شَهَادَاتُ الْعُدُولِ وَ اسْتَيْخَفَ النَّاسُ بِالْأَشْرَارِ وَ اتَّقَى الْأَشْرَارُ مَخَافَةَ أَلْسِنَتِهِمْ وَ...». (كمال الدين، ج ۱، ب ۳۲، ح ۱۶، ص ۳۳۰ - ۳۳۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ب ۲۵، ح ۲۴، ص ۱۹۱ - ۱۹۲)

نکته هایی از روایات

اشاره

اوضاع نابسامان جهان پیش از ظهور و فتنه های بزرگ و کوچک

آن زمان ضرورت‌ها و وظایفی را ایجاب می‌کند که بجاست آنها را بررسی کنیم.

ضرورت حجت الهی برای ساماندهی امور

۱. وضعیت نابسامان عالم در آخرالزمان و فتنه و فسادى که همه زندگى بشر را در خود فرو برده است و در عمل، بشر و نهادهای تصمیم‌گیر آن را برای چاره‌جویی ناتوان و ناکام کرده است، بیش از هر چیز ضرورت ظهور حجت الهی و منجی بشریت را اثبات می‌کند. در آن زمان، مردم هیچ فریادرسى را جز دست غیبی الهی کارساز نمى دانند!

۲. در روزگار فراگیری ظلم و فساد در جهان، آحاد بشر به ضرورت حاکمیت قوانین الهی و اجرایی شدن آن قوانین به وسیله حجت آسمانی، بیش از گذشته ایمان و اعتراف خواهند داشت و در این صورت جهان برای استقبال از حکومت صالحان و همراهی و همگانی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آمادگی کامل خواهد داشت.

مؤمنان و اوضاع جهان پیش از ظهور

۳. گرچه ظلم و ستم فراگیر خواهد شد و همه مردم از هر ملت

و آئینی را در برخواهد گرفت ولی مؤمنان در آن زمان در فشار و سختی

و رنج بیشتری خواهند بود به گونه‌ای که هیچ پناه گاهی برای

خود نمى یابند و زمین با همه وسعتش بر آنها تنگ خواهد

شد. (حدیث ۱)

۴. در جهان ظلم و ستم، مؤمنان با همه امید و آرزو در انتظار ظهور عدالت موعود هستند و به همین جهت به ظلم و فساد آخرالزمان آلوده نگردیده و با تقوا و ایمان، خود را برای جبهه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده می کنند. (حدیث ۱)

ترسیم روایات از جهان پیش از ظهور

۵. در روایات فراوان از شیعه و اهل سنت به صراحت آمده است که جهان پیش از ظهور، جهان ظلم و فساد و ستم گری است و تمام زمین پر از ظلم و ستم خواهد شد و تعبیر «ظلم» هرگونه انحراف اعتقادی و رفتاری را شامل می شود و افزون بر اینها پیامدهای بد اعمال انسان نیز دامن گیر مردم خواهد شد. (حدیث ۱، ۲ و ۳)

۶. بعضی از روایات انواع فساد و ظلمی که در جهان رخ می دهد را بیان کرده است که فهرستی از آنها بدین شرح است:

الف) وقوع بلاهای طبیعی مثل زلزله و بیماری های سخت و غیرقابل علاج مثل طاعون و اختلاف و درگیری ملت ها و غلبه نگرانی و پریشانی بر آنها که همه اینها پیامد اعمال انسان هاست.

ب) روابط غلط و نامشروع اخلاقی که چهره زشتی از فساد جنسی و پیامدهای بسیار وخیم آن را به نمایش می گذارد. (۱)

۱- در جهان امروز شاهدیم که بشر متمدن و مدعی! بعضی از انواع فساد جنسی و فحشا را آشکارا تأیید و تصویب کرده و شکل قانونی به آن داده است و متأسفانه پیامدهای فجیع آن دامن گیر انسان ها شده است، هم نظام خانواده را تهدید کرده و هم عامل بروز بیماری های کشنده ای گردیده است.

ج) روابط غلط و نامشروع اقتصادی و شیوع رباخواری و رشوه خواری به گونه ای که درهم و دینار حلال کمتر یافت می شود و این روند پیامد های اخلاقی وحشتناکی داشته و دارد مانند بی اعتمادی افراد به یکدیگر و از بین رفتن حس غم خواری و نوع دوستی و سست شدن باورهای دینی و

د) روابط غلط و غیرمعقول سیاسی و حاکم شدن افراد نالایق بر سرنوشت انسان ها.

ه) حق و اهل آن مظلوم خواهد بود به گونه ای که آشکارا گواهی باطل پذیرفته می شود و شهادت به حق و عدل رد می شود و تجاوز

به حقوق دیگران حتی در دادگاه ها که محل دادخواهی است

رایج می گردد!

و) مال و حتی جان انسان ها کمترین قیمتی نداشته و خون های زیادی به ناحق ریخته می شود و اشرار به خاطر ترس مردم از اذیت آنها، مورد احترام قرار می گیرند و در مقابل مؤمن و پرهیزکار مورد بی مهری و بی توجهی واقع می شود!

۷. روشن است که این همه ظلم و زشتی و تبهکاری معلول دوری جهان و اهل آن از تعالیم الهی و محروم بودن آنها از رهبری های حیات بخش حجت الهی است به همین جهت در دوره ظهور که

دوره حکومت ولی خدا و بقیه الله بر زمین است همه گونه ظلم و بدی در همه سطوح برداشته می شود و به جای آن عدالت و حق در

همه بخش‌ها حاکم می‌گردد و این چشم‌انداز روشن برای جهان مایه امید مؤمنان و مستضعفان و حرکت آنها به سوی خیر و صلاح خواهد بود.

فصل دوم: علائم ظهور

اشاره

در مجموعه روایات پیامبر و اهل بیت علیهم السلام نشانه های فراوانی از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان شده است که دانستن همه آنها ضرورتی ندارد و فهم معنی و مراد بسیاری از آنها مشکل است ولی دانستن بعضی از آنها خالی از فایده نیست به ویژه که بخشی از علامت ها به عنوان نشانه های حتمی و قطعی ظهور معرفی شده است و روایات فراوانی درباره آنها موجود است. در این بخش چند روایت را می آوریم و به اختصار درباره آنها نکاتی را بیان می کنیم:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

چون در معراج مرا به نزد پروردگام بردند... ناگاه منادی ندا داد که ای محمد سر بردار و در خواست کن از من تا به تو عطا کنم! گفتم: ائتم را پس از من بر ولایت علی ابن ابیطالب علیه السلام گردآور تا همگی در قیامت بر من وارد شوند. خداوند به من وحی فرمود: من بیش از آن که بندگانم را خلق کنم در میان ایشان حکم

کرده ام و حکم من در آنها قطعی و حتمی است که هر که را بخواهم به او هلاک کرده و هر که را بخواهم به او هدایت کنم...
(۱) و او را وزیر و جانشین پس از تو بر اهل تو و امت قرار دادم...

و برای او این فضیلت را قرار دادم و به تو نیز عطا کردم که از

نسل او یازده مهدی بیاورم که همه آنها از ذریه تو و از فرزندان بکر بتول باشند و آخرین ایشان کسی است که عیسی

بن مریم علیه السلام پشت سر او نماز می خواند، زمین را از عدل

پر می کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد...

گفتم: خدای من! آن در چه زمانی خواهد بود؟ خداوند

وحی فرمود: آن گاه که علم برداشته شود و جهل و نادانی

آشکار گردد و قاریان [قرآن] فراوان و عمل [به قرآن] کم

شود و کشتار فراوان گردد و فقهای هدایت گر کم و

فقهای گمراهی و خائنان و شعراء زیاد شوند و امت

تو قبرهایشان را مسجد کنند. قرآن ها و مساجد زیور شود

و جور و فساد فراوان گردد و منکر آشکار شده و امت

به آن فرمان دهند و از معروف نهی کنند و مردان به مردان و

زنان به زنان بسنده کنند و امیران کافر شوند و دوستان آنها

فاجر و بدکار و یارانشان ظالم و ستمگر و اندیش مندان

آنها فاسق. در این هنگام سه خسوف واقع شود فرورفتگی

در مشرق و فرورفتگی در مغرب و فرورفتگی در جزیره العرب؛

و بصره به دست یکی از ذریه تو ویران گردد و زنگیان از او

پیروی کنند و یکی از فرزندان حسین بن علی علیه السلام قیام

۱- یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام و ولایت او معیار هدایت و ضلالت است و هر که آن را بپذیرد نجات یافته و هر که نپذیرد
هلاک شده است.

کند و دجال از مشرق و سیستان خروج کند و سفیانی

ظاهر شود... (۱)

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

پنج علامت پیش از قیامت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود: یمانی، و سفیانی و ندادهنده ای که از آسمان ندا می دهد و فرورفتگی در

۱- عن رسول الله عليهم السلام قال: «لَمَّا عَرَجَ بِي رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ... فَإِذَا مُنَادٍ يُنَادِي اِرْفَعْ يَا مُحَمَّدُ رَأْسَكَ وَ سَلِّنِي أُعْطِكَ فَقُلْتُ يَا إِلَهِي اجْمَعْ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي عَلَى وَ لَائِي عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِيَرُدُّوا عَلَيَّ جَمِيعاً حَوْضِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيَّ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي قَدْ قَضَيْتُ فِي عِبَادِي قَبْلَ أَنْ أُخْلِقَهُمْ وَ قَضَايَ مَاضٍ فِيهِمْ لِأَهْلِكَ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَ أَهْدِي بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَ قَدْ آتَيْتُهُ عِلْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَ جَعَلْتُهُ وَزِيرَكَ وَ خَلِيفَتَكَ مِنْ بَعْدِكَ عَلَى أَهْلِكَ وَ أُمَّتِكَ عَزِيمَةً مِنِّي وَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ عَادَاهُ وَ أَبْغَضَهُ وَ أَنْكَرَ وَ لَائِيَّتُهُ بَعْدَكَ فَمَنْ أَبْغَضَهُ أَبْغَضَكَ وَ مَنْ أَبْغَضَكَ فَقَدْ أَبْغَضَنِي وَ مَنْ عَادَاهُ فَقَدْ عَادَاكَ وَ مَنْ عَادَاكَ فَقَدْ عَادَانِي وَ مَنْ أَحَبَّهُ فَقَدْ أَحَبَّكَ وَ مَنْ أَحَبَّكَ فَقَدْ أَحَبَّنِي وَ قَدْ جَعَلْتُ لَهُ هَذِهِ الْفَضِيلَةَ وَ أَعْطَيْتُكَ أَنْ أُخْرِجَ مِنْ صُلْبِهِ أَحَدَ عَشَرَ مَهْدِيًّا كُلُّهُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنَ الْبِكْرِ الْبُتُولِ وَ آخِرُ رَجُلٍ مِنْهُمْ يُصَلِّي خَلْفَهُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَيْدًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا أَنْجِي بِهِ مِنَ الْهَلَكَةِ وَ أَهْدِي بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ أُبْرِئُ بِهِ الْأَعْمَى وَ أَشْفِي بِهِ الْمَرِيضَ فَقُلْتُ إِلَهِي وَ سَيِّدِي مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَكُونُ ذَلِكَ إِذَا رُفِعَ الْعِلْمُ وَ ظَهَرَ الْجَهْلُ وَ كَثُرَ الْقُرَاءُ وَ قَلَّ الْعَمَلُ وَ كَثُرَ الْقَتْلُ وَ قَلَّ الْفُقَهَاءُ الْهَادُونَ وَ كَثُرَ الْفُقَهَاءُ الضَّلَالَةَ وَ الْخَوْنَةَ وَ كَثُرَ الشُّعْرَاءُ وَ اتَّخَذَ أُمَّتُكَ قُبُورَهُمْ مَسَاجِدَ وَ حَلَّتِ الْمَصَاحِفُ وَ زُخِرَتِ الْمَسَاجِدُ وَ كَثُرَ الْجَوْرُ وَ الْفَسَادُ وَ ظَهَرَ الْمُنْكَرُ وَ أَمَرَ أُمَّتُكَ بِهِ وَ نَهَى عَنِ الْمَعْرُوفِ وَ اِكْتَفَى الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ وَ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَ صَارَ الْأُمَرَاءُ كَفَرَةً وَ أَوْلِيَاؤُهُمْ فَجْرَةً وَ أَعْوَانُهُمْ ظَلَمَةً وَ ذُوو الرِّأْيِ مِنْهُمْ فَسَادَ وَ عِنْدَ ذَلِكَ ثَلَاثَةٌ خُسُوفٍ خُسُوفٍ بِالمَشْرِقِ وَ خُسُوفٍ بِالمَغْرِبِ وَ خُسُوفٍ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ وَ خَرَابُ البَصِيرَةِ عَلَى يَدِ رَجُلٍ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ يَتَّبَعُهُ الرُّنُوجُ وَ خُرُوجُ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ ظُهُورُ الدَّجَالِ يَخْرُجُ مِنَ المَشْرِقِ مِنْ سِجِسْتَانَ وَ ظُهُورُ السُّفْيَانِيِّ...» (كمال الدين، ج ۱، ب ۲۳، ح ۱، ص ۴۶۹ - ۴۷۲)

سرزمین بیدا و کشته شدن انسان بی گناه. (۱)

۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

از امور حتمی که حتماً پیش از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود اینهاست: خروج سفیانی و فرورفتگی در بیدا و کشته شدن انسان پاک و ندادهنده ای از آسمان. (۲)

۴. راوی گوید:

نزد امام باقر علیه السلام بودم پس آن حضرت دو نشانه ای را بیان کرد که پیش از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف رخ می دهد و از زمان نزول آدم به زمین چنین رخ دادی نبوده است و آن عبارتست از خورشید گرفتگی در نیمه ماه رمضان و ماه گرفتگی در آخر آن. مردی به امام گفت: ای پسر رسول خدا این گونه نیست بلکه [عادت چنین است که] خورشید در آخر ماه و ماه در نیمه آن می گیرد! امام باقر علیه السلام به او فرمود: من به آن چه می گویم دانانترم! این دو نشانه ای است که از زمان هبوط آدم علیه السلام نبوده است! (۳)

۱- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «حَمَسٌ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عِ الْيَمَانِيِّ وَ السُّفْيَانِيِّ وَ الْمُنَادِي يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ وَ خَسْفٌ بِالْبَيْدَاءِ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ». (كمال الدين، ج ۲، ب ۵۷، ح ۱، ص ۶۴۹)

۲- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «مِنَ الْمُخْتَوَمِ الَّذِي لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ قَبْلِ قِيَامِ الْقَائِمِ خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ وَ خَسْفٌ بِالْبَيْدَاءِ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَ الْمُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ». (الغيبه نعماني، ب ۱۴، ح ۲۶، ص ۳۷۲)

۳- عَنْ يَدْرِ بْنِ الْخَلِيلِ الْأَسَدِيِّ قَالِكُ «كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَذَكَرَ آيَتَيْنِ تَكُونَانِ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ تَكُونَا مُنْذُ أَهْبَطَ اللَّهُ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَبَدًا وَ ذَلِكَ أَنَّ الشَّمْسَ تَنْكَسِفُ فِي النُّصْفِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ الْقَمَرَ فِي آخِرِهِ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ لِمَا يَلِ الشَّمْسُ فِي آخِرِ الشَّهْرِ وَ الْقَمَرُ فِي النُّصْفِ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي لَأَعْلَمُ بِالَّذِي أَقُولُ إِنَّهُمَا آيَتَانِ لَمْ تَكُونَا مُنْذُ هَبَطَ آدَمُ». (الغيبه نعماني، ب ۱۴، ح ۴۵)

نکته هایی از روایات

مفهوم علامت و علائم ظهور

۱. در بیان ائمه معصومین علیهم السلام، زمان ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مشخص نشده است ولی علائم و نشانه های فراوانی برای آن بیان گردیده است.

۲. علامت یا آیه به معنی نشانه ای است که بر مطلبی راهنمایی و دلالت می کند و موجب شناخت آن می شود. نشانه های ظهور، رخ دادهایی است که براساس پیش بینی معصومان علیهم السلام پیش از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یا در آستانه آن پدید خواهند آمد و تحقق هر یک از این نشانه ها نویدی بر نزدیک شدن ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۳. مهم ترین منابع روایات علائم، سه کتاب کهن شیعه، الغیبه نعمانی (متوفای ۳۶۰ قمری)، کمال الدین و تمام النعمه اثر شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ قمری) و الغیبه شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ قمری) است. در

آثار اهل سنت هم کتاب های مختلف در این موضوع موجود است

که مهم ترین آن الفتن اثر نعیم بن حمّاد (متوفای ۲۲۸ قمری) است

که بسیاری از روایاتش به معصوم نمی رسد و حتی نزد اهل سنت هم معتبر نیست.

برداشت نادرست از روایات علائم

۴. در دوره های مختلف از روایات علائم ظهور بهره برداری نادرست شده و ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قریب الوقوع دانسته شده است به این شکل که برخی از علائم ظهور را بر حوادث مشابه روز تطبیق می کرده اند ولی

با توجه به پیچیدگی روایات علائم و مشکل بودن تفسیر و توضیح آنها، تطبیق، کار مشکلی است.

۵. توجه به این نکته نیز لازم است که برخی از مواردی که در روایات به عنوان علائم ظهور بیان شده، پیش گویی های امامان درباره حوادث آینده مسلمین است و نامی از مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ظهور او در آنها مطرح نشده است.

دسته بندی علائم ظهور

۶. تقسیم بندی های گوناگونی برای علائم ظهور گفته اند مانند علائم عادی و علائم خارق العاده، علائم خاص و علائم عام، علائم دور و نزدیک به ظهور؛ ولی تنها یک تقسیم بندی در روایات بیان شده و آن تقسیم علائم به حتمی و غیرحتمی است.

۷. مقصود از علائم حتمی، علامت هایی است که قطعاً واقع خواهد شد و مراد از غیرحتمی مواردی است که ممکن است به خاطر وجود مانعی یا به جهت مصلحتی الهی واقع نشود.

علائم حتمی ظهور

۸. از روایات فراوان استفاده می شود که پنج علامت حتمی برای ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد: خروج سفیانی، خروج یمانی، خسف بیداء، (۱) قتل نفس زکیه و صحیة آسمانی، (۲) این علائم همه در آستانه

۱- خسف به معنی فرورفتن و بیداء نام سرزمینی است بین مکه و مدینه.

۲- درباره این علائم توضیح مختصری در ادامه نکات آمده است.

ظهور واقع خواهند شد.

۹. «سفیانی» عنصری پلید و فاسد است که طبق روایات فراوان پیش از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از منطقه شام، قیام می کند و فساد زیادی مرتکب می شود و خون های بسیاری می ریزد. درباره ویژگی های او و خصوصیات قیام او، مطالب مختلفی در روایات آمده که همه آنها قابل اعتماد نیست.

۱۰. از روایات استفاده می شود که پیش از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خسف های زمینی متعدد واقع می شود ولی آن چه در این میان مهم تر است، «خسف بیداء» است که برای لشکر سفیانی در میان مکه و مدینه واقع می شود و همه لشکر او جز یکی دو نفر نابود می شوند.

۱۱. مقصود از «خروج یمانی» قیام سرداری از یمن است که مردم را به حق و عدالت می خواند. این نشانه در کتب شیعه روایات فراوان دارد و از حوادثی است که در نزدیکی ظهور واقع می شود.

۱۲. «نفس زکیه» یعنی فرد بی گناه و پاک؛ برابر روایات فراوان که تنها در منابع شیعه آمده است او در نزدیکی ظهور و در بین رکن و مقام (کنار خانه خدا) کشته می شود.

۱۳. «صیحه آسمانی» در روایات شیعه و سنی مطرح شده

که محتوای آن دعوت به حق و حمایت و بیعت با مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است

و در بعضی روایات آمده که منادی آسمانی ندا می دهد که: اِنَّ

الحق فی علی و شیعتہ (= به راستی که حق با علی علیه السلام و پیروان اوست) یا اِنَّ الحق فی آل محمّد صلی الله علیه و آله و سلم (= به راستی که حق در خاندان

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است).

۱۴. از ظاهر روایات استفاده می شود که ندای آسمانی، معجزه ای الهی است تا در آستانه ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، همه مردم زمین را از این روی داد عظیم آگاه سازد؛ بنابراین، این نشانه خارج از امور طبیعی عالم خواهد بود.

۱۵. در روایات، گاهی از ندای آسمانی، به «صیحه یا صوت یا فزعه» (به معنی فریاد) یاد شده که به نظر می رسد همه مربوط به یک حادثه است که ممکن است هر واژه اشاره به ویژگی خاصی از آن حادثه داشته باشد.

سایر علائم ظهور

۱۶. «دجّال» به معنی دروغ گوی حيله گر است. او در کتب اهل سنت از نشانه های قیامت و در منابع شیعه از علائم ظهور شمرده شده است و البته منافاتی ندارد چون وقتی از علائم ظهور باشد می تواند علامت قیامت هم حساب شود. مطابق روایات دجّال پیش از قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می آید و با انجام کارهای شگفت انگیز، بسیاری را می فریبد و برابری از روایات سرانجام به دست عیسی مسیح علیه السلام در شام به هلاکت می رسد.

۱۷. بعضی از نشانه های ظهور، به نظر معجزه می آید مانند «طلوع خورشید از مغرب» و البته ممکن است بعضی از آنها که روایت صحیح و مستند دارد معنایی رمزی و کنایی داشته باشد و در این

صورت به یک امر عادی، تفسیر می شود.

۱۸. مطابق روایات شیعه و سنی، کسوف در نیمه ماه رمضان و خسوف در اوّل یا آخر همان ماه از نشانه های ظهور است (البته از علائم حتمی شمرده نشده است) و این امر بر خلاف عادت است و جریان عادی آن است که کسوف در روزهای نخست یا آخر ماه و خسوف در روزهای میانی واقع شود. ممکن است وقوع این امر، معجزه ای الهی برای اقامه حجّت بر مردم و مطمئن ساختن یاران حضرت به ظهور امام باشد.

فصل سوم: وقت ظهور

اشاره

یکی از نکات مهم درباره ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مسئله وقت ظهور است. بعضی برای ظهور، زمانی را تعیین می کنند و برای این کار به برخی از علائم ظهور، استناد می کنند و حال آن که به تصریح روایات، زمان ظهور معلوم نیست و علائم ظهور اگر علامت بودن آنها قطعی باشد در بیشتر موارد تنها از وقوع ظهور در آینده خبر می دهد نه این که زمان ظهور را معین کند.

روایات

۱. از امام باقر علیه السلام سؤال شد:

آیا برای این امر [فرج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] وقتی [معین] هست؟ فرمود: آنها که وقت تعیین می کنند دروغ می گویند (و این جمله را دوبار تکرار فرمود). (۱)

۱- عَنِ الْفَضْلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «هَلْ لِهَذَا الْأَمْرِ وَقْتُ فَقَالَ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ». (الغیبه، شیخ طوسی، ح ۴۱۱، ص ۴۲۶)

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

وقت تعیین کنندگان، دروغ می گویند. ما [اهل بیت علیهم السلام] نه در گذشته وقتی را تعیین کرده ایم و نه در آینده وقتی را مشخص خواهیم کرد. (۱)

۳. راوی گوید از امام باقر علیه السلام پرسیدم:

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چه وقت ظهور می کند؟ فرمود: همین سؤال از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرسیده شد و آن حضرت فرمود: مثل وقت ظهور او مثل قیامت است که جز ناگهانی نخواهد بود. (۲)

۴. راوی می گوید:

نزد امام صادق علیه السلام بودم که «مہزم الاسدی» بر حضرت داخل شد و گفت: فدای شما شوم به من خبر دهید که این امر (فرج) که منتظر آن هستید چه وقت خواهد بود؟ زمان انتظار طولانی شده است! حضرت فرمود: ای مہزم! وقت گزاران دروغ می گویند و آنها که [نسبت به این امر] عجله می کنند هلاک می شوند و آنها که اهل تسلیم باشند نجات خواهند یافت و به سوی ما در حرکتند. (۳)

۱- عن ابی عبد الله علیه السلام قال: «كَذَبَ الْمُؤَقَّتُونَ مَا وَقَّتْنَا فِيمَا مَضَىٰ وَ لَا نُوقَّتُ فِيمَا يَسْتَقْبِلُ». (الغیبه، شیخ طوسی، ح ۴۱۲، ص ۴۲۶)

۲- عن الكمیت بن المسهل قال دخلت علی سیدی ابی جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام ... قلت: «فمتی یخرج یابن رسول الله قال: لقد سئل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم عن ذلك فقال: انما مثله كمثل ساعه لاتاتیكم الا بغته». (کفایه الاثر، ف ۱، ب ۸، ح ۳۴)

۳- عن عبدالرحمن بن کثیر قال: «كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ مِهْرَمُ الْأَسَدِيِّ فَقَالَ أَخْبِرْنِي جُعِلْتُ فِدَاكَ مَتَى هَذَا الْأَمْرُ الَّذِي تَنْتَظِرُونَهُ فَقَدْ طَالَ فَقَالَ يَا مِهْرَمُ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ نَجَا الْمُسْلِمُونَ وَ إِلَيْنَا يَصِيرُونَ». (الغیبه، ح ۴۱۳، ص ۴۲۶)

۵. محمد بن مسلم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ای محمّد هر کس به روایت از ما تعیین وقتی را به تو خبر داد هرگز از این که او را تکذیب کنی هراس نداشته باش که ما برای هیچ کس زمانی را (برای ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف) تعیین نمی کنیم. (۱)

نکته هایی از روایات

مخفی بودن زمان ظهور

۱. اگر قرار باشد برای ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وقتی تعیین شود باید این کار به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یا ائمه معصومین علیهم السلام که معادن علوم الهی و گنجینه اسرار الهی هستند، انجام گیرد ولی هیچ یک از امامان، وقتی را برای ظهور معین نکرده اند. (حدیث ۲ و ۵)

۲. مطابق روایات، هر کسی جز امامان معصوم وقتی را برای ظهور معین کند، دروغ گفته است. (۲) (حدیث ۲ و ۵)

۳. هر کس با استناد به ائمه علیهم السلام زمانی را برای ظهور تعیین کند در هر جایگاهی باشد باید تکذیب گردد. (حدیث ۵)

۱- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَخْبَرَكَ عَنَّا تَوْقِيئًا فَلَا تَهَابَنَّ أَنْ تُكَذِّبَهُ فَإِنَّا لَا نُؤَقِّتُ لِأَحَدٍ وَقْتًا». (الغيبه، ح ۴۱۴؛ الغيبه النعماني، ب ۱۶، ح ۳، ص ۴۰۵)

۲- خواننده محترم توجه داشته باشد که گاهی افرادی سودجو، دروغی را به فردی از عالمان الهی نسبت می دهد که در واقع آن عالم اظهارنظری نکرده است و منشأ دروغ جای دیگر است و یا مطلب به گونه دیگری بوده و به صورت دقیق نقل نشده است.

۴. زمان ظهور به زمان قیامت تشبیه شده است از این جهت که هر دو ناگهانی و بدون اطلاع قبلی مردم است. البتّه در هر دو روی داد علائمی پیش از آنها اتفاق می افتد که نزدیکی آنها را خبر می دهد ولی به هر حال زمان دقیق آنها بر کسی معلوم نیست. (حدیث ۳)

۵. مقصود از تعیین وقت برای ظهور آن است که به طور مشخص سال و ماه و روز ظهور معین گردد نه این که گفته شود ظهور نزدیک است. «نزدیک بودن ظهور» امری است که با توجه به برخی علائم و حوادث جهان معلوم گردیده و به آن بشارت داده شده است.

علت پنهان بودن زمان ظهور

۶. با این که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام درباره وقت ظهور، سؤال شد آنها از پاسخ دادن، خودداری فرمودند؛ معلوم می شود که در «مخفی بودن وقت ظهور» مصلحتی نهفته است بنابراین همه باید تسلیم باشند و اصرار بی جا نداشته باشند.

۷. شاید یکی از دلایل پنهانی زمان ظهور، زنده ماندن روح امیدواری به فرج و تقویت آن باشد تا از این رهگذر شیعیان پیوسته در فکر کسب آمادگی از جهات مختلف برای ظهور امام خویش باشند و هرگز دچار یأس و غفلت نشوند، در دعای عهد می خوانیم:

انّهم یرونه بعیداً و نراه قریباً؛

دشمنان خدا و بشریت، ظهور منجی را دور می پندارند و ما آن را نزدیک می دانیم!

این نگاه زیبا به آینده و این نور امید به دنبال پنهان بودن وقت ظهور پدید می آید و اگر معلوم گردد که ظهور در آینده ای دور خواهد بود امید و نشاط از دست می رود یا ضعیف می گردد.

خطر هلاکت و سقوط

۸. آنها که پیوسته از وقت ظهور می پرسند در واقع برای تحقق آن، عجله می کنند یعنی خواستار این هستند که ظهور منجی حتی بدون آن که شرایط و زمینه های آن فراهم باشد اتفاق افتد! این گروه به طور طبیعی در دام شیادان می افتند و سخن وقت گذاران را باور می کنند و به آن دل خوش می شوند و وقتی در آینده مورد نظرشان، ظهوری رخ نمی دهد گرفتار یأس و نومیدی و گاهی سستی اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و حتی انکار وجود حضرت می شوند! به همین دلیل امام صادق علیه السلام فرمود: «هلک المستعجلون» (روایت ۴).

۹. نهی کردن از «عجله نسبت به ظهور» با دعا کردن برای «تعجیل ظهور و فرج» تفاوت دارد. اولی همان است که به هلاکت و سقوط منتهی می شود و از آن به «استعجال» تعبیر می گردد و دومی به معنی آن است که از خدا می خواهیم تا هرچه زودتر شرایط و زمینه های ظهور را فراهم کند تا ظهور منجی زودتر اتفاق افتد؛ این امری مطلوب و پسندیده است و این دعا و خواسته سبب می شود که آدمی برای اجابت این دعا تمام تلاش خود را به کار گیرد چون دعای حقیقی از عمل و تلاش انسان جدا نیست بلکه باید هماهنگ باشد. بنابراین

منتظر ظهور امام در عین حال که تسلیم اراده پروردگار است پیوسته برای نزدیکی ظهور دعا می کند و برای تحقق زمینه های آن می کوشد و این همان است که امام صادق صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

و نَجی المسلمون؛

آنها که اهل تسلیم هستند نجات یافته اند.

یعنی همه ی تلاش خود را می کنند ولی نسبت به وقت ظهور چون و چرایی ندارند و همیشه در فکر انجام وظیفه متناسب با زمان خود هستند.

فصل چهارم: برکات ظهور امام مهدی علیه السلام

اشاره

در روزگار امام مهدی علیه السلام و حاکمیت الهی او برکات فراوان مادی و معنوی نصیب زمین و اهل آن خواهد شد که بیرون از شماره است و روایات فراوانی از شیعه و سنی به بیان آنها پرداخته است. در این بخش، جلوه ای از دستاوردهای حکومت مهدی موعود علیه السلام را می بینیم:

۱. امام باقر علیه السلام:

وقتی قیام کننده ما قیام کند، خداوند دست خود بر سر بندگان نهد پس عقل های ایشان را به این وسیله جمع کرده و اخلاق آنها را کامل کند. (۱)

۲. امام باقر علیه السلام درباره آیه «آنها که اگر در زمین به آنها امکانات دادیم نماز را به پا داشته و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و عاقبت امور برای خداست» فرمود:

۱- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «قَالَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِمَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَخْلَامَهُمْ». (الكافی، ج ۱، ص ۲۵، کتاب العقل و الجهل، ح ۲۱)

این آیه برای خاندان پیامبر علیهم السلام و مهدی علیه السلام و یاران اوست. خداوند مشرق ها و مغرب های زمین را به ملک آنها در آورد و دین را (به سبب ایشان) غالب سازد و خدا به وسیله ایشان صاحبان بدعت و باطل را بمیراند، همان گونه که سفیهان، حق را میراندند، تا آن گاه که اثری از ظلم نماند و [ایشان] به معروف امر می کنند و از منکر باز می دارند و نهایت کارها از آن خداست. (۱)

۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

به راستی که قائم از ما [اهل بیت علیه السلام] به رعب [و وحشتی از جانب خدا در دل دشمنان] یاری می گردد و به نصر [از طرف خدا] تأیید می شود. زمین برای او پیچیده می گردد و گنج ها همگی برای او آشکار می گردد و خداوند به سبب او دین خود [اسلام] را بر همه ادیان غلبه می دهد، گرچه مشرکان خوش نداشته باشند و سلطنت او به مشرق و مغرب عالم می رسد و هیچ ویرانه ای در زمین نمی ماند مگر این که آباد می شود و روح الله عیسی بن مریم علیه السلام [از آسمان] پایین می آید و پشت سر او به نماز می ایستد. (۲)

۱- عن ابی جعفر (فی قوله عزوجل: (الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ) (سوره حج، آیه ۴۱)، قَالَ هَيْدِهِ لِآلِ مُحَمَّدٍ الْمَهْدِيِّ وَأَصْحَابِهِ يُمَلِّكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا وَيُظْهِرُ الدِّينَ وَيُمِيتُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ وَبِأَصْحَابِهِ الْبِدْعَ وَالْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ السَّفَهَةَ الْحَقِّ حَتَّى لَمَّا يُرَى أَثَرٌ مِنَ الظُّلْمِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ. (بحار، ج ۵۱، ص ۴۷، ب ۵، ح ۹؛ نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۰۶، ح ۱۶۱۱).

۲- عن الصادق (قال: «إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنَّصِيرِ تَطْوَى لَهُ الْأَرْضُ وَتَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ يَنْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ وَيُظْهِرُ بِهِ اللَّهُ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ فَلَمَّا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا عِمْرَ وَ يَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ فَيَصِيءُ لِي خَلْفَهُ.» (منتخب الاثر، ج ۳، ص ۱۲۱، ح ۱۱۰۵؛ به نقل از الغيبة للفضل بن شاذان؛ كفايه المهتدي، ص ۲۱۲، ذیل ح ۳۹).

۴. امام علی علیه السلام فرمود:

خدا به وسیله ما شروع کرده و به وسیله ما پایان می دهد و به وسیله ما آن چه را اراده کند محو کرده و ثابت می گذارد و به وسیله ما زمان سختی ها را برطرف می کند و به وسیله ما باران می فرستد. پس شیطان شما را نسبت به خدا نفریبد [و گمراه نکند]. از زمانی که خداوند باران را نگه داشته قطره ای نباریده و وقتی قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، قیام کند آسمان باران می بارد و زمین گیاه خود را می رویاند و کینه از دل های بندگان برود و درندگان و چهارپایان سازگاری کنند [و چنان گردد که] زنی بین عراق تا شام راه رود

و قدم جز بر سبزه نگذارد و در حالی که زینت و زیورش را بر

سر نهاده از سوی هیچ درنده ای تهدید نگردد [و در امنیت کامل باشد]. (۱)

۵. امام صادق علیه السلام فرمود:

وقتی قائم علیه السلام قیام کند به عدالت حکم می کند و در روزگار او ظلم برداشته می شود و راه ها امن می گردد و زمین برکات خود را

۱- فی حدیث طویل عن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (جاء فیہ: بِنَا یَفْتَحُ اللهُ وَ بِنَا یَخْتِمُ اللهُ وَ بِنَا یَمْحُو مَا یَشَاءُ وَ بِنَا یُثَبِّتُ وَ بِنَا یَدْفَعُ اللهُ الزَّمَانَ الْکَلْبَ وَ بِنَا یُنَزِّلُ الْغَیْثَ فَلَا یُعْرَنُکُمْ بِاللَّهِ الْعَزُورُ مَا أَنْزَلَتْ السَّمَاءُ قَطْرَةً مِنْ مَاءٍ مُنْذُ حَبَسَهُ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتْ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ لَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ اصْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَمَا تَضَعُ قَدَمِیْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَ عَلَى رَأْسِهَا زَبِيلُهَا لَمَا یُهَيِّجُهَا سَبْعٌ وَ لَمَا تَخَافُهُ...» (الخصال، ج ۲، ص ۶۲۶؛ بحار، ج ۵۲، ص ۳۱۶، ب ۲۷، ح ۱۱ و فیہ: «و علی رأسها زبیلها»)

بیرون می ریزد و هر حقی به صاحبش برمی گردد و هیچ اهل دینی نمی ماند مگر آن که اظهار اسلام کرده و به ایمان اعتراف می کنند. آیا نشنیده ای سخن خدای عزوجل را که می فرماید: «و برای او همه آنها که در آسمان و زمین هستند تسلیم می گردند با رغبت و یا کراهت، و به سوی او برمی گردند». او بین مردم به حکم داود علیه السلام و حکم محمد صلی الله علیه و آله داوری می کند. پس در این هنگام (وقت ظهور) زمین گنج های خود را ظاهر ساخته و برکات خود را آشکار می کند و در آن روز کسی از شما جایی برای (پرداخت) صدقه و احسان خود نمی یابد. چون بی نیازی همه مؤمنان را دربر گرفته است. پس فرمود: به درستی که

دولت ما آخرین دولت هاست و هیچ اهل بیت صاحب

دولتی نمی ماند مگر آن که پیش از ما مالک و حاکم می گردد تا وقتی شیوه و روش ما را در هنگام حاکمیت دیدند نگویند اگر ما نیز مالک و حاکم می شدیم مثل اینان رفتار می کردیم و این همان سخن خدای متعال است که: «و نهایت کار برای پرهیزگاران است». (۱)

۱- عن ابی عبدالله (قال: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجُورُ وَ أَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا وَ رَدَّتْ كُلَّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلٌ دِينٍ حَتَّى يُظْهِرُوا الْإِسْلَامَ وَ يَعْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ أَمْيَا سَمِعَتْ اللَّهُ سُبْحَانَهُ يَقُولُ: (وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ) (سوره آل عمران، آیه ۸۳) وَ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ حُكْمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ فَحِينَئِذٍ تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَ تُبْدِي بَرَكَاتِهَا وَ لَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعًا لِمَا لِيَصَدَّقْتَهُ وَ لَا لِيُرِيَهُ لِشُمُولِ الْغِنَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ دَوْلَتَنَا آخِرُ الدُّوَلِ وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلٌ بَيْتٍ لَهُمْ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكُوا قَبْلَنَا لَنَلَّا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سَيْرَتَنَا إِذَا مَلَكْنَا سِرْنَا بِمِثْلِ سَيْرِهِ هَوْلَاءَ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: (وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ). (سوره اعراف، آیه ۱۲۸) (كشف الغمّه، ج ۲، ص ۴۶۵ _ ۴۶۶)

۶. امام صادق علیه السلام فرمود:

علم بیست و هفت حرف است. پس همه آن چه انبیاء آورده اند، دو حرف از علم است و مردم تا امروز جز دو حرف از علم را نشناخته اند. وقتی قائم علیه السلام قیام کند، ۲۵ حرف (دیگر) را بیرون آورد و در میان مردم نشر دهد و آن دو حرف سابق را به آن ضمیمه سازد تا آن که (همه) بیست و هفت حرف علم را در میان مردم منتشر سازد. (۱)

۷. امام صادق علیه السلام فرمود:

همانا قائم ما وقتی قیام کند، خداوند عزوجل قوه شنوایی و بینایی شیعیان ما را تقویت خواهد کرد چنان که بین آنها و حضرت پیکی نخواهد بود (۲) و آن حضرت در حالی که در جای خود مستقر است با شیعیان [در نقاط مختلف عالم] سخن خواهد گفت و آنان خواهند شنید و به او نگاه خواهند کرد. (۳)

۱- عن ابی عبدالله (قال: الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أُخْرِجَ الْخُمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ وَضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبْنِيَهَا سَبْعَةً وَعِشْرِينَ حَرْفًا. (مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۱۷؛ منتخب الانوار المضيئه، ص ۲۰۱؛ البحار، ج ۵۲، ص ۳۳۶، ب ۲۷، ج ۷۳)

۲- این ترجمه بنا بر بعضی از نسخه ها است که روایت با کلمه «لا یكون» نقل شده است ولی طبق بعضی دیگر از نسخه ها که کلمه «یكون» آمده معنی روایت این است که آن حضرت از فاصله یک برید (چهار فرسخ) با شیعیان سخن می گوید و آنها می شنوند و او را می بینند. و به هر حال معنی روایت روشن است.

۳- عن ابی عبدالله (قال: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لَشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَمَّا يَكُونُ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ - يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي مَكَانِهِ.» (روضه الكافی، ص ۱۶۴، ج ۳۲۹؛ بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۶، ح ۷۲)

از بررسی روایات دوره ظهور، روشن می‌شود که در آن زمان تحولی بزرگ در همه زمینه‌ها رخ می‌دهد. جامعه بشری که در زمینه‌های مختلفی مانند عقل و اخلاق و روابط فردی و اجتماعی به انحطاط و پستی کشیده شده است در دوره ظهور به شکوفایی و کمال می‌رسد و همه عقب‌ماندگی‌ها را جبران می‌کند و حتی در آن زمینه‌هایی که پیشرفت کرده است به وضعیتی بهتر و مطلوب‌تر دست می‌یابد. آن روز نه فقط بشریت که زمین و زمان شکوفا می‌گردد و برکات مادی و معنوی آشکار می‌شود. حال با توجه به روایاتی که مرور کردیم به نکته‌هایی اشاره می‌کنیم:

شکوفایی عقل و کمال اخلاقی

۱. «عقل و اخلاق» دو مشخصه مهم انسان است که زندگی حقیقی او به این دو بستگی دارد و به همین جهت در قرآن و روایات اسلامی با اهمیت شمرده شده است. آیات فراوانی به تعقل و خردورزی دعوت کرده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هدف از بعثت خود را تکمیل مکارم اخلاق دانسته است. (۱) در دولت موعود که بر محور قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله خواهد بود، به رشد عقلی و کمال اخلاقی انسان، اهمیت ویژه‌ای داده خواهد شد. (حدیث ۱)

۱- قال رسول الله: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.» (میزان الحکمه، ح ۵۰۵۸؛ به نقل از کنز العمال، ح ۵۲۱۷)

۲. جریان «دست خدا بر سر خلق» که در دولت کریمه مهدی اتفاق می افتد کنایه از برخورداری مردم از تربیت الهی است که سبب رشد عقلانی و تکامل اخلاقی مردم می شود و پس از یک دوره طولانی که هوی و هوس ها و ناهنجاری های اخلاقی در جامعه رایج بوده زمان حکومت عقل و اخلاق فرامی رسد و همه خوبی ها و زیبایی ها از همین نقطه آغاز می شود. (حدیث ۱)

۳. وقتی هوی و هوس ها محور تصمیم گیری و عمل افراد باشد تنها به منافع شخصی فکر می شود و همه چیز به دنیا و مادیات ختم می شود و جایی برای عدالت و انصاف و اخلاص و مهرورزی و نوع دوستی نمی ماند و وقتی عقل محور باشد جایی برای کینه و حرص و دنیاپرستی نیست بلکه فضا، فضای صمیمیت و محبت و خداخواهی و اخلاق نیکوست و مهدی موعود علیه السلام بشارت دهنده چنین عقلانیت و اخلاقی برای جامعه بشری است.

حکومت و دین جهانی

۴. در دولت مهدی علیه السلام حکومت واحد جهانی شکل می گیرد و

همه جهان با مدیریت معصوم که انسان کامل و حجت خداست

نظام می گیرد و وعده قرآن مبنی بر جهانی شدن اسلام تحقق می یابد. همه به اختیار، مسلمان می شوند و به امام عصر علیه السلام ایمان می آورند. (۱)

۱- درباره وجود پیروان سایر ادیان در زمان حکومت امام مهدی (اختلاف نظر است و البته بعید نیست که وجود داشته باشند ولی با رعایت قوانین اسلامی زندگی کنند اما با توجه به بشارت های قرآنی و روایات، جمعیت زیادی را تشکیل نمی دهند.

۵. تشکیل حکومت واحد جهانی با توجه به توسعه ارتباطات و نیز هم سویی عقاید و آرمان های مردم زمین امری ممکن و آسان است؛ زیرا آن چه مردم را متفرّق و پراکنده می کند اختلاف اعتقادی و اخلاقی است و چون در زمان ظهور، حق آشکار می شود و مردم به فطرت الهی خود به حق گرایش پیدا می کنند، زمینه نزدیکی و یکی شدن ملت ها فراهم می گردد.

عدالت جهانی در همه بخش ها

۶. وقتی دولت مهدی موعود علیه السلام حاکم می شود، حق و عدل فراگیر می شود به گونه ای که هیچ زاویه ای از زوایای زندگی بشر _ چه در جنبه فردی و چه در جنبه اجتماعی _ باقی نمی ماند که در آن ظلم و ستم باشد چون از طرفی، حکومت و شخص حاکم در پی اجرای عدالت است و شخص امام، عدالت مجسم است و از سویی دیگر مردم با کمال اخلاقی و رشد عقلانی از بی عدالتی گریزانند. بنابراین توفیق حکومت مهدی علیه السلام در اجرای عدالت در سطح عموم به دلیل عدالت پذیری مردم و عدالت محوری حاکمان است.

۷. گستردگی عدالت در زمان ظهور به گونه ای است که فرموده اند «حقّ هر صاحب حقی داده می شود» و عدالت محوری امام چنان است که به طور مطلق فرموده اند او به عدالت حکم می کند و هر

ستمی در روزگار او برطرف می شود و نیز درباره شیوه حکم او آمده است که بسان داود نبی علیه السلام حکم می کند که او بر اساس علم خود _ که از علم الهی بود _ حکم می کرد و در این صورت هیچ گونه ظلمی _ حتی در ظاهر _ اتفاق نمی افتد. (حدیث ۵)

امنیّت همگانی در همه حوزه ها

۸. امنیّت از نعمت های بزرگ الهی است که بدون آن زندگی _ حتی در اوج رفاه و دارایی _ مفهوم واقعی ندارد و می بینیم که در جامعه پیش از ظهور، بشر از ناامنی در حوزه های مختلف زندگی هم چون جان و مال و آبرو به شدت رنج می برد ولی در روزگار ظهور موعود، جامعه ای سراسر امن و آرام، شکل می گیرد؛ جان و مال و آبروی مردم _ در هر طبقه ای باشند _ محترم و محفوظ است به گونه ای که عبور از یک مرز به مرز دیگر برای یک زن _ که عنصری آسیب پذیرتر نسبت به مرد است _ بدون هیچ تهدیدی، امکان پذیر است. (حدیث ۴ و ۵)

۹. امنیّت زمان ظهور در روایات مختلف و با تعبیرهای گوناگون مطرح شده است. بعضی از روایات با صراحت از امنیّت، سخن گفته است مثل این که فرموده «راه ها» امن خواهد بود و به گونه ای است که یک زن با زیور و زینت خود به تنهایی سفر می کند و از کشوری به کشور دیگر می رود ولی هیچ تهدیدی برای او نیست و بعضی از روایات از تعبیر کنایه ای استفاده کرده و فرموده درندگان با هم آشتی می کنند و گرگ و میش کنار هم قرار می گیرند که این بیانات به معنی نهایت

امتیت و آرامش و سازگاری موجودات است و این که امتیت در آن زمان، امتیتی فراگیر و عمومی است. (حدیث ۴)

۱۰. امتیت در زمان ظهور از بشارت‌ها و وعده‌های قرآنی به مؤمنان نیز هست زیرا وقتی در آیه ۵۵ سوره نور از حاکمیت مؤمنان و جهانی شدن دین آنها در آینده خبر می‌دهد به عنوان وعده سوم از امتیت

آنها در آن زمان هم خبر داده است و این آیه یکی از آیات روشن

در باره جامعه مهدی موعود است زیرا که این وعده‌ها تاکنون

اتفاق نیفتاده است. (۱)

صفا و صمیمیت و همدلی مردم

۱۱. از برکات مهم دوران ظهور، نزدیکی دل‌ها و مهربانی انسان‌ها نسبت به یک دیگر است و این امر به سبب گسترش فرهنگ قرآنی و سنت معصومین علیهم السلام است. در آن زمان کینه‌ها از دل‌ها می‌رود و به جای آن دوستی و یک رنگی و اعتماد متقابل می‌نشیند و این خود نمونه‌ای دیگر از امتیت روانی و اخلاقی در زمان ظهور است. (حدیث ۴)

۱۲. روشن است که همدلی و صمیمیت بین افراد، مادر بسیاری از خوبی‌هاست. همان‌طور که کینه و بددلی، ریشه‌ی خیلی از بدی‌ها و نابسامانی‌هاست. همدلی و دوستی، اعتماد میان افراد را تقویت

۱- در بخش «امام مهدی در قرآن» از این کتاب به طور مشروح راجع به این آیه بحث شده است.

می کند و حسّ تعاون و همکاری اجتماعی را افزایش می دهد. چنان که کینه و قهر سبب از بین رفتن اعتماد متقابل و کم شدن همکاری و کمک رسانی افراد جامعه به یک دیگر است و این معضل از مشکلات بزرگ دوران پیش از ظهور است!

ریشه کن شدن فقر از جامعه بشری

۱۳. در دولت موعود علیه السلام که حق و عدل حاکم می شود و خداپرستی و آخرت جویی فراگیر می گردد برکات آسمان و زمین به طور بی سابقه بر مردم نثار می شود. (۱) آسمان بی دریغ می بارد و زمین پیوسته رویش دارد از همه نوع و همه صنف! هم گنج ها و ذخایر خود را بیرون می ریزد و هم انواع گیاه و نبات را می رویاند و همه جا را سبزی و خرمی فرا می گیرد! (حدیث ۴ و ۵)

۱۴. وقتی حاکم جامعه عادل باشد و مردم عدالت پذیر و غم خوار

و دوست یک دیگر باشند و برکات الهی هم فراوان باشد، بستر مناسب برای از بین رفتن فقر از همه افراد جامعه فراهم می شود و به همین دلیل در جامعه موعود فقیر یافت نمی شود و گیرنده صدقه و زکات نخواهد بود.

۱۵. با توجه به روایات فراوان، در دولت مهدی علیه السلام که حکومت خدا

۱- قرآن می فرماید: (وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْفِيُونَ)؛ و اگر اهل شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه کنند، برکت های آسمان و زمین را بر آنها می گشاییم... (سوره اعراف، آیه ۹۶)

بر زمین است همان طور که به رشد معنوی انسان ها اهمیت بالایی داده می شود و وسیله تقرب و کمال انسان ها فراهم می گردد همان گونه به جنبه مادی و رفاه دنیوی آنها نیز توجه می شود. یعنی حاکمیت به معاد و معاش مردم _ هر دو _ توجه دارد. (حدیث ۵)

تعهد و مسئولیت پذیری افراد

۱۶. جامعه اسلامی، جامعه تعهد و مسئولیت پذیری انسان ها نسبت به یک دیگر است. چنان که قرآن فرموده است؛ (۱) و در حکومت مهدی علیه السلام که بر اساس قرآن عمل می کند این واجب قرآنی (یعنی امر به معروف و نهی از منکر) در سطح حاکمان و توده مردم زنده خواهد شد و همگان به این وظیفه اسلامی و انسانی عمل خواهند کرد. (حدیث ۲)

۱۷. وقتی در جامعه ای، مردم نسبت به حاکمان و نیز در سطح جامعه نسبت به یک دیگر تعهد و دل سوزی داشته باشند و در مقابل عمل خوب و بد آنها واکنش نشان دهند، خوبی و صلاح رواج یافته و بدی و تباهی رو به کاهش خواهد گذاشت و به برکت این نظارت عمومی و همگانی جامعه ای سالم و صالح شکل خواهد گرفت. بنابراین رمز سلامت جامعه موعود و زیبایی آن، عمل کردن بر اساس آموزه های قرآنی است و این گونه نیست که مردم و جامعه بی اختیار و ناخواسته و به وسیله اعجاز خدا و امام، صالح شوند! و یک شبه همه

۱- اشاره است به آیه (كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ)؛ شما بهترین امتی هستید که برای مردم آورده شده است امر به معروف می کنید و از منکر نهی می کنید. (سوره آل عمران، آیه ۱۱۰)

بدی ها دفن شود!

۱۸. از الگویی که روایات دربارهٔ جامعه ظهور ارائه کرده است می توانیم به نفع امروز خود بهره بگیریم و با ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در سطح مردم و حاکمان از بسیاری از ناهنجاری های اجتماعی جلوگیری کنیم و راه را برای ترویج ارزش ها و اخلاق اسلامی هموارتر کنیم.

پیشرفت علمی و رشد ارتباطات

۱۹. امام مهدی علیه السلام میراث دار علوم همه انبیاء و اولیاء است و در زمان او و به برکت ظهور او، دوره شکوفایی علم پدیدار می شود و بشر به چشمه های جدیدی از علم دست می یابد که قابل مقایسه با دوره پیش از ظهور نخواهد بود. (حدیث ۶)

۲۰. پیشرفت های علمی دوره ظهور در حوزه های مختلف خواهد بود از جمله این که «ارتباطات» رشد عجیبی خواهد کرد، به گونه ای که مطابق روایات، مردم در شرق و غرب زمین با سرعت و سهولت با هم ارتباط خواهند داشت و هر کس در هر نقطه ای که باشد مهدی علیه السلام را خواهد دید و سخن او را خواهد شنید. (۱) (حدیث ۷)

۲۱. ارتباطات سریع خود یکی از ابزارهای تحقق جامعه جهانی و حکومت واحد است و شاید یکی از عوامل غیبت، فراهم شدن زمینه های مناسب برای شکل گیری حکومت جهانی باشد که از جمله

۱- البته رشد ارتباطات ممکن است نوعی اعجاز و امداد غیبی الهی هم باشد و به هر حال این واقعیتی است که در دوره ظهور به وقوع می پیوندد.

آنها مسئله «ارتباطات» است.

۲۲. آن چه از برکات دوران ظهور بیان شد بخشی از نتایج حکومت صالحان بر زمین است که به خوبی بیان گر ضرورت برپایی چنین حکومتی است که آرزوهای بشر را هم عملی خواهد کرد و البته زیبایی های دوره طلایی حکومت مهدی علیه السلام بیش از آن است که در قلم و بیان بگنجد. (۱)

۱- درباره این موضوع کتاب های مفصّلی نوشته شده است. برای نمونه نک. به: چشم اندازی به حکومت مهدی (نوشته آقای نجم الدین طبسی).

سخن پایانی

امام مهدی علیه السلام حقیقتی است فراتر از درک و فهم بشر و خورشید عالم افروزی است که دست و دیده ما از او کوتاه است ولی تلاش کردیم پرتوی از سیمای تابناک او را در آینه کلمات معصومان علیه السلام ببینیم تا به سهم خود از تماشای جمال بی مثالش بهره ای برده باشیم و در پایان خاضعانه به پیشگاه مقدسش عرض می کنیم:

«... يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَّا الضُّرَّ وَجِئْنَا بِبِضَاعِهِ مُرْجَاهٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ» (۱)

كتابنامه

قرآن كريم

١. نهج البلاغه

٢. مفاتيح الجنان

٣. ابن ابى الحديد، ابو حامد عبدالحميد بن هبهالله، شرح نهج البلاغه، تحقيق: محمد ابو الفضل ابراهيم، بي جا: دار احياء الكتب العربيه، بي تا.

٤. ابن حجر هيثمى، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة، لبنان، موسسه الرساله، چاپ اول، ١٤١٧ق.

٥. ابن صباغ المالکى، على بن محمد، الفصول المهمه فى معرفه الاثمه، تحقيق: سامى الغريرى، قم، دار الحديث، ١٣٧٩ش.

٦. اربلى، على بن عيسى، كشف الغمه فى معرفه الاثمه، مصحح: هاشم رسلى محلاتى، تبريز، بنى هاشمى، چاپ اول، ١٣٨١ق.

٧. بحراني، سيد هاشم بن سليمان، البرهان فى تفسير القرآن، قم، قسم الدراسات الاسلاميه، موسسه البعثه، چاپ اول، ١٣٧٤ش.

٨. بخارى، محمد بن اسماعيل، صحيح البخارى، لبنان، دار الفكر، ١٤٠١ق.

۹. بهاءالدين نيلی نجفی، علی بن عبدالکريم، منتخب الانوار المضيئه، قم، مطبعه الخيام، ۱۳۶۰ش.
۱۰. تفتازانی، شرح المقاصد فی علم الکلام، پاکستان، دارالمعارف النعمانيه، ۱۴۰۱ق.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، امام مهدي موجود موعود، قم، اسراء، ۱۳۸۷ش.
۱۲. جوينی، ابراهيم، فرائد السمطين، تحقيق: محمدباقر محمودی، ايران، دارالحبيب، ۱۴۲۸ق.
۱۳. حاکم نيشابوری، محمدبن عبدالله، المستدرک علی الصحيحين، بيروت، مكتبه العصریه، بی تا.
۱۴. حرعاملی، محمدبن حسن، اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات، بيروت، اعلمی، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
۱۵. حلّی، حسن بن سليمان، مختصر بصائر الدرجات، نجف، حیدریه، ۱۳۷۰ق.
۱۶. حویزی، علی بن جمعه، نور الثقلین، تصحيح و تعليق: رسولي محلاتی، قم، اسماعيلیان، ۱۴۱۲ق.
۱۷. خزاز رازی، علی بن محمد، كفايه الاثر في النص على الائمه الاثني عشر، حسینی كوه كمری، قم، بيدار، چاپ اول، ۱۴۰۱ق.
۱۸. شيخ صدوق، ابو جعفر محمدبن علی، كمال الدين و تمام النعمه، قم، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۹ق.
۱۹. _____، علل الشریع، قم، داوری، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۲۰. _____، معانی الاخبار، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۱ق.
۲۱. شيخ طوسی، ابو جعفر محمدبن الحسن، كتاب الغیبه، قم، موسسه المعارف الاسلاميه، چاپ دوم ۱۴۱۷ق.
۲۲. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، قم، موسسه حضرت معصومه علیها السلام، ۱۴۱۹ق.
۲۳. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات جامعه مدرسین

حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.

۲۴. طبرانی، المعجم الاوسط، دارالحرمین، ۱۴۱۵ق.

۲۵. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، موصل، مکتبه الزهراء، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.

۲۶. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، الاحتجاج، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.

۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، قم، آل البيت عليهم السلام چاپ اول، ۱۴۱۷ق.

۲۸. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.

۲۹. فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، اصفهان، کتابخانه امیرالمومنین علیه السلام چاپ اول، ۱۴۰۶ق.

۳۰. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده، قم، نشر شریف المرتضی، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.

۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۲ق.

۳۲. کورانی، علی، معجم احادیث الامام المهدي عليه السلام، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.

۳۳. متقی هندی، علاءالدین، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، لبنان، موسسه الوفاء، ۱۴۰۹ق.

۳۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، نشر موسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۰ق.

۳۵. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، تهران، موسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۲ش.

۳۶. مشهدی، محمد بن محمد رضا، کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد، چاپ اول، ۱۳۶۸ش.

۳۷. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی بن علی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، تحقیق: عبدالفتاح محمدالحلو، قاهره، مکتبه عالم الفکر، ۱۳۹۹ق.

۳۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.

۳۹. موسوی اصفهانی، محمدتقی، مکیال المکارم، ترجمه: حائری قزوینی، قم، نشر مسجد جمکران، ۱۳۸۳ق.

۴۰. نعمانی، محمدابراهیم، الغیبه، تصحیح غفاری، تهران: نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۹۷ق.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

